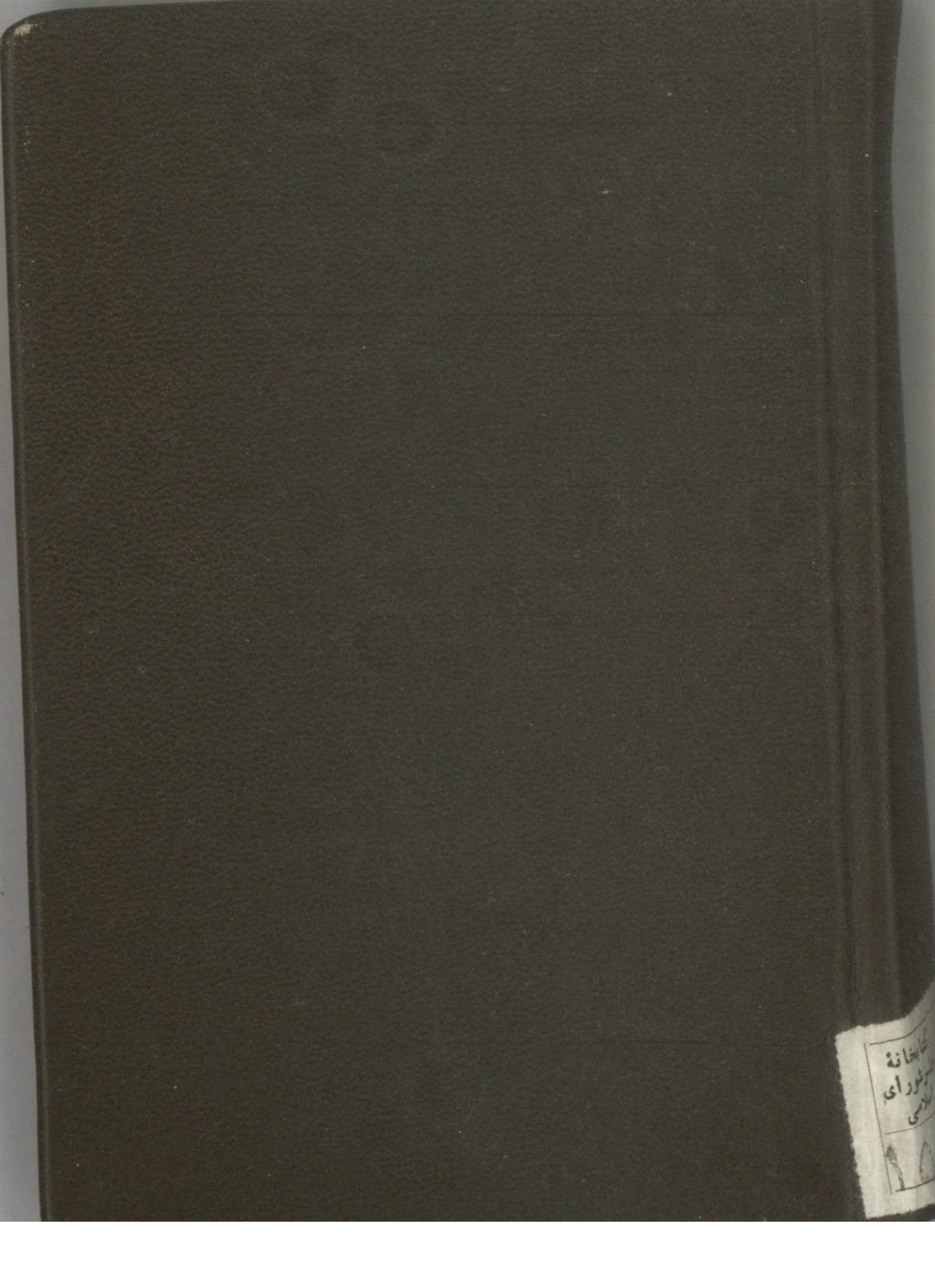
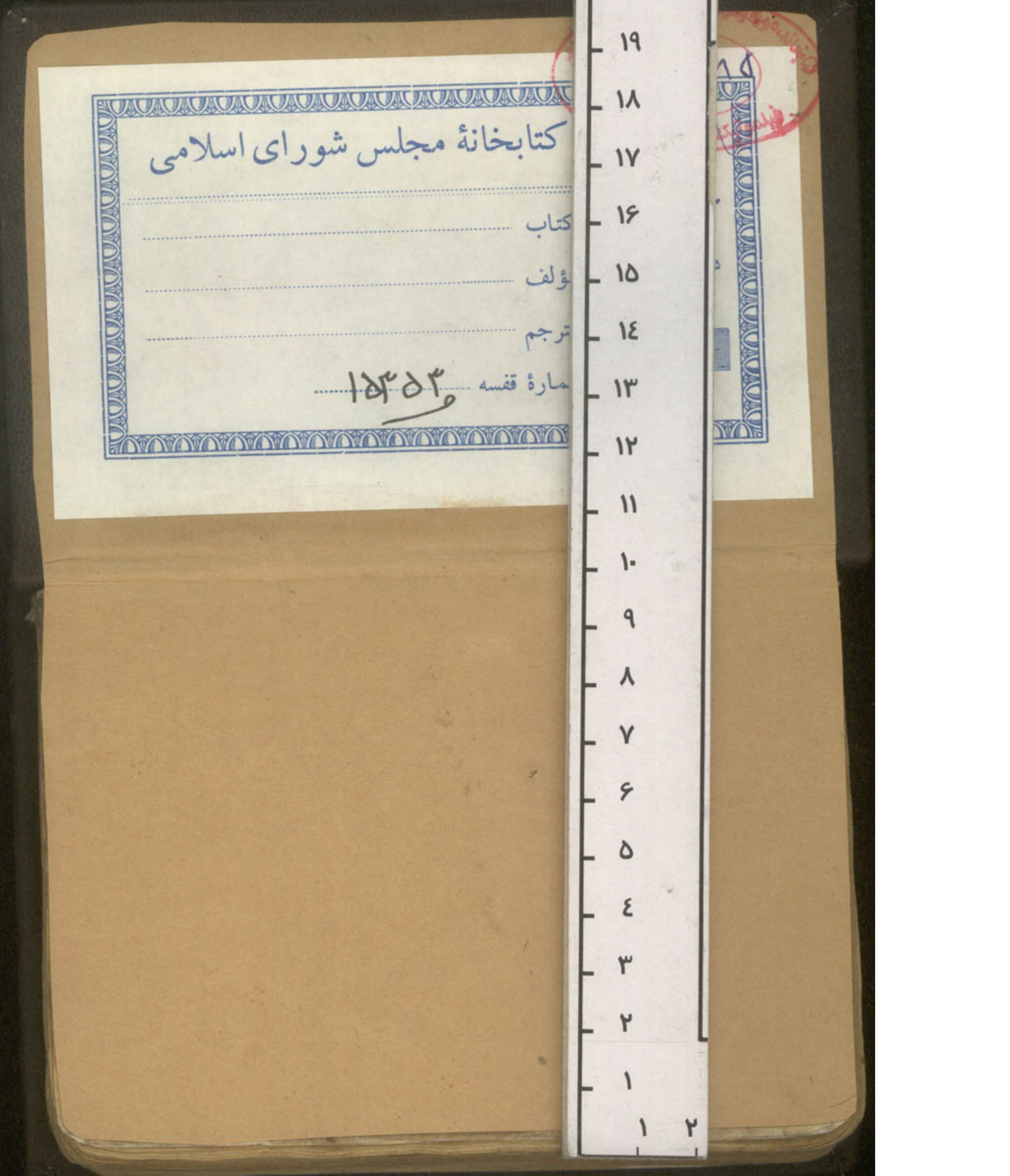
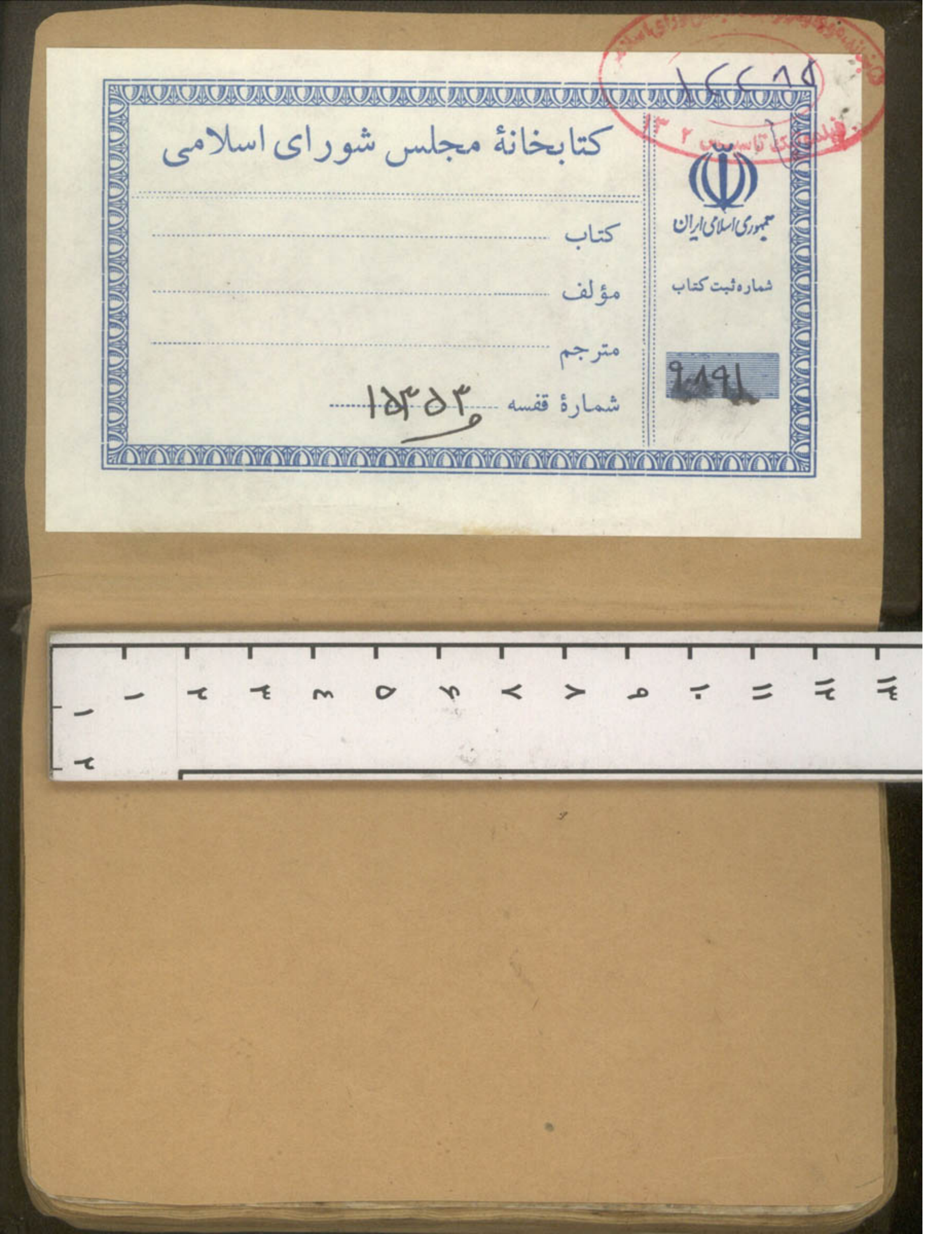
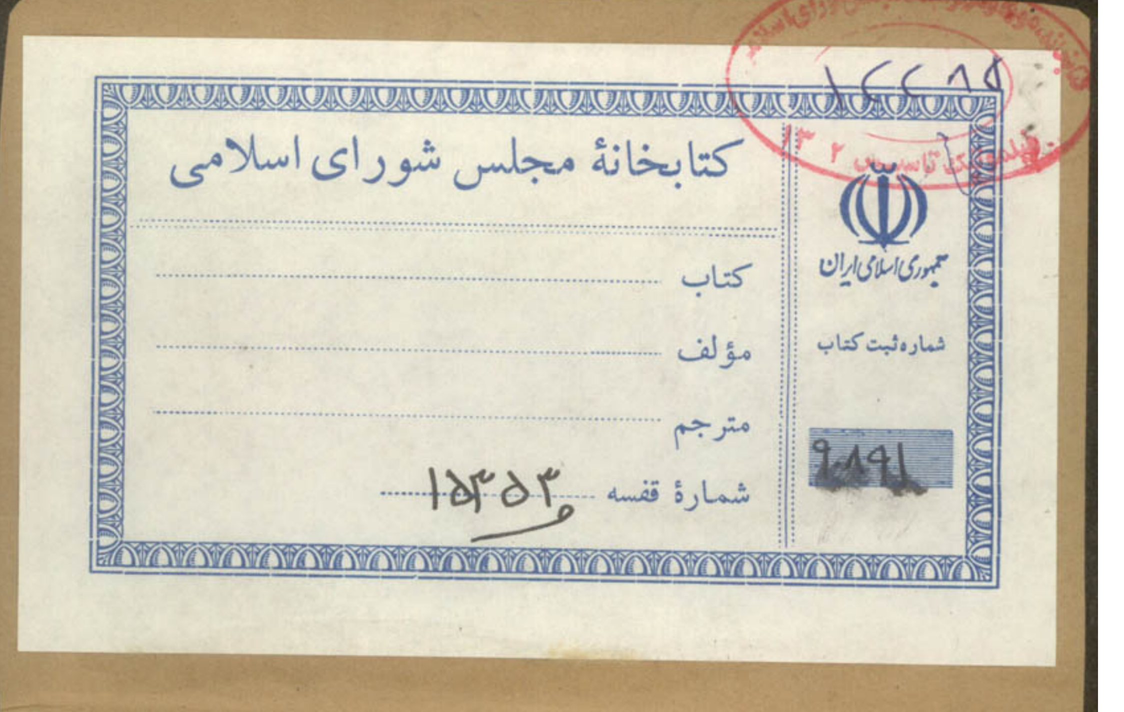
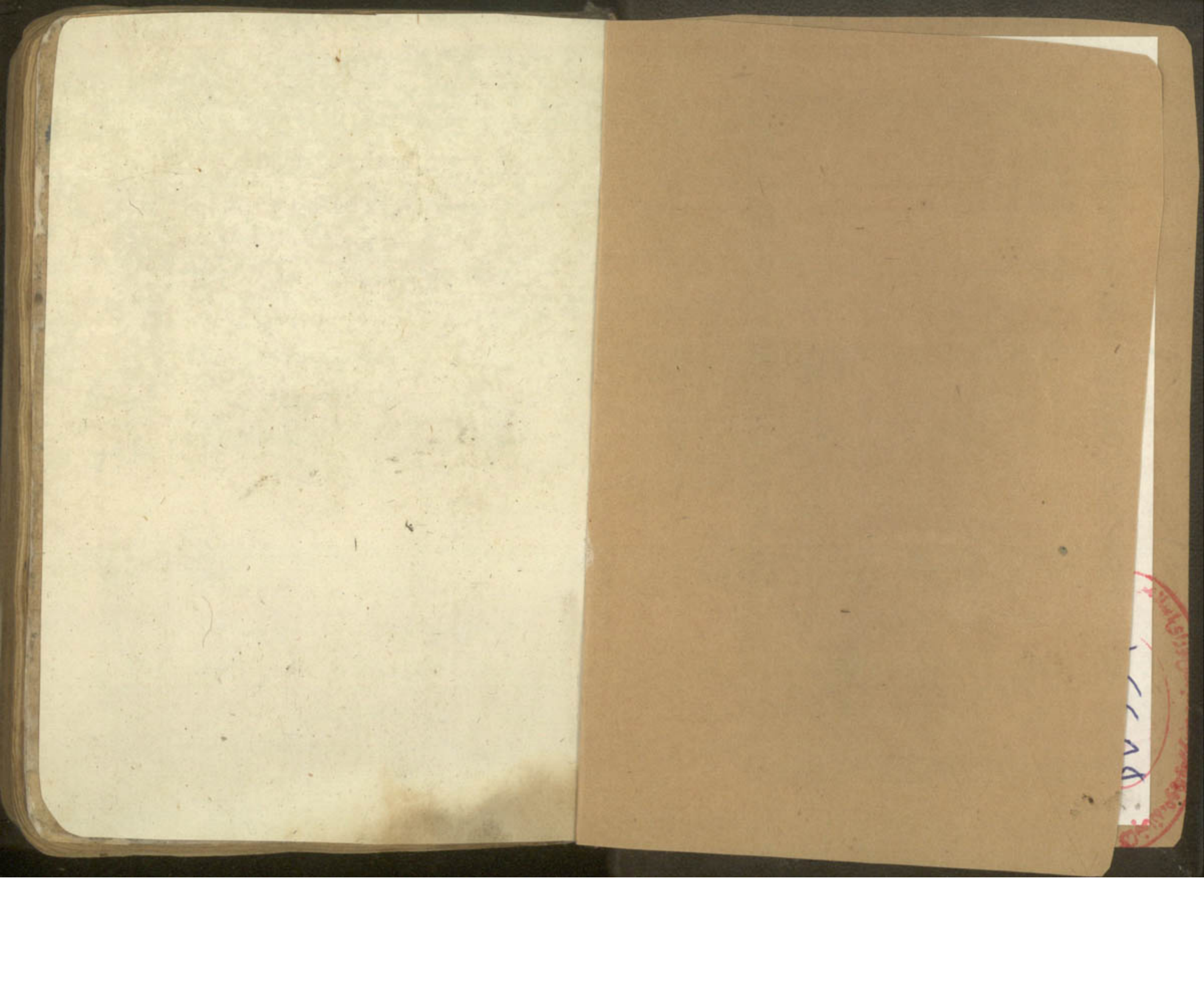



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
ؤلف
ترجم
مارهٔ قفسه



کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۵۳۵۴
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب







[illegible] اقل المحتاجین الی عفو ربه
الغنی الباری عبد العال بن محمد مقیم الفریدنی الخونساری باشاره
بعض اعزه زاده الله عزه باقلت بضاعت بترجمه آن حسب المقدور
اب طاعت نمودم متوکلا علی الله المعبود و این کتاب مشتمل بر
چهل فصل است باین ترتیب فصل اول در تعقیب هر فریضه از
نمازهای پنجگانه فصل دویم در تعقیب نماز ظهر فصل سیم
در تعقیب نماز عصر فصل چهارم در تعقیب نماز مغرب فصل پنجم
در تعقیب نماز عشا فصل ششم در آنچه در وقت خواب میباید خواند
فصل هفتم در ادعیه که در وقت نماز شب میخوانند فصل هشتم
در استغفار وقت سحر فصل نهم در تعقیب نماز صبح فصل دهم
در بیان سجده شکر فصل یازدهم در ادعیه که در هر یوم میخوانند
فصل دوازدهم در ادعیه صباح و مسا فصل سیزدهم در نمازهای
سنتی که وقت معین دارند فصل چهاردهم در اعمال روز جمعه
فصل پانزدهم در نمازهای حاجت فصل شانزدهم در دعای
استغاثه فصل هفدهم در ادعیه طلب رزق فصل هجدهم
در ادعیه قضای دین فصل نوزدهم در ادعیه خلاصی از بند

تعقیبات نماز
در ... فصل



فصل بیستم در ادعیه رفع علتها و بیماریها فصل بیست و یکم در
ادعیه گمشده و گریخته فصل بیست و دوم در ادعیه محفوظ ماندن و ایمن
شدن از سلاطین و حکام فصل بیست و سیم در ادعیه استسقا فصل
بیست و چهارم در ادعیه اسم اعظم فصل بیست و پنجم در ادعیه پیغمبران
فصل بیست و ششم در ادعیه ائمه معصومین ع فصل بیست و هفتم
در ادعیه [illegible] مجابات [illegible] کل امثال اینها فصل بیست و هشتم در
ادعیه ایمنی از شر هر چه از آن خوف داشته باشد فصل بیست و نهم
در ادعیه سفر فصل سی‌ام در ادعیه ایام هفته و تعویذات
آن فصل سی و یکم در ادعیه متفرقه از کتابهای متفرق
فصل سی و دوم در ادعیه مسافر فصل سی و سیم در خواص
آیات قرآن فصل سی و چهارم در استخارات فصل سی و پنجم در زیارات
فصل سی و ششم در ادعیه ماه رجب فصل سی و هفتم در ادعیه ماه
شعبان فصل سی و هشتم در ادعیه ماه مبارک رمضان
فصل سی و نهم در ذکر اسماء حسنی و خواص آنها فصل چهلم
در آداب دعا که دعا کننده را بدان عمل نمودن سزاوار است
و تفصیل هر یک بعد از این بیاید ان شاء الله تعالی فصل اول

در اذکاری که سزاوار است که در عقیب هر فریضه بگویند و از الجمله این دعاست
لا اله الا الله الها واحدا و نحن له مسلمون
نیست معبودی بحق جز خدای یگانه و ما از برای او اطاعت کننده‌ایم
لا اله الا الله الها واحدا و نحن له مخلصون
نیست معبودی بحق مگر خداوند یگانه و ما از برای او [illegible]
لا اله الا الله لا نعبد الا اياه مخلصين له الدين
نیست معبودی بحق [illegible] نمی‌پرستیم [illegible] در حالتی که خالص کننده‌ایم برای او دین را
ولو كره المشركون لا اله الا الله ربنا و رب
و اگرچه ناخوش دارند مشرکان نیست معبودی بحق [illegible] که پروردگار ما و پروردگار
آبائنا الاولين لا اله الا الله وحده وحده
پدران پیشینیان ماست نیست معبودی بحق [illegible]
انجز وعده ونصر عبده واعز جنده
بجا آورده وعده خود را و یاری کرده بنده خود را و غالب ساخته لشکر خود را
وهزم الاحزاب وحده فله الملك وله الحمد
[illegible]
يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت
زنده میکند و میمیراند و میمیراند و [illegible]



بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر پس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلم بگوید
هست قدرت او نیست خیر داور بر هر چیزی توانایست
پیش از آنکه دو ته کند پاهای خود را پس بعد از آن بگوید
أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له
گواهی میدهم آنکه نیست معبودی بجز حق تعالی [illegible]
إلها واحدا أحدا فردا صمدا حيا لم يتخذ صاحبة
[illegible]
ولا ولدا ومرویست که هر کسیکه بگوید این را بعد از
ولد فرزندی
هر فریضه بنویسد حق تعالی برای چهل و چهار
حسنه و محو کند از وی همین قدر از سیئات و بلند کند برای او
از درجات همین مقدار و بنا کند حق تعالی برای او خانه در بهشت
و باشد مانند کسی که قراءت کرده باشد قرآن را دوازده مرتبه
و مرویست از ابی جعفر یعنی امام محمد باقر ع که هر که بگوید از پس هر
فریضه پیش از آنکه دو ته کند پاهای خود را سه مرتبه
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذا
طلب آمرزش میکنم از خدایی که نیست معبودی بجز او زنده و قائم بذات خود صاحب

الجلال والاکرام واتوب الیه بیامرزد حق تعالی گناهان او را
بزرگواری و کرامت و توبه میکنم بسوی او اگر چه مثل کف دریا باشد
و مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر که بخواند این دعا را در
پس هر نماز آمرزیده شود گناهان او اگر چه بعدد ستارهای آسمان
و قطرات آن و بعدد ریگهای زمین و ترابها و حیوانات آن باشد
و آن دعای خضر علیه السلام است یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من
ای آنکه مشغول نمیسازد او را شنیدن از شنیدن ای آنکه
لا یغلطه سؤال السائلین یا من لا یبرمه الحاح
به غلط نمی اندازد او را خواهش خواهشمندان ای آنکه [illegible]
الملحین اذقنی برد عفوک ومغفرتک وحلاوة
الحاح کنندگان بچشان بمن خنکی بخشش خود و آمرزش خود را و شیرینی
رحمتک ودر کتاب شرح نهج البلاغه مذکورست که حضرت پیغمبر صلعم
رحمت خود را
دید ملکی را در آسمان که او را هزار هزار سر بود
و در هر سری هزار هزار رو و در هر رویی هزار هزار دهان و
در هر دهانی هزار هزار زبان بود و او بهر زبانی تسبیح
میکرد حق تعالی را بهزار هزار لغت و تحقیق که سؤال کرد



از حق تع که آیا ارباب بندگان تو کسی هست که او را مثل عبادت من
باشد پس وحی کرد حق تعالی بسوی او که بدرستی که مرا در زمین بنده
هست که ثوابش از تو عظیم تر است و شغلش بیشتر است پس آن
ملک اذن طلبید از حق تع در باب زیارت آن بنده و حق تعالی او را
رخصت فرمود پس نزد او آمد و ماند نزد وی سه روز پس نیافت
او را که بر فرایض خود بیفزاید چیزی مگر اینکه میگفت بعد از فریضه
سُبْحَانَ اللهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ اَنْ
يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ
عِزِّ جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ
اللهُ اَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ
وَعِزِّ جَلَالِهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللهَ شَيْءٌ

وكما

وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُهَلَّلَ وَكَمَا هُوَ اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي
لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَاللهُ اَكْبَرُ كُلَّمَا
كَبَّرَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ اَنْ يُكَبَّرَ وَكَمَا هُوَ
اَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ
سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ
اَكْبَرُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ وَعَلَى كُلِّ اَحَدٍ مِنْ
خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ اَوْ يَكُونُ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ
اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْاَلُكَ



خیر ما ارجو و خیر ما لا ارجو و اعوذ بک من شر
خیر آنچه امید دارم و خیر آنچه امید ندارم و پناه میبرم بتو از شر
ما احذر و من شر ما لا احذر   و در کتاب عدة الداعی
آنچه خوف دارم و از شر آنچه خوف ندارم   مذکورست که پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود بشیبهٔ هذلی را   اللهم اهدنی من عندک
که بگو در پس هر نماز این دعا را   خدایا هدایت کن مرا از نزد خود
و افض علی من فضلک و انشر علی من رحمتک
و بریز برمن از فضل خود و پراکنده ساز برمن از رحمت خود
و انزل علی من برکاتک   پس هر که وفا کند باین دعا و
و فرو فرستد برمن از برکتهای خود   ترک نکند این را عمدا در روز
قیامت داخل شود از هر کدام درهای بهشت که خواهد و در بعضی
مرویست که هر که   یا من یفعل ما یشاء و لا یفعل
بگوید در پس هر نماز   ای آنکه میکند هر چه میخواهد و نمیکند
ما یشاء غیره   عطا کرده شود آنچه سؤال کند و نقل
آنچه خواهد غیر او   کرده است شیخ شهید در کتاب اربعین که
حدیث میرسد ... که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که ...

ایمضمون

این مضمون را که خبر دهید مرا که اگر جمع کنید هر چه نزد شما باشد از جامها
و ظرفها و بگذارید بعض آنها را بالای بعضی و بر هم چینید آنها را آیا
میشود که برسد آنرا که برسد بآسمان گفتند نه یا رسول الله فرمود
یکی از شما که بگوید چون فارغ شود از نماز خود سبحان الله و
الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر سی و سه مرتبه
برستیکه این تسبیحات دفع میکند از و اینها سوختن خانه را و سوختن
و غرق شدن و افتادن در چاه و خوردن درندگان و مردن بد
و بلاهایی که نازل میشود از آسمان در آن روز و اینها معقبات اند
و مرویست از حضرت صادق ع که هر که بگوید در عقب هر فریضه
اعیذ نفسی و دینی و مالی و اهلی و ولدی و اخوانی
پناه میدهم نفس خود و دین خود و مال خود و اهل و فرزندان و برادران
فی دینی و ذریتی و ما رزقنی ربی و خواتیم عملی
دینی خود و با زادگان خود و آنچه روزی کرده است پروردگار من و عاقبت اعمال خود
و من یعنینی امره بالله الواحد الاحد الصمد الذی
و کسی را که اهتمام دارم در کار او ... بخدای یگانه ... که
لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و برب
نزائیده است و زائیده نشده است و نیست او را همتا کسی و به پروردگار

الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب

صبح از شر آنچه آفریده است و از شر شب بسیار تاریک هرگاه داخل شود

ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا

و از شر زنان باد دمنده در گرهها و از شر حسودی هرگاه

حسد قل اعوذ برب الناس ملک الناس اله الناس من

حسد برد و پروردگار آدمیان پادشاه آدمیان معبود بحق آدمیان از

شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی صدور

شر وسوسه تاخیر کننده آنکه وسوسه میکند در سینهای

الناس من الجنة والناس حفظ کند حق تعالی او را و

آدمیان از جنیان و آدمیان و مال و ولد و خانه او را و

روایت از حضرت صادق ع که کم چیزی که اللهم صل علی محمد

کافیست از دعا در عقب صلوة مکتوبه آنست که بگوید خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد اللهم انی اسئلک من کل خیر احاط

و آل محمد خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از هر چیزی که احاطه کند

به علمک واعوذ بک من کل سوء احاط به علمک

بآن علم تو و پناه میبرم بتو از هر بدی که فرو گرفته آن را علم تو

اللهم

اللهم انی اسئلک عافیتک فی اموری کلها واعوذ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا عافیت ترا در تمام امورم و پناه میبرم

بک من خزی الدنیا وعذاب الآخرة واعوذ بوجهک

بتو از رسوائی دنیا و عذاب آخرت و پناه میآورم بذات مقدس تو

الکریم وسلطانک القدیم وعزتک التی لا ترام و

بزرگوار تو و پادشاهی قدیم تو و عزت تو که هیچکس طلب ان نتواند کرد

قدرتک التی لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا و

قدرت تو که ابا نمیتواند کرد از آن چیزی از شر دنیا و

عذاب الآخرة ومن شر الاوجاع کلها ومن شر کل

عذاب آخرت و از شر دردها همه و از شر هر

دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

جنبنده که پروردگارم فراگیرنده است موی پیش سر او را بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم توکلت علی

و نیست حول و نه قوه مگر بخدای بلند مرتبه بزرگوار توکل کردم بر

الحی الذی لا یموت وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا

زنده که نمیمیرد و بگو سپاس مر خدای راست که فرا نگرفته است فرزندی

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ
و نیست او را شریکی در پادشاهی و نمی‌باشد او را دوستی از خواری
وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا و نقل کرده است علامه در کتاب نهایه چنانکه امیر المؤمنین
و تعظیم کن او را تعظیم کردنی
علیه السلام فرمود که هر که دوست دارد که بیرون رود از
دنیا و حال آنکه خالص شده باشد از گناهان چنانکه خالص می‌شود طلا که
نیست غشی در آن و مطالبه نکند احدی او را بمظلمه پس باید بخواند در
پس هر نمازهای پنجگانه نسبت پروردگار تبارک و تعالی را یعنی سوره
توحید را ده مرتبه و پهن کند اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
دستهای خود را و بگوید که
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا
بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ وَ
بحق نام تو که پنهان کرده شده خزانه کرده شده پاکیزه پاک با برکت است و
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ يَا
سؤال میکنم ترا بحق نام بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو ای
وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى يَا فَكَّاكَ
بخشنده عطاها ای رها کننده اسیران ای رها کننده
الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
گردنها از آتش سؤال میکنم ترا که رحمت فرستی بر محمد و آل

محمد

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَنْ تُخْرِجَنِي
محمد و آنکه آزاد کنی گردن مرا از آتش و آنکه بیرون آوری مرا
مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ آمِنًا وَأَنْ تَجْعَلَ
از دنیا ایمن و داخل سازی مرا در بهشت سالم و آنکه بگردانی
دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ صَلَاحًا
دعای مرا اول آنرا نجات و میان آنرا پیروزی و آخر آنرا نیکی
إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ و مرویست از حضرت صادق علیه السلام که گفت
بدرستیکه تو توئی دانای غیبها شنیدم از پیغمبر صلعم که میفرمود که
هر کس بخواند آیة الکرسی را بعد از هر فریضه منع نکند از دخول بهشت
او را مگر موت یعنی چون بمیرد داخل بهشت شود و مداومت نمیکند
بر آن مگر صدیقی یا عابدی **فصل دویم** در تعقیب نماز ظهر
مقدمه بدانکه اول نمازی که فرض شد نماز ظهر است و ازین جهت
آنرا صلوة اولی نامند پس مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه
و آله که هر که وضو کند و بیرون رود بسوی مسجد و بخواند در حال
بیرون رفتن بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ
از خانه خود بنام خدایی که آفرید مرا پس او هدایت میکند مرا



راه نماید حق تعالی او را براه آن وَالَّذِی هُوَ یُطْعِمُنِی وَیَسْقِینِ
و با ایمان و هر گاه بگوید و خدای که او عطا میکند خوردنی و آشامیدنی مرا
بخوراند حق تعالی او را از طعام بهشت و بیاشاماند حق تعالی او را از
شراب آن وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ بگرداند حق
و هر گاه بگوید و هرگاه بیمار شوم پس او شفا می بخشد مرا تعالی این را
کفاره برای گناهان وَالَّذِی یُمِیتُنِی ثُمَّ یُحْیِینِ بمیراند
او و هر گاه بگوید و خدای که میمیراند مرا پس زنده میگرداند مرا حق تعالی
او را بموت شهدا و زنده گرداند او را بحیات سعدا و هر گاه بگوید
وَالَّذِی أَطْمَعُ أَنْ یَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ
و خدای که طمع دارم که بیامرزد برای من گناهان مرا در روز قیامت
بیامرزد حق تعالی خطاهای او را و اگر چه بسیار اکثر باشد و هر گاه بگوید
رَبِّ هَبْ لِی حُکْمًا وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ عطیه کند
ای پروردگار ببخش مرا حکمت و ملحق ساز مرا به نیکان حق تعالی او را
حکمت و علم و ملحق کند او را بصلحای وَاجْعَلْ لِی لِسَانَ
گذشته و صلحای آینده و هر گاه بگوید و مقرر فرما برای من زبان
صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ بنویسد حق تعالی برای او در ورق
راستی در پسینیان

سعید

سعید آنکه او از صادقان وَاجْعَلْنِی مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِیمِ
است و هر گاه بگوید که و بگردان مرا از وارثان بهشت با نعمت ایزد
عطا کند حق تعالی او را منزلها چند در بهشت و هر گاه بگوید وَاغْفِرْ لِأَبِی
بیامرزد حق تعالی پدر و مادر او را و ذکر کرده است و بیامرز پدر مرا
ابن فهد در عدة الداعی که سنت است تقدیم پای راست در وقت
داخل شدن و در آنحال بخواند این دعا را که علامه در قواعد ذکر کرده
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا النَّبِیُّ وَ
بنام خدا و بیاری حق تعالی سلام بر تو ای پیغمبر و
رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
رحمت حق تعالی و برکتهای او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و
اجْعَلْنِی مِنْ عُمَّارِ مَسَاجِدِکَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ پس هر گاه خواهد
بگردان مرا از آبادکنندگان مسجدهای خود بزرگست ثنای تو
بیرون رود مقدم دارد پای چپ را اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
و بگوید در آنحالت خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و
افْتَحْ لَنَا بَابَ فَضْلِکَ وَرَحْمَتِکَ پس نماز ظهر را بجا آورد و تسبیح زهرا علیها السلام
بگشا برای ما در فضل و رحمت خود را

بگوید و تعقیب نخواند بانچه مذکور شد در فصل اول پس بخواند این دعا را
که نقل کرده است شیخ طوسی لا اله الا الله العظیم الحلیم لا اله
در مصباح متهجد خود
نیست خدائی بجز خدا و خداوند بزرگوار بردبار نیست معبودی
الا الله رب العرش الکریم والحمد لله رب العالمین
بجز حق تعالی که پروردگار عرش بزرگ است و ستایش مر خدای راست که پروردگار عالمیانست
اللهم انی اسئلک موجبات رحمتک وعزائم
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا واجب کننده های رحمت ترا و لازم کننده های
مغفرتک والغنیمة من کل بر والسلامة من کل اثم
آمرزش ترا و غنیمت بردن از هر نیکی و سلامتی از هر گناهی
اللهم لا تدع لی ذنبا الا غفرته ولا کربا الا کشفته
خداوندا مگذار برای من گناهی مگر آنکه بیامرزی آنرا و نه اندوهی مگر دفع کرده باشی آنرا
ولا هما الا فرجته ولا سقما الا شفیته ولا عیبا
و نه غمی مگر زایل کرده باشی آنرا و نه بیماری مگر شفا داده باشی آنرا و نه عیبی
الا سترته ولا رزقا الا بسطته ولا خوفا الا
مگر پوشیده باشی آنرا و نه روزی مگر فراوان کرده باشی آنرا و نه ترسی مگر
امنته ولا سوء الا صرفته ولا حاجة هی
ایمن ساخته باشی آنرا و نه بدی مگر گردانیده باشی آنرا و نه حاجتی که آن

لك

لک رضا ولنا فیها صلاح الا قضیتها یا ارحم الراحمین
مر ترا باعث خشنودی و برای ما در آن است مصلحت مگر برآورده باشی ای ارحم الراحمین
و میگوید اللهم صل علی محمد انی اسئلک بحق محمد
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق محمد
وآل محمد براءة من النار فاکتب لنا وفی جهنم لا
و آل محمد بیزاری از آتش جهنم را پس بنویس برای ما و در دوزخ پس
تجعلنا وبعذابک وهوانک فلا تبتلنا ومن
مگردان ما را و بعذاب کردن و خوار ساختن خود پس مبتلا مساز ما را و از
الضریع والزقوم فلا تطعمنا ومع الشیاطین
ضریع و زقوم جهنم پس مخوران ما را و با دیوان
فی النار فلا تجمعنا وعلی وجوهنا فلا تکبنا و
در آتش پس جمع مکن ما را و بر رویهای ما پس میفکن ما را و
من ثیاب القطران فلا تلبسنا ومن کل سوء لا اله
از جامهای قطران پس مپوشان ما را و از هر بدی نیست خدائی
الا انت فنجنا وبرحمتک فی الصالحین فادخلنا
مگر تو که نجات بخش ما را و برحمت خود در میان نیکان پس داخل کن ما را



وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَبِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ وَسَلْسَبِيلٍ
فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ
الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ فَأَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ
الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَأَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ الْحَرِيرِ وَ
السُّنْدُسِ وَالْإِسْتَبْرَقِ فَاكْسُنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ فَارْحَمْنَا
وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فَارْزُقْنَا وَسَدِّدْنَا وَقَرِّبْنَا
إِلَيْكَ زُلْفَى وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا
يَا خَالِقَنَا وَاسْمَعْ مِنَّا وَإِذَا جَمَعْتَ الْأَوَّلِينَ وَ

الْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَارْحَمْنَا يَا رَبِّ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ
ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ بِاللهِ اعْتَصَمْتُ
وَبِاللهِ أَثِقُ وَعَلَى اللهِ أَتَوَكَّلُ اللَّهُمَّ إِنْ
عَظُمَتْ ذُنُوبِي فَأَنْتَ أَعْظَمُ وَإِنْ كَبُرَ تَفْرِيطِي فَأَنْتَ
أَكْبَرُ وَإِنْ دَامَ بُخْلِي فَأَنْتَ أَجْوَدُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
عَظِيمَ ذُنُوبِي بِعَظِيمِ عَفْوِكَ وَكَثِيرَ تَفْرِيطِي بِظَاهِرِ
كَرَمِكَ وَاقْمَعْ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ اللَّهُمَّ مَا
بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ

تعقيب نماز عصر

إِلَيْكَ **فصل سيم** در تعقيب نماز عصر پس چون نماز عصر کاالا کردی
بسوی تو
تسبیح زهرا عم بجا آور و تعقیب کن بانچه مذکور شد در فصل
اول
تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَبَسَطْتَ يَدَكَ
تمام است نور تو پس هدایت کردی پس تراست حمد و گشادی دست خود را
و بگوی
فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَجْهُكَ أَكْرَمُ الْوُجُوهِ وَجَاهُكَ
پس عطا کردی پس تراست حمد ذات تو کریم‌ترین ذاتهاست و قدر تو
خَيْرُ الْجَاهِ وَعَطِيَّتُكَ أَعْظَمُ الْعَطَايَا لَا يُجْزِي
بهترین قدرهاست و عطای تو بزرگترین عطاهاست تلافی نمیکند
بِآلَائِكَ أَحَدٌ وَلَا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قَائِلٍ پس
نعمتهای ترا کسی و نمیرسد بمدح و ثنای تو گفتار گوینده
بگوی
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ
خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از نفسی که سیر نشود و از دلی
لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ وَ
که فروتنی نکند و از علمی که نفع نرساند و از نمازی که بالا برده نشود و
مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ
از دعائی که شنیده نشود خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا آسانی بعد از
[illegible] بعد از

العسر

الْعُسْرِ وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشِّدَّةِ اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ
دشواری و فراخی بعد از سختی خداوندا آنچه با ماست از
نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا
هر نعمتی پس از جانب تست تنهائی تو نیست انبازی مر ترا نیست خدائی بجز
أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ و از حضرت
تو آمرزش میطلبم از تو و توبه میکنم بسوی تو
پیغمبر صلی الله علیه
و آله مرویست که هر که استغفار کند هر روز بعد از عصر یکمرتبه
باین استغفار امر کند حق تعالی دو ملک را بسوزانیدن نامهٔ
گناهان او هر أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ
قدری که باشد طلب آمرزش میکنم از حق تعالی آنخدائی که نیست معبودی بجز او
الْحَيَّ الْقَيُّومَ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ ذَا الْجَلَالِ وَ
زنده قائم بذات بخشاینده مهربان صاحب بزرگواری و
الْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ
کرامت و سؤال میکنم او را اینکه قبول کند توبه مرا توبه بندهٔ
ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ
خوار فروتنی کننده محتاج بدحال بسیار محتاج بیچاره پناه طلب

وهچنین در عقب صبح بخوان صد مرتبه پس هر کس چنین کند رفع کند
حق تعالی از و صد نوع از انواع بلا را که ادنای آن پیس و خوره و
و شر شیطان و شر سلطان جابر و مرویست از حضرت صادق عم
که هر کس بسمله و حوقله بگوید در پس هر نماز صبح و مغرب هفت مرتبه دفع
کند حق تعالی از و هفتاد نوع از انواع بلا را که آسانترین آنها باد
باشد و پیس و دیوانگی و می نویسند او را در دیوان شهدا اگر چه
شقی باشد سُبْحَانَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي
پس بگو پاکی تراست نیست معبودی بجز تو بیامرز مر گناهان مرا
كُلَّهَا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ
همه آنها را تمامی پس بدرستیکه نمی‌آمرزد همه گناهان را تمامی مگر تو
پس بگو مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ أَسْتَغْفِرُ اللهَ
ده مرتبه آنچه خواهد خدا هست قوتی نیست مگر بخدا آمرزش میخواهم از خدا
پس بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا واجب‌کننده‌های رحمت ترا
وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ
و لازم آورنده‌های آمرزش ترا و غنیمت بردن از هر نیکی و سلامتی از

من کل

مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ
از هر گناهی و نجات یافتن از آتش جهنم و از هر بلائی و
الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالرِّضْوَانَ فِي دَارِ السَّلَامِ وَجِوَارِ
ظفر یافتن بهشت را و خوشنودی ترا در خانهٔ سلامتی و همسایگی
نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ
پیغمبر تو محمد بر او و آل او باد درود خداوندا آنچه با ماست از هر نعمتی
فَمِنْكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ **فصل چهارم**
پس از جانب تست آمرزش میخواهم از تو و توبه میکنم بسوی تو
در تعقیب نماز عشا
تعقیب نماز عشا
چون سلام نماز گفتی پس تسبیح زهرا علیها السلام بجا آور و بگو آنچه
در فصل اول گذشت پس بخوان سورهٔ قدر را هفت مرتبه تا در امان
و حفظ حق تعالی باشی تا آنکه داخل صبح شوی چنانچه روایت شده است
از حضرت باقر عم اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى
پس بگوی
خداوندا بحق محمد و آل محمد رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُؤْمِنَّا مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنَا
محمد و آل محمد و ایمن مساز ما را از مکر خود و فراموش مکن ما را از
ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَلَا تَحْرِمْنَا
یاد آوری تو ما را و بر مدار از ما پردهٔ خود را و محروم مساز ما را

لا یملک لنفسه نفعاً و لا ضرّاً و لا موتاً و لا حیوة
که مالک نیست برای خود نفعی و نه ضرری و نه مردن و نه زنده کردن

و لا نشوراً و از حضرت صادق ع مرویست که هر که استغفار
کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه بیامرزد حق تعالی
برای او هفتصد گناه را و از حضرت جواد یعنی امام محمد تقی
علیه السلم مرویست که آنحضرت فرمود که هر کس بخواند سوره قدر را
ده مرتبه بعد از نماز عصر امر کرده شود برای او برمثل اعمال خلایق در
این روز پس سجده شکر بجا آور و بخوان در آنها آنچه را بعد از این در
فصل دهم خواهد آمد ان شاء الله تعالی و همچنین این دو سجده را بجا
می آوری در عقب هر فریضه **فصل چهارم** در تعقیب نماز مغرب

تعقیب نماز مغرب

چون فرو رود قرص آفتاب یعنی وقت شام متحقق شود پس اذان بگو برای
نماز مغرب پس بگو یعنی در میان اذان و اقامت نماز مغرب این دعا بخوان
اللهم انی اسئلک باقبال لیلک و ادبار نهارک
خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق رو آوردن شب تو و پشت کردن روز تو
و حضور صلواتک و اصوات دعاتک و تسبیح
و حاضر شدن نمازهای تو و آوازهای دعیان تو و تسبیح

ملائکتک

ملائکتک ان تصلی علی محمد و ال محمد و ان تتوب
ملائکه تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه قبول کنی
علی انک انت التواب الرحیم پس نماز مغرب را بجا آور
توبه مرا بدرستیکه تو توبه پذیری توبه و مهربانی
پس چون سلام گفتی تسبیح
زهرا علیها السلم بجا آور و تعقیب بخوان با آنچه پیش از این در فصل اول
گذشت ان الله و ملئکته یصلون علی النبی یا ایها
پس بگو بدرستی که خداوند و ملائکه او صلوات میفرستند بر پیغمبر ای آن
الذین امنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما اللهم
آنکسانی که ایمان آورده اید صلوات فرستید بر او تسلیم کنید انقیاد کردنی خداوندا
صل علی النبی محمد و ال محمد و علی ذریته و علی اهل بیته
رحمت فرست بر پیغمبر که محمد است و آل محمد و بر ذریت او و بر اهل بیت او

و مرویست از ابی الحسن یعنی از حضرت امام موسی کاظم ع که چون نماز
مغرب بجا آوری پس باز مکن پای خود را و سخن مگو با کسی تا آنکه
بسمله و حوقله بجا آوری صد مرتبه یعنی بگوئی بسم الله الرحمن
الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
مهربان نیست قوتی و نه قدرتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگوار

فضلک و لا تحل علینا غضبک و لا تباعدنا من
از فضل خود و فرود میاور بر ما غضب خود را و دور مکن ما را از پناه
جوارک و لا تنقصنا من رحمتک و لا تنزع منا
همسایگی خود و کم مساز از ما رحمت خود را و فرا مگیر از ما
برکاتک و لا تمنعنا عافیتک و اصلح لنا ما
برکتهای خود را و منع مکن از ما عافیت خود را و باصلاح آور برای ما آنچه را
اعطیتنا و زدنا من فضلک المبارک الطیب
عطا فرموده ای و زیاد کن ما را از فضل با برکت خوش
الحسن الجمیل و لا تغیر ما بنا من نعمتک و لا
نیکوی خوب خود و تغییر مده آنچه را با ماست از نعمت خود و نومید
تؤیسنا من روحک و لا تهنا بعد کرامتک و
مگردان ما را از رحمت خود و خوار مساز ما را بعد از گرامی داشتن خود و
لا تضلنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک
گمراه مساز ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از جانب خود
رحمة انک انت الوهاب اللهم اجعل قلوبنا
رحمتی بدرستیکه تویی تو بسیار بخشنده خداوندا بگردان دلهای ما را

سالمة

سالمة و ارواحنا طیبة و ازواجنا مطهرة
سالم و روحهای ما را پاکیزه و زنان ما را پاکیزه
و السنتنا صادقة و ایماننا دائما و تجارتنا
و زبانهای ما را راست گو و ایمان ما را دائم و تجارت ما را
لن تبور ربنا اتنا فی الدنیا حسنة و فی الاخرة
که زوال نیابد ای پروردگار ما بده ما را در دنیا حسنه و در آخرت
حسنة و قنا عذاب النار پس میخوانی فاتحه را و سوره
حسنه و نگاهدار ما را از عذاب آتش اخلاص و معوذتین یعنی
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را هر یک ده مرتبه
پس بگو اللهم افتح لنا ابواب رحمتک و اسبغ
خداوندا بگشای برای ما درهای رحمت خود را و فراخ کن
علی من حلال رزقک و متعنی بالعافیة ما
بر من از روزی حلال خود و بهره مند ساز مرا بعافیت مادام که
ابقیتنی فی سمعی و بصری و جمیع جوارح بدنی
باقی داری مرا در گوش و چشم و همه اعضای بدن من
اللهم ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت
خداوندا آنچه با ماست از نعمت پس از جانب تست نیست خدایی مگر تو

ادعیه وقت خواب

استغفرك ربي واتوب اليك يا ارحم الراحمين

آمرزش میخواهم از تو ای پروردگار من و توبه میکنم از گناهان بسوی تو ای ارحم الراحمین

فصل ششم در آنچه در وقت خواب بیدار میخوانند چون

جای گیرد در رخت خواب خود پس باید بخواند این عوذه را تا

امنیت او را حاصل شود از هر مکر. اعوذ بعزة الله و

کننده و دزدی چنانکه مرویست از حضرت صادق ع پناه میبرم بعزت حق تعالی و

اعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ

پناه میبرم بقدرت حق تعالی و پناه میبرم ببزرگواری حق تعالی و پناه میبرم

بسلطان الله واعوذ بجمال الله واعوذ بدفع

بسلطنت حق تعالی و پناه میبرم بنیکوئی حق تعالی و پناه میبرم بدفع کردن

الله واعوذ بمنع الله واعوذ بجمع الله واعوذ

حق تعالی و پناه میبرم بمنع کردن حق تعالی و پناه میبرم بجمع کردن حق تعالی و پناه میبرم

بملك الله واعوذ بوجه الله واعوذ برسول

بپادشاهی حق تعالی و پناه میبرم بذات حق تعالی و پناه میبرم برسول

الله من شر ما خلق وذرأ وبرأ ومن شر السامة

حق تعالی از شر آنچه آفریده و بوجود آورده و خلق کرده است و از شر حیوانات زهردار

والطامة

والطامة ومن شر فسقة الجن والانس ومن شر فسقة

و جانوران زمین و از شر نابکاران جن و آدمیان و از شر نابکاران

العرب والعجم ومن شر كل دابة ربي آخذ بناصيتها

عرب و عجم و از شر هر جنبنده که پروردگار من فراگیرنده است موی پیشانی او را

في الليل والنهار ان ربي على صراط مستقيم

در شب و روز بدرستیکه پروردگار من بر راهی راست است

پس چون خواهد بخوابد باید دست راست را زیر سر نهد و بگوید این کلمات را بسم الله وبالله و

بنام خدا و بیاری حق تعالی و

في سبيل الله وعلى ملة رسول الله اللهم اني

در راه حق تعالی و بر ملت رسول خدا خداوندا بدرستیکه من

اسلمت نفسي اليك ووجهت وجهي اليك وفوضت

تسلیم کردم نفس خود را بسوی تو و گردانیدم روی خود را بسوی تو و واگذاشتم

امري اليك والجأت ظهري اليك وتوكلت

کار خود را بسوی تو و پناه دادم پشت خود را بتو و توکل کردم

عليك رهبة منك ورغبة اليك لا ملجأ

بر تو در حالتی که بیم دارم از تو و رغبت دارم بسوی تو نیست پناهی

ولا منجا منك الا اليك امنت بكل كتاب انزلته

و نه گریزگاهی از تو مگر بسوی تو ایمان آوردم بهر کتابی که فرو فرستاده آنرا

وبكل رسول ارسلته پس تسبیح زهرا علیها السلم بجا آورد و

و بهر پیغمبری که فرستاده آن را میخواند توحید و معوذتین را

سه مرتبه و آیه سخره را و آیه شهد الله را و بخواند سوره قدر را

یازده مرتبه و گفته است مصنف ره که اما تسبیح زهرا علیها السلم

پس از این جهت که مرویست از حضرت صادق ع که هر که بگوید

تسبیح زهرا ع یعنی در شب آن تسبیح را وقت خواب بجا آورد از

جمله یاد کنندگان حق تعالی باشد که در آیه کریمه واقع شده است

والذاكرين الله كثيرا والذاكرات نقل کرده است تعدید را

تسبیح طوسی در جامع خود ره اما قرائت سوره توحید و معوذتین پس

از جهت است که مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که

بخواند این سوره ها را نزد خواب خود سه مرتبه مانند کسی است که

که کل قرآن را قرائت کرده باشد و مراد است بهر آیه از قرآن

ثواب پیغمبری از پیغمبران و بیرون رود از گناهان خود مانند

روزی که از مادر متولد شده است و اگر بمیرد در روز آن شب یا در

آنشب

آنشب شهید مرده باشد و اما قرائت آیه سخره یعنی ان ربكم الله الذي خلق

بدرستیکه پروردگار شما خدائیست که خلق کرد

السموات والارض في ستة ايام ثم استوى

آسمانها و زمین را در شش روز پس مستولی شد

على العرش يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر

بعرش می پوشاند شب را بروز که طلب میکند او را شتابان و خلق کرد ماه

والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارك

و ستارگان را که مسخر و رام شده اند بامر او آگاه باشید که خدا راست خلق و امر بزرگست

الله رب العالمين ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه

خدائی که پروردگار عالمیان است بخوانید پروردگار خود را بزاری و پنهانی بدرستیکه او

لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها

دوست نمیدارد تجاوزکنندگان را از حد و فساد مکنید در زمین بعد از اصلاح نمودن آن

وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب من المحسنين

و بخوانید او را از روی ترس و طمع بدرستیکه رحمت خدا نزدیک است از نیکوکاران

پس از جهت که مرویست از امیر المؤمنین ع که هر که بخواند این آیه را

نزد خواب خود محافظت کنند او را ملائکه و دور شوند از و

والشمس

شیاطین و اما شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ وَ
قراءة آیه شهد ربی بمعنی گواهی دهد حق تعالی که نیست خدایی مگر او و گواهی دهند
الْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَائِماً بِالْقِسْطِ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ
فرشتگان و صاحبان علم در حالتی که بپا دارنده است عدل را نیست خدایی جز او
الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ اِنَّ الدِّینَ عِنْدَ اللهِ الْاِسْلامُ وَما
که غلبه کننده و دانا است بدرستیکه طاعت نزد حق تعالی اسلام است و
اخْتَلَفَ الَّذِینَ اُوتُوا الْکِتابَ اِلّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ
اختلاف نکردند آنانکه داده شده بایشان کتاب مگر پس از آنکه آمد ایشان را
الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ وَمَنْ یَکْفُرْ بِآیاتِ اللهِ فَاِنَّ اللهَ سَرِیعُ
علم از راه حسد میان خود و کسی که کافر شود بآیتهای حق تعالی پس بدرستیکه خدا زود
الْحِسابِ پس از جهة که ذکر کرده است شیخ طبرسی در مجمع البیان چو که
شماره است
هر کس بخواند این آیه را نزد خواب خود خلق کند حق تعالی از آن هفتاد
هزار ملک را که استغفار کنند برای او تا روز قیامت و اما قراءة
سوره قدر پس از جهت که مرویست از حضرت باقر ع که هر کس بخواند
آنرا یازده مرتبه در وقتی که میخواهد خلق کند حق تعالی برای او نوری
که وسعت او چون وسعت هوا باشد در عرض و در طول کشیده باشد

از قعر

از قعر هوا تا حجابهای نور در بالای عرش در هر درجه از آن نور هزار
ملک هست که هر ملکی را هزار زبان باشد و هر زبانی را هزار لغت و بآن زبان
استغفار کنند برای قاری این سوره تا نصف شب میگذرد و بعد از آن
وضع میکند حق تع آن نور را در جسد قاری این سوره تا روز قیامت
و در کتاب طریق النجاة مرویست از حضرت باقر ع انکه هر کس
بخواند سوره قدر را وقتیکه قرار گیرد بفراش خود یازده مرتبه
خلق کند حق تعالی از آن ملک را که کفا و بزرگتر از هفت آسمان
و هفت زمین است و در موضع هر ذره از جسد آن ملک زبانی باشد
که بنطق در می آید هر موی بقوت جن و انس و استغفار میکند برای
قاری این سوره تا روز قیامت و نقل کرده است ابن فهد در
کتاب عدة الداعی خود از امیر المؤمنین ع که چون اراده کند
یکی از شما خواب را پس بگذارد دست راست خود را بر روی راست و بگوید
بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِی لِلّٰهِ عَلی مِلَّةِ اِبْراهِیمَ عَلَیْهِ
بنام خدا گذاشتم پهلوی خود را برای خدا بر ملت ابراهیم بر باد
السَّلامُ وَدِینِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَوِلایَةِ
درود و دین محمد که رحمت فرستد حق تعالی باو و آل او و بر دوستی

مَنِ افْتَرَضَ اللهُ عَلی طاعَتَهُمْ ما شاءَ اللهُ کانَ
کسی که فرض کرده است حق تعالی بر من فرمانبرداری ایشان را آنچه خواهد حق تعالی میشود
وَما لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ پس هر کس بگوید این را حفظ کند حق تعالی
و آنچه نخواهد نمیشود
اورا از دزدان و تغییر دهنده و از
انباشتن خانه و استغفار میکنند برای او ملائکه تا داخل صبح شود
خاتمه و درین فایدههای بزرگ مذکور میشود اول انکه هر کس
خواهد که اورا از فاقه و بد حالی امنیت حاصل شود پس باید بخواند
پیش از خواب سوره واقعه را دویم انکه هر که خواهد محفوظ شود
از انباشتن خانه پس باید بخواند پیش از یا مَنْ یُمْسِکُ
خواب خود این دعا را که ذکر کرده است شیخ شهید در نفلیه
ای آنکه نگاه میدارد
السَّمٰواتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولا وَلَئِنْ زالَتا اِنْ
آسمانها و زمین را از آنکه برطرف شوند و هر آینه اگر زایل شوند نگاه
اَمْسَکَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً
نمیدارد آنها را کسی بعد از آن بدرستیکه اوست بردبار و آمرزگار
صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَمْسِکْ عَنَّا السُّوءَ اِنَّکَ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و نگاهدار از ما بدی را بدرستیکه تو

علی

عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ سیم انکه هر کس خواهد محفوظ باشد از
بر هر چیزی توانایی فتنه قبر پس باید بخواند سوره تکاثر را در
وقت خواب خود چهارم انکه هر کس فزع کند در شب یعنی بترسد
پس چون قرار گیرد بفراش خود بخواند معوذتین و آیة الکرسی را
پنجم انکه هر کس بترسد از دزدان پس باید بخواند در نزد خواب خود
قُلِ ادْعُوا اللهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَیّاً ما تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْماءُ
بگو ای محمد بخوانید خدا را یا بخوانید بسیار بخشنده را هر کدام را بخوانید پس مر او راست نامهای
الْحُسْنی وَلا تَجْهَرْ بِصَلاتِکَ وَلا تُخافِتْ بِها وَابْتَغِ بَیْنَ
نیکو و بلند مکن نماز خود را و آهسته مکن آن را و طلب کن میان
ذٰلِکَ سَبِیلاً وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ
این و آن راهی و بگو سپاس مر خدایی است که فرا نگرفته است فرزندی و
لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ
نیست مر او را شریکی در پادشاهی و نبوده است مر او را دوستی از
الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً ششم انکه هر کس بترسد از بیخوابی بگوید
خواری و تعظیم کن او را تعظیم کردنی
سُبْحانَ اللهِ ذِی الشَّأْنِ
پاکست پاکیزه خداوند صاحب قدر
در وقت خواب خود

ذا النعمِ السلطانِ عظیم البرهانِ پس بگو یا مُشبعَ
دائم پادشاهی بزرگ حجت ای سیر کننده شکمهای
البطونِ الجائعةِ ویا کاسیَ الجنوبِ العاریةِ و یا
شکمهای گرسنه و ای پوشاننده پهلوهای برهنه و ای
مسکّنَ العروقِ الضاربةِ ویا منوّمَ العیونِ الساهرةِ
ساکن کننده رگهای حرکت کننده و ای خواب آورنده دیدهای بیدار
سکّن عروقی الضاربةَ واذن لعینی نوماً عاجلاً
ساکن کن رگهای حرکت کننده مرا و اذن ده مر دیده مرا خواب زود
هفتم آنکه هر کس بترسد از احتلام پس باید بگوید در وقت خواب خود اللهم انی اعوذ بک
خداوندا بدرستیکه پناه میبرم بتو
من شرّ الاحلام وسوء الاحتلام ومن ان یتلاعب
از شر خوابها و بدی احتلام و از آنکه بازی کند
بی الشیطان فی الیقظة والمنام هشتم آنکه هر کس خواهد
با من شیطان در خواب و بیداری
بیدار شود برای نماز شب
وخوف آن داشته باشد که خوابش برد و بیدار نشود پس باید بخواند در
وقت خوابیدن خود این آیه را قل انما انا بشر مثلکم یوحی الیّ
بگو جز این نیست که منم بشری مانند شما وحی کرده میشود بسوی من

انما

انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل
جز این نیست که خدای شما معبودی یگانه است پس هر کسی که داشته باشد امید ملاقات پروردگار خود را پس باید بکند
عملاً صالحاً ولا یشرک بعبادة ربه احداً و مرویست
عملی شایسته و شریک نگرداند در عبادت پروردگار خود کسی را
از حضرت صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که نمیخواند این آیه را نزد خواب
خود احدی مگر آنکه بیدار میشود در ساعتی که میخواهد و هر کس که بخواند
آنرا ساطع میشود برای او نوری تا مسجد الحرام که در میان آن نور
ملائکه میباشند که استغفار میکنند برای او تا صبح کند چنانکه نقل
کرده است ابن بابویه در من لا یحضره الفقیه فصل نهم در آداب
نماز شب روایتست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که نیست بنده
که قیام کند در شب پس دو رکعت نماز کند و دعا کند در سجود برای
چهل نفر از برادران مؤمن خود که اسم خودها و پدرهای ایشانرا بگوید
مگر آنکه مستجاب میشود برای او و سؤال میکند حق تعالی اکرم عطا
میکند او را و در کتاب علل از حضرت صادق ع مرویست که
نماز شب سفید میکند روها را و نیکو میگرداند بوی را و باعث
جلب رزق است و زیان یافته کسی است که محروم شود از قیام لیل

و مرویست از آنحضرت ع در قول حق تعالی ان الحسنات یذهبن
السیئات که حاصل ظاهرش اینست که بدرستیکه نیکیها بر
طرف میسازند بدیها را حضرت فرمود یعنی نماز شب مؤمن برطرف
میکند گناهی را که میکند در روز از گناه و حضرت فرمود علیه السلام میخواند
عقب نماز شب لا اله الا الله وحده لا شریک له له
ابتدا را
نیست معبودی بحق مگر خدا یگانه است نیست شریکی مر او را مر او راست
الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو
پادشاهی و او راست حمد زنده میکند و میمیراند و میمیراند و زنده میکند و او
حیّ لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
زنده است که نمیمیرد در دست اوست خیر و او بر هر چیزی توانا است
اللهم لک الحمد یا رب انت نور السموات والارض
خداوندا از برای تست حمد ای پروردگار تویی روشنی آسمانها و زمین
فلک الحمد وانت قوام السموات والارض فلک
پس تراست حمد و تویی برپا دارنده آسمانها و زمین پس تراست
الحمد وانت جمال السموات والارض فلک الحمد
حمد و تویی جمال دهنده آسمانها و زمین پس تراست حمد

وانت

وانت ربّ السموات والارض فلک الحمد وانت صریخ
و تویی پروردگار آسمانها و زمین پس تراست حمد و تویی فریادرس
المستصرخین فلک الحمد وانت غیاث المستغیثین
فریادرس خواهان پس تراست حمد و تویی پناه پناه طلبان
فلک الحمد وانت مجیب دعوة المضطرین فلک الحمد
پس تراست حمد و تویی اجابت کننده دعای بیچارگان پس تراست حمد
وانت ارحم الراحمین فلک الحمد اللهم بک تنزل
و تویی رحم کننده ترین رحم کنندگان پس تراست حمد خداوندا بتو فرود می آید
کل حاجة فلک الحمد وبک انزلت یا رب حوائجی
هر حاجتی پس تراست حمد و بتو ای پروردگار فرود آوردم حاجتهای خود را
اللیلة فاقضها لی یا قاضی الحاجات اللهم انت الحق و
در شب پس برآور آنها را برای من ای روا کننده حاجتها خداوندا تویی حق و
قولک الحق ووعدک الحق وانت الملک الحق
قول تو حق است و وعده ای تو حق است و تویی پادشاه حق
اشهد ان لقاءک حق والساعة آتیة لا ریب فیها
گواهی میدهم آنکه ملاقات تو حق است و آنکه روز قیامت آینده است شکی در آن

وانك تبعث من في القبور اللهم لك اسلمت وبك

و اینکه تو برانگیزنده ای هر که در قبر است بار خدایا برای تو انقیاد کردم و بتو

امنت وعليك توكلت وبك خاصمت واليك

ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و بتو مخاصمه کردم و بسوی تو

حاكمت فاغفر لي ما قدمت واخرت واسررت و

محاکمه کردم پس بیامرز برای من آنچه را که کرده ام و خواهم کرد و پنهان کرده ام و

اعلنت انت الحي الذي لا اله الا انت وحضرت امير المؤمنين

آشکار کرده ام توئی زنده که نیست معبودی بجز تو

عليه السلام اينه دعا

ازنماز شب بعد از اللهم اني اسئلك بحرمة من

و لغت شنیدم میخواند خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحرمت کسیکه

عاذ بك ولجأ الى عزك واستظل بفيئك واعتصم

پناه آورده بتو و التجا آورده بسوی عزت تو و در آمده بزیر سایه تو و دست زده

بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق

بریسمان تو و اعتماد نداشته مگر بتو ای بزرگ عطاها ای رها کننده

الاسارى يا من سمى نفسه من جوده وهابا

اسیران ای کسی که نامیده است خود را از جود خویش بسیار بخشنده

ادعوك

ادعوك رغبا ورهبا وخوفا وطمعا والحاحا

میخوانم ترا از روی رغبت و ترسناکی و بیم دارنده و طمع کننده و الحاح کننده

والحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا

و الحاف کننده و فروتنی و تملق کننده در حال ایستادن و نشستن و در حال رکوع

وساجدا وماشيا وراكبا وذاهبا وجائيا وفي

و در حال سجود و راه رونده و سواره و رونده و آینده و در

كل حالاتي اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد و

همه حالهای خود سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و

ان تفعل بي كذا وكذا وبجاى ان تفعل بي كذا وكذا احوائج

اینکه بکنی با من چنین چنین خودرا ذکر کن بعربی و اگر ندانی بهر

لغت که دانی پس دعاکن بآنچه خواهی و بآنچه خاطرت متعلق

باشد و سجده شکر بجا آور و از جمله ادعیه شب دعائیست که نقل کرده

شیخ طوسی و ابن باقی الهي تعرض لك في هذا الليل

در کتابهای خود و آن اینست ای خداوندا متعرض شدند برای تو در این شب

المتعرضون وقصدك فيه القاصدون وامل

آمرزش طلبان و قصد کرده اند ترا در آن قصد کنندگان و امید دارند

ما لديك الراغبون ولك في هذه الليلة نفحات

آنچه را از نزد تست رغبت کنندگان و ترا در این شب عطاهاست

وجوائز وعطايا ومواهب تمن بها على من تشاء

و صله ها و بخششها و موهبتها که منت میگذاری بآنها بر هر که خواهی

من عبادك وتمنعها من لم تسبق له العناية

از بندگان خود و باز میگیری آنها را از هر که پیشی نگرفته برای او عنایت

منك وها انا ذا عبدك الفقير اليك المؤمل

از جانب تو و اینک منم بنده ات محتاج بسوی تو آرزو مند امیدوار

فضلك ومعروفك فان كنت يا مولاي تفضلت

فضل و احسان تو پس اگر بوده باشی ای مولای من چنین که تفضل کرده باشی

في هذه الليلة على احد من خلقك وعدت

در این شب بر احدی از خلق خود و احسان نموده باشی

عليه بعائدة من عطفك فصل على محمد وال محمد

بر او بصله از شفقت خود پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد

الطيبين الطاهرين الخيرين الفاضلين وجد على

که پاکیزگان پاکان نیکوکاران فاضلانند و احسان کن بر من

بطولك

بطولك ومعروفك يا رب العالمين وصلى الله على

بفضل خود و احسان خود ای پروردگار عالمیان و رحمت فرستد خدا بر

محمد خاتم النبيين واله الطاهرين الذين اذهب

محمد که آخر پیغمبران است و آل او که پاکیزگانند آنانکه برده است

الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا وصحبه المنتجبين

حق تعالی از ایشان پلیدی را و پاکیزه ساخته ایشان را پاکیزه کردنی و بر اصحاب برگزیدگان او

وسلم تسليما كثيرا انك حميد مجيد اللهم اني

و درود فرستد درود فرستادنی بسیاری بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا بدرستیکه من

ادعوك كما امرت فاستجب لي كما وعدت انك لا تخلف

میخوانم ترا چنانکه امر فرموده ای پس مستجاب کن برای من چنانکه وعده فرموده ای بدرستیکه تو خلف نمیکنی

الميعاد تتمه چون بیدار شوی از خوابهای خوش که دیده

وعده را

باشی پس سجده کن در عقب آن بی فاصله و شاکر حق

تعالی باش که میسر شد از برای تو صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد و تضرع

بسوی حق تعالی که شر آن خوابها را از تو کفایت کند و عاقبت آنرا بخیر و

سلامت گرداند پس تحقیق که تو اثر بدی آنرا نخواهی دید ان شاء الله

تعالی و مرویست از حضرت پیغمبر ص که خوابهای نیک از جانب حق تعالی

پس چون بیند یکی از شما در خواب آنچه محبوب او باشد باید نقل کند آنرا
مگر کسی را که دوست خود داند و چون خوابهای ناشایسته بیند باید
بگرداند از جانب چپ خود سه مرتبه و پناه برد بخدا از شر شیطان رجیم
و شر آن خواب و نقل نکند آنرا بکسی بدرستی که آن خواب ضرر نمیرساند او را
چنانکه ذکر کرده است ابن فهد در عدة الداعی **فصل ششم** در استغفار
وقت سحر مرویست از حضرت امیر المؤمنین ع که بدرستی که بنده که
گناه کند و بخاطر آورد آنرا بعد از مدتی پس اگر استغفار کند و از
حق تعالی طلب آمرزش کند از آن گناه حق تعالی بیامرزد او را پس این آیه را
خواند ومن یعمل سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله
یجد الله غفورا رحیما که حاصلش اینست که هر که بکند بدی را
یا ظلم کند نفس خود را پس طلب آمرزش کند از حق تعالی بیابد حق تعالی را آمرزنده
و مهربان پس آنحضرت فرمود که نیست بنده که گناهی کند مگر آنکه حق تعالی
مهلت میدهد او را هفت ساعت پس اگر توبه کرد نمی نویسند بر او
آن گناه را و مرویست از آن حضرت که خوشحال بنده که استغفار
کند و طلب آمرزش نماید از حق تعالی در گناهی که مطلع نشده بر آن غیر خود کسی
و جز این نیست که استغفار بعد از گناه مانند آبیست که ریخته شود بر آتش

استغفار سحر

پس خاموش سازد آنرا و مرویست از آنحضرت ع که آنحضرت بالای منبر رفتند
بر منبر که برای طلب باران دعا کنند پس نشنیدند از آنحضرت غیر از استغفار
پس سؤال کردند او را در این باب فرمود که آیا نشنیده اید قول حق تعالی را
که فرموده استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء
علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل
لکم جنات و یجعل لکم انهارا و حاصل ترجمه ظاهرش اینست
که طلب آمرزش از پروردگار خود کنید بدرستی که او بسیار آمرزنده است
ارسال میکند آسمان را یعنی ابر را بر شما بارنده و مدد میکند
شما را بمالها و فرزندان و مهیا میسازد برای شما نهرها و آنحضرت
علیه السلام فرمود که کدام دعا بهتر از استغفار است و بزرگتر از آن عظیمتر است
در دنیا و آخرت و مرویست از آنحضرت ع که افضل اوقات استغفار
وقت سحر است و جز این نیست که گفت یعقوب پیغمبر ع بپسران خود را
که استغفار خواهم کرد برای شما از پروردگار خود در وقتی که ایشان
گفتند ای پدر ما استغفار کن برای ما از گناهان ما بدرستی که ما خطا
کار بودیم یعنی آنساعت وقت استغفار نکرد و گفت خواهم کرد برای
آن بود که انتظار وقت سحر میکشید که در آن وقت استغفار کند

چنانچه حق تعالی فرموده والمستغفرین بالاسحار و قال و
بالاسحار هم یستغفرون و از آنحضرت ع مرویست
که کاملترین استغفارها هفتاد مرتبه است و مرویست که صد مرتبه است
میگوید استغفر الله و استغفر الله الذی لا
آمرزش میخواهم از خدا و خدای که نیست
اتوب الیه و میگوید
اله الا هو الحی القیوم لجمیع ظلمی و جرمی و اسرافی
معبودی بحق مگر او زنده دائم قائم برای جمیع ظلم من و ستمکاری و گناهان و اسرافی که
علی نفسی و اتوب الیه پس بخوان این دعا را که مرویست
کرده ام بر نفس خود و توبه میکنم بسوی او
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
اللهم انی استغفرک لکل ذنب جری به علمک فی
خداوندا بدرستیکه من آمرزش میخواهم از تو برای هر گناهی که جاری گشته است بآن علم تو [illegible]
وعلی الی آخر عمری لجمیع ذنوبی لاولها و آخرها و
و بر من تا آخر عمر من برای تمامی گناهان خود اولشان و آخرشان و
عمدها و خطاها و قلیلها و کثیرها و دقیقها
عمد واقع شده [illegible] و اندک [illegible] و بسیار [illegible] و خورد [illegible]
و جلیلها و قدیمها و حدیثها و سرها و علانیتها
بزرگشان و کهنه شان و تازه شان و پنهانشان و آشکارشان

وجمیع

وجمیع ما اذنبته و اتوب الیک و اسئلک ان تصلی
و هر گناهی که کرده ام آنرا و باز گشت میکنم بسوی تو و سؤال میکنم ترا که رحمت فرستی
علی محمد و آل محمد و ان تغفر لی جمیع ما احصیت من
بر محمد و آل محمد و آنکه بیامرزی برای من تمام آنچه را احصا کرده تو از
مظالم عبادک قبلی فان لعبادک علی حقوقا و انی
حقوق بندگانت [illegible] بدرستیکه مر بندگان ترا بر من حقوقیست و من
مرتهن بها اغفرها لی کیف شئت و انی شئت یا ارحم
در گرو حقوق ایشانم [illegible]
الراحمین پس بخوان این دعا را که اللهم ان ذنوبی
آنحضرت میخواندند ایضا
ان کانت فظیعة فانی ما اردت بها قطیعة و لا
[illegible]
اقول لک العتبی لا اعود و لما اعلمه من ضعفی و قد
[illegible]
جئت اطلب عفوک و وسیلتی الیک کرمک و فضلک
آمده ام و طلب میکنم عفو ترا [illegible]

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَکْرِمْنی بِمَغْفِرَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
بر محمد و آل محمد و عزیز کن مرا به آمرزش خود ای رحیم‌ترین رحم کنندگان

پس بگوید اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ سیصد مرتبه پس بگوید این استغفار را
که حضرت امام زین العابدین اَللّهُمَّ اِنَّ اِسْتِغْفاری
علیه السلام می‌خواند خداوندا بدرستیکه طلب آمرزش من
اِیّاکَ وَ اَنَا مُصِرٌّ عَلی ما نَهَیْتَ قِلَّةُ حَیاءٍ وَ تَرْکُ
از تو در حالیکه من مصرم بر آنچه نهی کرده از آن کم شرمی است و ترک
اَلْاِسْتِغْفارِ مَعَ عِلْمی بِسَعَةِ رَحْمَتِکَ تَضْییعٌ لِحَقِّ
استغفار را با وجود علم من بفراخی رحمت تو باعث ضایع شدن حق
الرَّجاءِ اَللّهُمَّ اِنَّ ذُنُوبی تُؤْیِسُنی اَنْ اَرْجُوَکَ وَ
امید است خداوندا بدرستیکه گناهان من نومید میکنند مرا از امید داشتن بتو و
عِلْمی بِسَعَةِ رَحْمَتِکَ یُؤْمِنُنی اَنْ اَخْشاکَ فَصَلِّ عَلی
و علم من بفراخی رحمت تو ایمن میکند مرا از ترسیدن از تو پس رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَقِّقْ رَجائی لَکَ وَ کَذِّبْ خَوْفی
محمد و آل محمد و ثابت گردان امید مرا بتو و دروغ ساز ترس مرا
مِنْکَ وَ کُنْ عِنْدَ اَحْسَنِ ظَنّی بِکَ یا اَکْرَمَ الْاَکْرَمینَ
از خودت و باش نزد نیکوترین گمان من بتو ای کریم‌ترین کریمان

و در دس

عنه
از آن

و مرویست از حضرت صادق ع که هر که بگوید در هر روز چهار صد مرتبه
در دو ماه یا دو بار این استغفار را روزی کند حق تعالی او را گنج علم یا گنج مال
اَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ بَدیعُ
طلب آمرزش میکنم از خداوندی که نیست خدایی بجز او زنده پاینده بوجود آورنده
السَّمواتِ وَ الْاَرْضِ ذُو الْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ مِنْ جَمیعِ ظُلْمی وَ
آسمانها و زمین صاحب بزرگواری و بر از همه گناهان و
جُرْمی وَ اِسْرافی عَلی نَفْسی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ و مرویست از حضرت
ستم کردن و اسراف کردن بر نفس خود و توبه میکنم بسوی او
پیغمبر صلعم که بدرستیکه
حق تعالی می‌آمرزد برای صاحب این استغفار جمیع گناهان او را اگرچه
بقدر ریگ آسمانها [illegible] و زمینها [illegible] و سنگینی کوهها
و بعدد قطرات باران و آنچه در بیابان و دریا است باشد و نوشته
میشود برای او بهمین عدد حسنات و بگوید آن را تا اینکه در روزی یا
شبی که بمیرد مگر آنکه داخل بهشت میشود و هر که بگوید [illegible] و
اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَغْفِرُکَ لِما تُبْتُ اِلَیْکَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ
خداوندا بدرستیکه من طلب آمرزش میکنم از تو از آنچه توبه کردم بسوی تو از آن پس عود کردم
فیهِ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِما اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَکَ فَخالَطَنی
در آن و آمرزش میخواهم از تو برای آنچه اراده کردم بآن رضای ترا پس آمیخته شد بمن

تعقیب از صبح

فیهِ ما لَیْسَ لَکَ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِلنِّعَمِ الَّتی مَنَنْتَ بِها
در آن چیزی که از برای تو نیست و آمرزش میطلبم از تو برای نعمتها که احسان کرده بآنها
عَلَیَّ فَتَقَوَّیْتُ بِها عَلی مَعاصیکَ اَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذی
بر من پس قوت یافتم بسبب آنها بر نافرمانیهای تو طلب آمرزش میکنم از خداوندی
لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ
که نیست معبودی بجز او زنده پاینده داننده پنهان و آشکارا
الرَّحْمنُ الرَّحیمُ لِکُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَ لِکُلِّ مَعْصِیَةٍ اِرْتَکَبْتُها
بخشنده مهربان از برای هر گناهی که کرده‌ام آن را و برای هر نافرمانی که مرتکب شده‌ام آن را
اَللّهُمَّ ارْزُقْنی عَقْلاً کامِلاً وَ عَزْماً ثاقِباً وَ لُبّاً راجِحاً
خداوندا روزی کن مرا عقل تمام و عزم محکم و تمیزی فایق
وَ قَلْباً زَکِیّاً وَ عِلْماً کَثیراً وَ اَدَباً بارِعاً وَ اجْعَلْ ذلِکَ
و دل پاکیزه و علمی بسیار و طوری نیکو و بگردان اینها
کُلَّهُ لی وَ لا تَجْعَلْهُ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
همه را نفع من و مگردان آنرا بضرر من برحمت خود ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان
وَ صَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعینَ
و رحمت فرستد حق تعالی بر محمد و آل او همه

فصل هشتم در تعقیبات نماز صبح

بگوی

چون سلام نماز گفتی پس تسبیح زهرا ع بگو و بخوان الحمد را ذکر شد در فصل
پس بخوان الحمد المخصوصه بصبح و مرویست از حضرت صادق
ع که هر که خواهد دخول بهشت را از هر کدام در که خواهد وارد
باشد در صحیفه اعمال او لا اله الا الله محمد رسول الله صلعم پس باید
بگوید بعد از نماز صبح اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی اَذْهَبَ اللَّیْلَ بِقُدْرَتِهِ وَ
حمد مر خدا را که برد شب را بقدرت خود و
جاءَ بِالنَّهارِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدیداً وَ نَحْنُ فی عافِیَةٍ
آورد روز را برحمت خود در حالیکه آفریده تازه است و ما در عافیتیم
مِنْهُ بِمَنِّهِ وَ کَرَمِهِ وَ جُودِهِ مَرْحَباً بِالْحافِظَیْنِ
از او [illegible]
و ملتفت میشوی بطرف یمین میگردانی وَ حَیّاکُمَا اللّهُ مِنْ کاتِبَیْنِ
خود را بجانب راست خود و میگوئی
و ملتفت میشوی بجانب چپ اُکْتُبا رَحِمَکُمَا اللّهُ بِسْمِ اللّهِ اَشْهَدُ
چپ خود و میگوئی
اَنْ لا اِلهَ اِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً
گواهی میدهم که نیست خدایی بجز خدا یگانه است شریکی نیست او را و گواهی میدهم که محمد
عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لا رَیْبَ
بنده او و پیغمبر اوست و گواهی میدهم که روز قیامت آینده است نیست شکی

فيها وان الله يبعث من في القبور على ذلك احيا و
در آن و آنكه خدا بر مى انگيزد آنها را كه در قبرستانند بر همين زنده ام و
على ذلك اموت وعلى ذلك ابعث ان شاء الله
بر اين ميميرم و بر اين برانگيخته مى شوم اگر خواهد حق تعالى
تعالى من الآمنين اقرأ محمدا مني السلام ومرويست از
از جمله ايمنان بخوانيد محمد را از من درود
جعفى از پدرش
كه گفت وقتى عليل بودم من پس شكوه كردم بحضرت صادق ع فرمود
آيا تعليم نكنم ترا دعائى كه برا دنيا و آخرت تو نافع باشد و كفايت كند
پس از آن از اسقام خود را گفتم بلى تعليم كنيد اللهم انى اسئلك
فرمود بگو بعد از نماز صبح و نماز شام
خداوندا بدرستيكه من سوال ميكنم ترا
بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان
بحق محمد و آل محمد اينكه رحمت فرستى بر محمد و آل محمد و آنكه
تجعل النور في بصري والبصيرة في ديني واليقين
بگردانى نور را در ديده من و بينائى را در دين من و يقين را
في قلبي والاخلاص في عملي والسلامة في نفسي والعافية
در دل من و اخلاص را در عمل من و سلامتى را در نفس من و عافيت را

في بدني

في بدني والسعة في رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني
در بدن من و فراخى را در روزى من و بجا آوردن شكر را براى تو هميشه كه باقى دارى
ودر كتاب عليه مذكورست كه امير المومنين ع
آنرا در وقت صبح ميخواندند
اللهم اني
خداوندا بدرستيكه من
اعوذ بك من زوال نعمتك وتحويل عافيتك
پناه ميبرم بتو از زايل شدن نعمت تو و تغيير يافتن عافيت تو
ومن فجاءة نقمتك ومن درك الشقاء ومن شر
و از ناگاه آمدن عذاب تو و از رسيدن بدبختى و از شر
ما سبق في الكتاب اللهم اني اسئلك بعزة ملكك
آنچه گذشته است در كتاب خداوندا بدرستيكه من سوال ميكنم ترا بحق غلبه پادشاهى تو
وشدة قوتك وبعظيم سلطانك وبقدرتك على
و زيادتى قوت تو و بزرگى سلطنت تو و بحق قدرت تو بر
خلقك ان تصلي على محمد وآل محمد پس سوال بكن حاجت
خلق تو آنكه رحمت فرستى بر محمد و آل محمد
حاجت خود را كه
آورده ميشود ان شاء الله تعالى ومرويست از حضرت رضا عليه السلام كه
هركه بگويد بعد از نماز صبح اين كلام را در هر روز در نخواهد خاست با

فجاءة نقمتك

باشد
مگر ميسر گردد براى او و كفايت كند حق تعالى بسم الله وصلى الله على
آنچه باعث هم و غم او گردد
بنام خدا و رحمت فرستد خدا بر
محمد وآل محمد وافوض امري الى الله ان الله بصير
محمد و آل محمد و ميسپارم كار خود را بحق تعالى بدرستيكه حق تعالى بيناست
بالعباد فوقيه الله سيئات ما مكروا لا اله الا انت
بر بندگان پس نگاه داشت او را خدا از بديهاى آنچه مكر كردند نيست خدائى بجز تو
سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا له و
منزه ميدانم ترا بدرستيكه من گشتم از ستمكاران پس اجابت كرديم ما براى او و
نجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين حسبنا
نجات داديم او را از اندوه همچنين نجات ميدهيم مومنان را كافى است ما را
الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم
حق تعالى و نيكو كارسازيست پس برگشتند بنعمتى از جانب خدا و فضل او
يمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
نرسيد بايشان بدى آنچه خواست حق تعالى نيست حركتى و نه قوتى مگر بخدا
ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان كره
آنچه خواسته حق تعالى است نه آنچه خواهند مردمان آنچه خواهد خدا اگر چه كراهت دارند

الناس

الناس حسبي الرب من المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين
مردمان كافيست مرا پروردگار از بندگان كافيست مرا آفريننده از آفريدگان
حسبي الرازق من المرزوقين حسبي الله رب العالمين
كافيست مرا روزى دهنده از روزى خواران كافيست مرا حق تعالى پروردگار عالميان
حسبي من هو حسبي حسبي من لم يزل حسبي حسبي من
كافيست مرا آنكه او كافيست كافيست مرا آنكه هميشه كافيست كافيست مرا آنكه
كان مذ كنت حسبي حسبي الله لا اله الا هو عليه
تا بوده ام كافيست مرا كافيست مرا حق تعالى نيست خدائى مگر او بر او
توكلت وهو رب العرش العظيم ودر كتاب عتيق مرويست
توكل كردم و او پروردگار عرش عظيم است
از حضرت صاحب الامر ع
كه حضرت صادق ع در وقت صبح ميخواندند اللهم اني اسئلك باسمك
خداوندا بدرستيكه من سوال ميكنم ترا بحق نام تو
الذي به تقوم السموات وبه تقوم الارض وبه تفرق
كه بآن نام برپا ميدارى آسمانها را و بآن برپاست زمين و بآن جدا ميكنى
بين الحق والباطل وبه تجمع بين المتفرق وبه تفرق
ميان حق و باطل و بآن فراهم مياورى پراكنده را و بآن پراكنده ميكنى

بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ وَبِرَاحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَزِنَةَ الْجِبَالِ
جمع آورده شده را و بآنکه حساب آورده عدد ریگها و وزن کوهها
وَكَيْلَ الْبِحَارِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ
و پیمانه دریاها را اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه عطا کنی
لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
مرا در کار من راه فرج و راه بدر رفتنی بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
ودر کتاب ثواب الاعمال از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که بگوید هر روزه سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا
در عقب صبح ده مرتبه منزه است حق تعالی بزرگ و ستایش [illegible]
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس رحمت که حق تعالی
قدرتی و نه قوتی مگر بخدای بزرگ مرتبه بزرگوار بخشد او را سبب این
از کوری و جنون و جذام و فقر و غیرها و از حضرت باقر ع مرویست
که هر که بخواند سوره قدر را بعد از فجر ده مرتبه و در حین زوال شمس
یعنی وقت ظهر ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بنویسد از دهزار کاتب را
سی سال یعنی برای نوشتن ثواب آن فصل دهم در بیان
سجده شکر مرویست از حضرت پیغمبر ص که سجده شکر بعد از فریضه

سجده شکر

شکرست

شکرست برای حق تعالی بر آنکه توفیق داده است بنده را از ادای فرض او و کمترین
چیزی که کافیست گفتن او در سجده شکر اینست که شُكْرًا لِلّٰهِ بگوید سه
مرتبه و سنت است که گفته شود در آن صد مرتبه شُكْرًا شُكْرًا
و میگوید در سجده يَا خَيْرَ مَنْ رُفِعَتْ لَهُ اَيَادِي السَّائِلِينَ
شکر این را نیز ای بهترین کسی که برداشته شده است دستهای درخواست کنندگان
وَيَا اَكْرَمَ مَنْ مُدَّتْ اِلَيْهِ اَعْنَاقُ الرَّاغِبِينَ يَا
و ای کریمترین کسی که کشیده شده بسوی او گردنهای رغبت کنندگان ای
اَكْرَمَ الْاَكْرَمِينَ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
کریمترین کریمان و ای رحیمترین رحیمان رحمت فرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَالْطُفْ بِي بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ
محمد پاکیزگان پاکان و مهربانی کن با من بلطف پنهان خود
فِي شَأْنِي كُلِّهِ ودر کتاب کفایت مذکورست که يَا رَبِّ وَعَظْتَنِي
در همه کارهای من حضرت علی ع میگفت در سجده شکر ای پروردگار من پند دادی مرا
فَلَمْ اَتَّعِظْ وَزَجَرْتَنِي فَلَمْ اَنْزَجِرْ وَغَمَرَتْنِي اَيَادِيكَ
پس پند نگرفتم و منع کردی مرا پس منع نپذیرفتم و غرق کردی مرا در نعمتهای خود
فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ وَاَرْجُو
پس شکر نکردم بخشش بخشش ای بزرگوار

عَنْ مَحَارِمِكَ
از چیزهای حرام

بخواند دعا را در سجده شکر که شیخ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ
شهید ره در نفلیه نقل کرده خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق
مَنْ رَوَيْتُ وَمَنْ رُوِيَ عَنْهُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَ
هر که روایت کرده و هر که روایت کرده شده از وی اینکه رحمت فرستی بر همگی ایشان و
اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا ودر کتاب غیبت مذکورست که حضرت صادق
اینکه بکنی با من چنین و چنان ع نقل نمود که حضرت امیر المؤمنین علیه السلم
این را میخواند در يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ اِلَّا كَرَمًا
سجده شکر ای آنکه زیاد نمیکند او را مبالغه کنندگان مگر بخشش
وَجُودًا يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ مَا دَقَّ
و عطا را ای آنکه او راست خزینهای آسمانها و زمین آنچه خورد و
وَمَا جَلَّ لَا تَمْنَعُكَ اِسَاءَتِي مِنْ اِحْسَانِكَ اَسْئَلُكَ
آنچه بزرگ است باز نمیدارد ترا بدکاری من از تفضل من سؤال میکنم ترا
اَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ فَاَنْتَ اَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ
اینکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی پس تو شایسته عطا و تفضل
وَالْعَفْوِ يَا رَبِّ وَاَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَقَدِ
و بخشش ای پروردگار من و تو توانائی بر عقوبت و بتحقیق

قادریه

استحققتها

اِسْتَحْقَقْتُهَا لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ اَبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي
مستحق عقوبت شده ام نیست دلیلی مرا و نه عذری نزد تو [illegible] کارهای خود را
كُلِّهَا اِلَيْكَ وَاَعْتَرِفُ بِهَا كَيْ تَعْفُوَ عَنِّي وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِنِّي
همه را بتو و اقرار میکنم باینها تا آنکه درگذری از من و تو داناتری بآنها از من
بُؤْتُ اِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَبِكُلِّ خَطِيئَةٍ اَخْطَأْتُهَا
رجوع کردم بسوی تو از هر گناهی که کرده ام و از هر خطائی که واقع شده ام از آن
وَبِكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا فَاغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ
و از هر کار بدی که بجا آورده ام آن را پس بیامرز و رحم کن و درگذر از آنچه میدانی بدرستیکه
اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَكْرَمُ وسنت است که دعا کند برای اَللّٰهُمَّ
تو ئی غالبتر و کریمتر برادران مؤمن پس میگوید خداوندا
رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذَا
ای پروردگار صبح و شبهای ده گانه و طاق و جفت و شب چون
يَسْرِ وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَاِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَخَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَمَالِكَ
برود و ای پروردگار هر چیزی و معبود هر چیزی و آفریننده هر چیزی و صاحب
كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ
هر چیزی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من و فلان کس و فلان

مَلِيكَ
پادشاه

ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانك اهل التقوی

الحق تو لایق آنی ... بما آنچه ما لایق آنیم پس بدرستیکه تو سزاوار پرهیزکاری [illegible]

واهل المغفرة وبجای فلان وفلان اسم برادران مومن

و سزاوار آمرزیدن ... ذکر میکند

فصل یازدهم در آنچه در هر روز

میخوانند نقل کرده شیخ رضی بن طاوس در کتاب ... خود که این از

دعای حضرت علی اللهم اغفر لی ما انت اعلم به منی فان

علیه السلام است خداوندا بیامرز برای آنچه تو داناتری [illegible]

عدت فعد علی بالمغفرة اللهم اغفر لی ما وأیت به

[illegible] خداوندا بیامرز برای [illegible]

علی نفسی ولم تجد له وفاء اللهم اغفر لی ما تقربت به الیك

[illegible] خداوندا بیامرز برای [illegible]

ثم خالفه قلبی اللهم اغفر لی رمزات الالحاظ وسقطات

[illegible] خداوندا بیامرز برای [illegible]

الالفاظ وشهوات الجنان وهفوات اللسان وسنة

و ... خواهشهای دل و لغزشهای زبان را ... که بگوید

هر روز این دعا را که ذکر نموده است ابن باقی در کتاب اختیار خود

اللهم

اللهم انی اسئلك بنور وجهك المشرق الحی الباقی

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق نور ذات تو که درخشنده است زنده دائمی

الکریم واسئلك بنور وجهك القدوس الذی اشرقت

بزرگوار ... نور ذات منزه است که نمایان شد

به السموات وانکشفت به الظلمات وصلح علیه امر

به آن آسمانها و برطرف شد به آن تاریکیها و محکم شد برای کار

الاولین والاخرین ان تصلی علی محمد وآل محمد وان

پیشینیان و پسینیان ... رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تصلح لی شأنی کله ودر کتاب امالی شیخ مفید مذکور است که این

[illegible] از دعای حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است

اللهم انی اعوذ بك من ان اعادی لك ولیا او

خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از آنکه دشمنی کنم با دوست تو یا

اوالی لك عدوا او ارضی لك سخطا ابدا اللهم من

دوستی کنم با دشمن تو یا راضی شوم در غضب تو هرگز خداوندا هر کرا

صلیت علیه فصلوتنا علیه ومن لعنته فلعنتنا

رحمت فرستادی ... برای او ... لعنت [illegible]

علیه اللهم من کان فی موته فرج لنا ولجمیع المؤمنین

[illegible] در مردن او راحت برای ما و برای همه مومنان

فارحنا منه وابدلنا به من هو خیر لنا منه حتی ترینا

[illegible] تا بنمائی بما [illegible]

من علم الاجابة ما نعرفه فی ادیاننا ومعایشنا یا ارحم

[illegible] ای رحم کننده ترین

الراحمین ودر کتاب فضل الدعا سعد بن عبدالله مرویست از

رحم کنندگان

حضرت رضا ع حدیثی که ملخصش اینست که هر که

دوست دارد که با پیمانه تمام عیار اجر اعمال خود را بگیرد باید که ادا کند

شکر نعمتها را که حق تعالی بر وی انعام فرموده است با آنها و خواهد که اگر

او را حاجتی باشد برآورده شود و یا دشمنی باشد منکوب کرده یا او را ...

باشد قضا شود یا بلائی رفع شود و خواهد ... کلام او آسمانها ...

... که مکتوب شود در لوح محفوظ باید هر روز بگوید سبحان الله کما ینبغی لله

[illegible]

والحمد لله کما ینبغی لله ولا اله الا الله کما ینبغی لله و

[illegible]

الله

الله اکبر کما ینبغی لله ولا حول ولا قوة الا بالله وصلی الله

[illegible]

علی محمد واهل بیته وعلی جمیع المرسلین حتی یرضی الله

بر محمد و اهل بیت او و بر همه پیغمبران تا خشنود گردد حق تعالی

ومرویست از حضرت ... که هر که بگوید این کلمات را ده مرتبه بیامرزد

حق تعالی برای او چهار هزار گناه کبیره او را و کفایت کند از شر همه هولهای

روز قیامت را که اکثر صد هزار هول است که اسهل آن موت است و

کفایت کند از شر شیطان و لشکری او را و قضا کند دین او را

و رنج بخشد او را از هم اعددت لکل هول لا اله الا الله

وغمی که او را باشد مهیا ساختم برای هر بیمی لا اله الا الله را

ولکل هم وغم ما شاء الله ولکل نعمة الحمد لله

و برای هر اندوه و غمی ما شاء الله را و برای هر نعمتی الحمد لله را و

ولکل رخاء الشکر لله ولکل اعجوبة سبحان الله و

برای هر رفاهیتی الشکر لله را و برای هر عجیبی سبحان الله را و

لکل ذنب استغفر الله ولکل مصیبة انا لله وانا

برای هر گناهی استغفر الله را و برای هر مصیبتی این آیه کریمه را

الیه

الكبير راجعون ولكل ضيق حسبي الله ولكل قضاء
و برای هر تنگی حسبی الله را و برای هر قضا
وقدر توكلت على الله ولكل عدو اعتصمت بالله
و قدری توکلت علی الله را و برای هر دشمنی اعتصمت بالله را
ولكل طاعة ومعصية لا حول ولا قوة الا
و برای هر طاعتی و معصیتی لا حول و لا قوة الا
بالله العلي العظيم تسبيح جبرئيل ع هر کس بگوید هر روز یکمرتبه
بالله العلی العظیم را
این تسبیح را نمیرد تا به بیند جای خود را در بهشت
سبحان الله وبحمده سبحان الدائم القائم سبحان
تنزیه میکنم حق تعالی را و حمد او میکنم پاکست خدای دائم قایم پاکست
القائم الدائم سبحان الملك القدوس سبحان
خدای قایم دائم پاکست پادشاه پاکیزه پاکست
رب الملائكة والروح سبحان العلي الاعلى سبحانه
پروردگار ملائکه و روح پاکست خداوند بلند مرتبه والا مرتبه پاکست خداوند
وتعالى و در کتاب سبع الابرار مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله
و بلند مرتبه علیه و آله که هر که بگوید در هر روزی این کلمات را صد مرتبه

لا اله الا الله الملك الحق المبين می باشد از برای او
نیست معبودی بجز خدای که پادشاه حقیقی است هویدا امانی از فقر و وحشت
او بانس مبدل میگردد در قبر و باعث جلب توانگری او شود و بکوبد
در بهشت را یعنی باعث رسیدن بآن است و هم مرویست از آن
حضرت صلعم که هر که بسمله و حوقله بجا آورد یعنی بسم الله الرحمن
الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم بگوید در
هر روز ده مرتبه بیرون رود از گناهانش مانند روزی که مادر
او زاییده باشد و دفع شود از و هفتاد نوع از بلا که از آنجمله جنون
و دیوانگی و پیسی است و فلج که مرض مشهوریست و بنج نزد حق تعالی
از هفتاد و چهار گناه معتول درگاه الهی که بعد از ختم الکلام واقع
شده باشد و موکل سازد حق تعالی هفتاد هزار ملک را که برای او
استغفار کنند تا شب تتمه مرویست از حضرت صادق علیه السلام
که هر کس این دعا را بخواند هر روز بعد از مغرب پس بمیرد در آن شب یا
در جمعه آن هفته یا در آن ماه یا در آن سال داخل بهشت برین شود
يا من ختم النبوة بمحمد صلى الله عليه وآله اختم لي
ای آنکه ختم کرد نبوت را بمحمد صلی الله علیه و آله ختم کن برای من

في يومي هذا بخير وشهري بخير وسنتي بخير وعمري
روز مرا این روز بخیر و ماه مرا بخیر و سال مرا بخیر و عمر مرا
بخير انك على كل شيء قدير فضل دعا در ادعیه صبح و
بخیر بدرستی که تو بر همه چیز توانایی شام مرویست از حضرت صادق
علیه السلام که هر کس این کلمات را بخواند در وقتی که بخواب رود سه مرتبه محفوظ
شود بال از بالهای جبرئیل ع تا داخل صبح شود و هر کس بخواند
این کلمات را چون صبح کند محفوظ شود استودع الله العلي
شود بال جبرئیل ع تا داخل شام شود طلب میکنم که نگاه دارد خداوند بلند مرتبه
الاعلى الجليل العظيم ديني ونفسي واهلي ومالي وولدي
و والا مرتبه بزرگوار بزرگ دین مرا و نفس و اهل و مال و فرزندان
واخواني المؤمنين وجميع ما رزقني ربي ومن يعنيني
و برادران مؤمن مرا و جمیع آنچه روزی داده است پروردگار من و هر که اهتمام دارم
امره استودع الله المرهوب المخوف المتضعضع
بکار او طلب میکنم که نگاه دارد خداوند ترسناک که فروتن است
لعظمته كل شيء ديني ونفسي واهلي ومالي وولدي
برای عظمت او هر چیزی دین و نفس و اهل و مال و فرزندان

واخواني المؤمنين وجميع ما رزقني ربي ومن يعنيني امره
و برادران مؤمن مرا و جمیع آنچه روزی داده است پروردگار من و هر که اهتمام دارم بکار او
و مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر کس بگوید این کلمات را
در صبح روز خود نرسد او را هیچ مکروهی و هر که بگوید این را در شام تا صبح
نرسد او را هیچ بدی و قصه این حسبي الله لا اله الا هو عليه
کلمات در باب الجیم در دراز مشهور است کافیست مرا حق تعالی نیست خدایی بجز او بر وی
توكلت وهو رب العرش العظيم ما شاء الله كان وما
توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ آنچه خواست خدا شد و آنچه
لم يشأ لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
نخواست نمی شود و نیست قوتی و نه قدرتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگوار
اعلم واشهد ان الله على كل شيء قدير وان الله قد
میدانم و گواهی میدهم که حق تعالی بر هر چیزی تواناست و آنکه حق تعالی احاطه
احاط بكل شيء علما اللهم اني اعوذ بك من شر نفسي
کرده است بهر چیزی از راه علم خداوندا پناه میبرم بتو از شر نفس خود
ومن شر كل دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط
و از شر هر جنبنده که تو فرا گیرنده موی پیشانی او را بدرستیکه پروردگار من بر راه حق

مُسْتَقِيم و روایت از پیغمبر صلعم که هر که بخواند فَسُبْحَانَ اللّٰهِ

پس پاکی یاد کنید حق را در حینی که صبح کنند و شام کنند

حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ

وقتیکه شام کنید و وقتیکه صبح کنید و مراورا ست حمد در آسمانها

وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ

و زمین و در وقت پیشین و در وقتی که ظهر کنید بیرون می آرد زنده را از

الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

مرده و بیرون می آورد مرده را از زنده و زنده میکند زمین را بعد از مردن او

وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ فوت نشود از وی هیچ چیزی که در آن شب و روز

و همچنین بیرون آورده میشوید

و دفع شود از وی جمیع شرهای آن شب و روز و

میکوید چون صبح کردی سه مرتبه و چون شام کردی سه مرتبه تا محفوظ

از دزدی و غرق شدن و سوختن و اینها دعای خضر و الیاس عم است

بِسْمِ اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ

بنام حق آنچه خواهد حق [illegible] آنچه خواهد حق

كُلُّ نِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِ اللّٰهِ مَا

هر نعمتی از حق است آنچه خواهد خدا خیر همه بدست [illegible]

شاء الله

شَاءَ اللّٰهُ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللّٰهُ و باید بگوید در اللهم

خواهد خدا [illegible] اول بهار خود خداوندا

مَا عَمِلْتُ فِي يَوْمِي هٰذَا مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ لِابْتِغَاءِ وَجْهِكَ وَمَا

آنچه کرده ام در این روز [illegible]

تَرَكْتُ فِيهِ مِنْ شَرٍّ فَهُوَ لِنَهْيِكَ عَنْهُ و همچنین در اول شب

[illegible] خود بگوید این کلمات

تا شمرده شود نیت کننده [illegible] که کند [illegible]

کند در آن روز و در آن شب قربة الی الله در نامه عمل او ثبت خواهد شد

والله تعلیم و نقل کرده شیخ شهید در قواعد خود و در کتاب مجتبی از

حضرت پیغمبر صلعم که هر که خوش آید که زیاده کند حق تعالی عمر او را و یاری

او را بر دشمن او و نگاه دارد او را از مردن بد پس باید مداومت

کند بر این دعا در صبح سُبْحَانَ اللّٰهِ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى

سه مرتبه و در شام سه مرتبه تسبیح حق میکنم پری ترازو و نهایت علم

الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ

[illegible] و هم وزن عرش و فراخی کرسی

پس حمد میکند حق تعالی را همچنین پس تهلیل میکند حق تعالی را همچنین

پس تکبیر میکند حق تعالی را همچنین یعنی الْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَ

بعد از ین میکوید سه نوبت حمد میکنم خدا را پری ترازو و

مُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ

نهایت علم و غایت رضا و هم وزن عرش و فراخی کرسی

و سه نوبت لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَ

تهلیل حق تعالی میکنم پری ترازو و نهایت علم و

مَبْلَغَ الرِّضَا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ و سه نوبت

غایت رضا و هم وزن عرش و فراخی کرسی

اللّٰهُ أَكْبَرُ مِلْءَ الْمِيزَانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضَا

تکبیر میکنم حق تعالی را پری ترازو و نهایت علم و غایت رضا

وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ و در کتاب جامع الجوامع

و هم وزن عرش و فراخی کرسی

روایت از حضرت پیغمبر صلعم

که فرموده اند آیا عاجز است احدی از شما که فرا گیرد در صباح و مساء

عهدی نزد حق تعالی عرض کردند که چگونه است این فرمود میکوید یکی از شما

اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

خداوندا ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای دانای پنهان و آشکارا

انی

إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

[illegible]

لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّكَ إِنْ تَكِلْنِي إِلَى

ترا و اینکه محمد صلعم بنده برگزیده تو و فرستاده توست و اینکه تو اگر واگذاری مرا

نَفْسِي تُقَرِّبْنِي مِنَ الشَّرِّ وَتُبَاعِدْنِي مِنَ الْخَيْرِ وَإِنِّي لَا أَثِقُ

[illegible]

إِلَّا بِرَحْمَتِكَ فَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا تُوَفِّينِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

[illegible]

إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ پس چون گفت این را مهری میزنند بر این و میگذارند

[illegible]

در زیر عرش پس چون روز قیامت شود ندا

کند ندا کننده از آسمان که کجایند کسانی که ایشان را نزد حق تعالی عهدی است

پس داخل بهشت شوند [illegible]

دعای متعالیه روایت از حضرت

پیغمبر صلعم که میکوید ده مرتبه چون لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ وَ

صبح کرد و ده مرتبه چون شام کرد

[illegible]

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَأَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَلَا حَوْلَ وَلَا

[illegible]

قوة الا بالله العلي العظيم هو الاول والاخر والظاهر
قدرتی مگر بخداوند علی عظیم اوست اول و آخر و هویدا
والباطن له الملك وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي
و پنهان اوست پادشاهی و حمد زنده میکند و میمیراند و میمیراند و زنده میکند
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير
و اوست زنده که نمیرد و بدست اوست خیر و او بر همه چیز تواناست
پس هر کس بگوید این را عطا کند حق تعالی او را شش خصلت اول آنکه نگاه
دارد او را از شر شیطان و لشکرش دویم آنکه عطا کرده شود قنطاری از
ثواب بوده باشد میزان اعمال جزا و سنگین تر از کوه احد سیم آنکه
رفیع گرداند حق تعالی برای او درجه که نرسند بآن مگر ابرار چهارم آنکه
تزویج کند حق تعالی او را از حور عین پنجم آنکه حاضر شوند او را دوازده
ملک که بنویسند او را در رق منشور و شهادت دهند برای او در
روز قیامت ششم آنکه بوده باشد مانند کسی که قرائت کرده چهار
کتاب خدا را و بنویسند برای او حج مقبول و عمره مبروری و اگر بمیرد در
آن روز یا در آن شب یا در آن ماه مهر کرده شود بمهر شهدا و در زمره
شهدا باشد فصل سیزدهم در نمازهای سنتی که وقت معینی ندارند

در نمازهای سنتی

برانکه

برانکه نوافل بر دو قسمند یکی آنکه مخصوص بوقت است دویم آنکه مخصوص بوقتی
نیست و هر دو قسم زیاده از حد حصر است و ما ذکر میکنیم از قسم اول چند
نوع را اول آنچه ذکر کرده می شود در هر شب نقل کرده است علامه در قواعد
که سنت است دو رکعت نماز میان مغرب و عشا در رکعت اول حمد یکمرتبه و
اذا زلزلت سیزده مرتبه و در رکعت دویم حمد یکمرتبه و توحید پانزده مرتبه
و مصنف میگوید که این نماز را دو رکعت نماز وصیت میگویند که روایت
کرده است آنرا شیخ طوسی در مصباح خود و مروی است از حضرت صادق علیه السلام از
پدرش از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر کس بجا آورد این دو رکعت
را در هر سالی نوشته میشود از نیکوکاران و هر کس بجا آورد در هر ماهی نوشته
میشود از پرهیزکاران پس اگر بکند در هر جمعه نوشته شود از نمازگذاران
پس اگر بکند در هر شب مزاحمت کند مرا در بهشت و احصا نتواند کرد ثواب
او را مگر حق تعالی دویم آنچه کرده میشود در هر روز مروی است از حضرت کاظم علیه السلام
که هر کس بجا آورد چهار رکعت نماز را در هر روز بعد از زوال که بخواند در
هر رکعتی حمد و آیة الکرسی نگاه دارد حق تعالی او را و اهل و مال و دین و دنیای
او را سیم آنچه کرده میشود در هر ماه مرویست از حضرت جواد یعنی
امام محمد تقی علیه السلام که هرگاه ماه نو داخل شود پس بجا آورد در روز اول آن

نماز وصیت

دو رکعت نماز را که بخواند در رکعت اول حمد یکمرتبه و توحید سی مرتبه و در رکعت
دویم حمد یکمرتبه و سوره قدر سی مرتبه و تصدق کن بآنچه میسر شود و بخری تو
باین سلامتی این ماه را اهم چهارم آنچه کرده میشود در آخر سال روایت است
که روز آخر ذیحجه است پس بجا آورد در آن دو رکعت نماز را که بخواند در رکعت
اول حمد یکمرتبه و توحید ده مرتبه و در رکعت دویم حمد یکمرتبه و آیة الکرسی
ده مرتبه پس چون سلام گفتی بگو اللهم ما عملت في هذه السنة من عمل
خداوندا هر عملی که کردم در این سال از عملهایی که
نهيتني عنه ولم ترضه ونسيته ولم تنسه ودعوتني
نهی فرمودی از آن و نه پسندیدی از او و من فراموش کردم و تو فراموش نکردی و خواندی مرا
الى التوبة منه بعد جرأتي عليك اللهم اني استغفرك
بتوبه از آن بعد از جرأت نمودنم بر تو خداوندا من آمرزش میطلبم از تو از آن
منه فاغفر لي اللهم وما عملت من عمل يقربني اليك فاقبله
از آن پس بیامرز برای من خداوندا و هر چه کردم از عملی که نزدیک میسازد مرا بسوی تو پس قبول کن
مني ولا تقطع رجائي منك يا كريم پس بدرستی که آمرزیده میشود
از من و قطع مکن امید مرا از خود ای بزرگ برای او آنچه عمل آن سال
باشد و صبح میکند شیطان نزد وقوع این و میگوید وا تعباه در این سال

یعنی

یعنی شیطان بسیار متأسف میشود از وقوع این عمل و ابتدای اول سال
پس بجا آورد در آن در روز اول محرم دو رکعت نماز را بهر کیفیت که
خواهی پس چون سلام گفتی بگو اللهم انت الابدي القديم العفو الغفور
خداوندا تو پاینده بی زوال دائم بخشاینده آمرزنده
وهذه سنة جديدة فاسئلك العصمة فيها من الشيطان
و این سال تازه است پس سؤال میکنم ترا که نگاه داری در این سال از شیطان
الرجيم والعون على هذه النفس الامارة بالسوء و
رانده شده و یاری کردن بر این نفس امر کننده ببدی و
الاشتغال بما يقربني اليك يا ذا الجلال والاكرام و
مشغول ساختن مرا بآنچه باعث قرب من است بسوی تو ای صاحب بزرگواری و بزرگی و
الفضل والانعام يا ارحم الراحمين سه مرتبه که هر آنچه حق تعالی
و فضل و صاحب انعام ای رحم کننده ترین رحم کنندگان موکل میسازد دو ملک را
که دفع میکنند از او شیطان را و یاری میدهند او را بر نفس خود و توفیق
میدهند او را بر اموری که رضای حق تعالی در آن است در باقی عمرش
فصل چهاردهم در آنچه کرده میشود در روز جمعه نقل کرده است شیخ
طوسی علیه الرحمه در مختصر مصباح که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که روز جمعه بهترین

روزها است مضاعف می‌شود در آن حسنات یعنی کارهای نیک ثواب‌شان در آن زیاده
روزهای دیگر است و بلند می‌شود در آن درجه‌ها و مستجاب می‌شود در آن
دعاها و برطرف می‌شود در آن اندوه‌ها و قضا می‌شود در آن حاجتهای
بزرگ و این روز روزی است که حق تعالی در آن جمعی آزاد و رها کرده می‌شوند از
آتش جهنم دعا می‌کند در آن احدی از ناس که شناسد قدر آن روز
و حرمت او را مگر آنکه حق است بر حق تعالی که بگرداند او را از آزادان و
رها شدگان از آتش و اگر بمیرد در آن روز یا در شب مرده است شهید
و برانگیخته شود در امن و امان و خفت نمی‌شمارد احدی بحرمت آن روز
که ضایع کند حق او را مگر آنکه حق است بر حق تعالی که بیفکند او را در آتش
مگر آنکه توبه کند و مستحب است که بخواند بعد از نماز صبح اللهم صل علی
محمد و آل محمد و عجل فرجهم صد مرتبه خداوندا رحمت بفرست
بر محمد و آل محمد و زود عطا کن فرج ایشان را و مرویست از حضرت صادق ع
که هر کس بگوید بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر روز جمعه اللهم صل
علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم صد مرتبه نمیرد تا دریابد قائم
آل محمد علیهم السلام او و در کتاب جامع بزنطی مرویست از حضرت صادق
ع آنکه هر کس صلوات فرستد در ما بین ظهر و عصر بر محمد و آل محمد ع

مقابل است

مقابل است با هفتاد رکعت نماز و در آن کتاب مرویست که هر کس
بگوید بعد از عصر روز اللهم صل علی محمد و آل محمد
جمعه هفت مرتبه خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد
الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم
اوصیاء پسندیدگان به بهترین رحمتهای خود و برکت ده ایشان را
بافضل برکاتک علیه و علیهم السلام و علی ارواحهم
بافزونترین برکتهای خود بر او و بر ایشان [illegible] و بر روحهای ایشان
و اجسادهم و رحمة الله و برکاته خواهد بود برای او
و جسدهای ایشان و رحمت حق تعالی و برکتهای او مثل عمل جن و انس
در آن روز و مرویست از حضرت صادق ع که هر کس صلوات گوید
بر پیغمبر ص باین صلوات محو کرده شود خطاهای او و [illegible]
او و مستجاب شود دعای او و یاری کرده شود بر دشمن خود و مهیا شود
برای او اسباب خیر و عطا کرده شود آرزوی او و زیاده شود روزی
او و [illegible] باشد از رفقای محمد و آل محمد صلوات الله علیهم در بهشت این است
اللهم صل علی محمد و آل محمد فی الاولین و صل علی محمد
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد در پیشینیان و رحمت فرست بر محمد

و آل محمد فی الآخرین و صل علی محمد و آل محمد فی الملأ
و آل محمد در پسینیان و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در گروه
الاعلی الی یوم الدین و صل علی محمد و آل محمد فی المرسلین
بالاتر تا روز جزا و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در پیغمبران
و صل علی محمد و آل محمد حتی ترث الارض و من علیها
و رحمت فرست بر محمد و آل محمد تا آن زمان که خود وارث شوی زمین و هر که بر روی زمین است
و انت خیر الوارثین اللهم اعط محمدا و آل محمد الفضیلة
و تو بهترین وارثانی خداوندا عطا کن محمد و آل محمد را فضیلت
و الوسیلة و الشرف و الرفعة و الدرجة الکبیرة اللهم
و وسیله بودن و بزرگی و بلندی مرتبه و پایه بزرگ خداوندا
انی آمنت بمحمد صلی الله علیه و آله و لم اره فلا تحرمنی
بدرستیکه من ایمان آوردم بمحمد ص و حال آنکه ندیده‌ام او را پس محروم مساز
فی القیمة رؤیته و ارزقنی صحبته و توفنی علی ملته
در قیامت از دیدار او و روزی کن مرا مصاحبت او و بمیران مرا بر اعتقاد
و اسقنی من حوضه مشربا رویا سائغا هنیئا لا
و بیاشامان مرا از حوض او آشامیدنی سیراب کننده گوارا که تشنه

الکثیرة

الظما بعده

اظمأ بعده ابدا انک علی کل شیء قدیر اللهم انی آمنت
نشوم بعد از آن هرگز بدرستیکه تو بر همه چیزی توانایی خداوندا بدرستیکه من ایمان آوردم
بمحمد صلی الله علیه و آله و لم اره فعرفنی فی الجنان
بمحمد ص و ندیده‌ام او را پس بشناسان بمن در بهشت
وجهه اللهم بلغ محمدا منی تحیة کثیرة و سلاما
روی او را خداوندا برسان محمد را از من درود بسیار و سلام
و نقل کرده است شیخ شهید در کتاب خود آنکه بدرستیکه هر کس بچیند ناخنهای
خود را و بگیرد شارب خود را در روز جمعه و بگوید بسم الله و بالله
و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد برای
او بهر ریزه از ناخن و موی ثواب آزاد کردن بنده و بیمار نشود مگر مرض
موت و سنت است که بگوید در شب جمعه و در روز جمعه این کلمات را اللهم انت ربی لا اله
خداوندا تو پروردگار منی نیست خدایی
الا انت خلقتنی و انا عبدک و ابن امتک فی قبضتک
جز تو خلق کردی مرا و منم بنده تو و کنیززاده تو در قبضه قدرت تو است
ناصیتی بیدک امسیت علی عهدک و وعدک ما استطعت
اختیار من بدست توست شام کردم بر عهد تو و وعده تو آنچه [illegible]

اعوذ برضاك من سخطك وبمعافاتك من عقوبتك ... اعوذ بك منك ما صنعت ابوء بنعمتک و ابوء بذنبی

پناه میبرم بخشنودی تو از خشم تو ... اقرار میکنم بنعمت تو و اقرار میکنم بگناه خود

فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت و نقل کرده است

پس بیامرز برای من گناهان مرا بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را غیر تو   ابن فهد در

کتاب عدة خود که هرکس بخواند سوره قدر را پانزده مرتبه در ثلث آخر شب

جمعه پس دعا کند بانچه خواهد یعنی هر طلبی که خواهد از حق تعالی بطلبد که مستجاب

خواهد شد برای او **تتمه** آن عملی که مستجاب میشود در آن دعا در روز

جمعه وقتی است که غایب شود نصف قرص آفتاب پس دعا کن در آن وقت بآن

دعا که مرویست از ... سبحانك لا اله الا انت یا حنان یا منان

حضرت محمد صلی الله علیه و آله ... منزهی تو نیست معبودی بجز تو ای مهربان ای عطا کننده

یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام

ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب بزرگواری و کرامت

فصل یازدهم در نمازهای حاجت نقل کرده است کلینی در کتاب کافی

خود از حضرت صادق علیه السلام که چون خواهد یکی از شما اینکه بخواهد از پروردگار

خود حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت پس باید که سؤال کند تا آنکه ابتدا

کند بثنای حق تعالی و مدح او و صلوات بر پیغمبر او و بعد از آن سؤال کند حاجت

خود را

خود را و سم ... از آنحضرت علیه السلام روایت کرده است که فرمود در کتاب حضرت علی

مذکور است که هر کسی که مدح حق تعالی پیش از سؤال است پس چون خواهی دعا

کنی حق تعالی را یعنی سؤال کنی از او حاجت خود را پس تمجید کن او را که فهم

چگونه تمجید کنم او را یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا

فرمود که میگوئی   ای آنکه او نزدیکتر است بمن از رگ گردن   ای

من یحول بین المرء وقلبه یا من هو بالمنظر الاعلی

آنکه حایل میشود میان مرد و دل او ای آنکه او   بنظرگاه بالاتر است

یا من لیس کمثله شیء و در کتاب حیوة القلوب مذکور است

ای آنکه نیست مثل او چیزی   که حضرت صادق علیه السلام چون طلب حاجت

او را حاجتی سجده میکرد بدون نماز و بدون رکوع و میگفت یا ارحم

الراحمین هفت مرتبه بعد از آن میخواست حاجت خود را پس فرمود که برادر کم

نگفته است احدی یا ارحم الراحمین هفت مرتبه مگر آنکه حق تعالی میفرماید که منم

من ارحم الراحمین سؤال کن حاجت خود را و در کتاب ... مرویست که

نگفته است یا الله ده مرتبه بنده مگر آنکه حق تعالی فرماید لبیک بنده

من بخواه حاجت خود را و بدانکه نمازهای حاجت بسیار است از

آنجمله نمازی است که مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هرکس بجا آورد

و در روز جمعه چهار رکعت نماز مثل از فریضه که بخواند در رکعت اول حمد

یکمرتبه و سوره الهاکم یکمرتبه و سوره توحید پانزده مرتبه و در رکعت

دویم حمد یکمرتبه و زلزلت یکمرتبه و توحید پانزده مرتبه و در رکعت سیم

حمد یکمرتبه و تکاثر یکمرتبه و توحید پانزده مرتبه و در رکعت چهارم حمد

یکمرتبه و سوره نصر یکمرتبه و توحید پانزده مرتبه پس چون فارغ شود بردارد

دستهای خود را و سؤال کند حاجت خود را پس بتحقیق که آن حاجت

برآورده میشود ان شاء الله تعالی و از آنجمله نمازیست که نقل کرده است

آن را ابن عباس در کتاب اعمال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

که هر کس بوده باشد او را حاجتی مهم بسوی حق عز و جل پس باید غسل کند و بپوشد

پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا رود بر بام خود و دو رکعت نماز بگذارد

پس سجده کند و ثنا یا جبرئیل یا محمد انتما کافیای

گوید بحق تعالی و بگوید ای جبرئیل ای محمد شما کفایت کنندگان منید

فاکفیانی وانتما حافظای فاحفظانی وانتما الکالیای

پس کفایت کنید مرا و شما حفظ کنندگان منید پس حفظ کنید مرا و شما نگهدارندگان مرا

فاکلانی صد مرتبه فرمود حضرت صادق علیه السلام که حق است بر حق تعالی آنکه

پس نگهدارید مرا   نگوید این را بنده مگر آنکه کفایت کند مهم او را و انجاح

دو رکعت

نماز غفیله

دو رکعت نماز غفیله است که میان مغرب و عشا کرده میشود مرویست

از حضرت صادق علیه السلام که میخواند وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ

و در رکعت اول بعد از حمد آیه   و صاحب ماهی یونس علیه السلام چون رفت

مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ

غضبناک بر قوم پس گمان کرد که ما سخت نخواهیم گرفت بر وی پس ندا کرد در تاریکیها

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ

که نیست معبودی بجز تو منزهی تو بدرستیکه من بودم از ستمکاران

فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِیْنَ

پس اجابت کردیم برای او و نجات دادیم او را از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را

و در رکعت دویم وَعِنْدَهٗ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَا یَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ

بعد از حمد آیه   و نزد حق تعالی است کلیدهای غیب نمیداند آنها را مگر او

وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا یَعْلَمُهَا

و میداند آنچه در بیابان و دریاست و نمی افتد از برگی مگر میداند آن را

وَلَا حَبَّةٍ فِیْ ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ

و نه دانه در تاریکیهای زمین   و نه تری   و نه خشکی

اِلَّا فِیْ كِتَابٍ مُّبِیْنٍ پس بر میدارد دستها را و میگوید اللهم انی

مگر در کتاب بیان کننده   با هم دیگر است   خداوندا من از تو میخواهم



الملك الحق المبين من العبد الذليل الى المولى الجليل

سلام على محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن

محمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والقائم

سيدنا ومولانا صلوات الله عليهم اجمعين رب

اني مسني الضر والخوف فاكشف ضري وامن خوفي

بحق محمد وال محمد واسئلك بكل نبي ووصي وصديق و

شهيد ان تصلي على محمد وال محمد يا ارحم الراحمين

اشفعوا لي يا سادتي بالشأن الذي لكم عنده فان لكم

عند الله

عند الله لشأنا من الشأن فقد مسني الضر يا سادتي

والله ارحم الراحمين فافعل بي يا رب كذا وكذا بغير حاجتي

ذکر کند و بنویسد ... از آنجمله اغاثه کشمیر است که مینویسد بعد و آیة

الكرسي وآية النور بسم الله من العبد الذليل فلان بن

پس بنویسد بعد از آن

فلان الى المولى الجليل الذي لا اله الا هو الحي القيوم

سلام على آل يس سلام على محمد وعلي وفاطمة والحسن و

الحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي

والحسن وحجتك يا رب العالمين اللهم اني اشهد انك

انت الله الهي واله الاولين والاخرين ولا اله غيرك

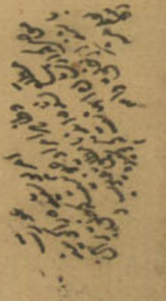
أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي إِذَا دُعِيتَ بِهَا أَجَبْتَ
رو می آورم بسوی تو بحق این اسمها که چون خوانده شوی بآنها اجابت میکنی
وَإِذَا سُئِلْتَ بِهَا أَعْطَيْتَ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِمْ وَهَوَّنْتَ
و هرگاه سؤال کرده شوی بآنها عطا میکنی اینکه رحمت فرستی بر ایشان و آسان کنی
خُرُوجَ دُودِي وَكُنْتَ قَبْلَ ذٰلِكَ غِيَاثًا وَمُجِيرًا مِمَّنْ أَرَادَ
بیرون آمدن ... مرا و بوده باشی پیش از این فریادرس و پناه دهنده از هر که اراده کند
أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَوْ أَنْ يَطْغَى وبجای فلان بن فلان اسم خود
بمن یا آنکه طغیان کند
و پدرش را ذکر کند پس دعا کند بانچه
پسند او است و خاطرش خواهد و نوشته میشود این قصه در کاغذی پس گذاشته
میشود در گلوله ای از گل پاکیزه و بعد از آن میخواند بر آن سوره یس
پس انداخته میشود در چاهی عمیق یا نهر جاری یا چشمه آبی عمیق که باکاغذ
مقرون آن میگردد انشاء الله تعالی و از آنجمله آنست که بنویسد بعد از
بِسْمِ اللّٰهِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ رَبِّ إِنِّي
بنام خدا از بنده ذلیل بسوی آقای بزرگوار پروردگارا بدرستیکه من
مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلِّ
رسیده است مرا ضرر و تو مهربان ترین رحم کنندگانی بحق محمد و آل او رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْشِفْ هَمِّي وَفَرِّجْ غَمِّي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
بر محمد و آل او و رفع کن اندوه مرا و برطرف کن غم مرا برحمت خود ای مهربانترین
الرَّاحِمِينَ نوشته می شود این بر کاغذ و افکنده می شود در آب
رحم کنندگان

فصل هفدهم در ادعیه طلب روزی

و دعاهای رزق بسیار است از آنجمله اینکه دعائیست که خوانده میشود در سجود فرض در
حالی که طول دهد سجود را یَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ
پس بگوید این دعا را ای بهترین سؤال کرده شدگان و ای بهترین عطا کنندگان
اُرْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ ذُو
روزی ده مرا و روزی بخش عیال مرا از فضل فراوان خود پس بدرستیکه تو صاحب
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ و از آنجمله دعائیست که ذکر کرده است آنرا ابن طاوس
فضل بزرگی
در تاریخ خود که هر کس مداومت کند بر این دعا
میسر شود او را روزی و آسان گردد برای او اسباب رزق و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ يَا سَبَبَ مَنْ لَا سَبَبَ لَهُ يَا سَبَبَ كُلِّ ذِي سَبَبٍ وَ
خداوندا ای وسیله کسیکه نیست وسیله ای برای او ای چاره هر صاحب وسیله و
يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَغْنِنِي
وای وسیله ساز وسیله ها بدون وسیله رحمت فرست بر محمد و آل او و بی نیاز کن مرا

بِجَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا حَيُّ
بجلال خودت از حرامت و بفضل خودت از هر غیر تو است ای زنده
يَا قَيُّومُ و گفته است سید اجل احمد بن محمد فارسی
ای پاینده
که فقیر بود پس بسیار رشد برای روزی و صاحب ثروت و
توانگر گشت و از آنجمله دعائیست که روایت شده است از حضرت
امیر المؤمنین ع که هر کس صبح شود و نگوید این کلمات را روی خوف
فوت روزی الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ وَلَمْ
سپاس مر خدای را که شناسانید بمن خود را و
يَتْرُكْنِي عَمْيَانَ الْقَلْبِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةِ
مرا کور دل سپاس مر خدای را که گردانید مرا از امت
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي
محمد ص سپاس مر خدای را که قرار داد روزی مرا
فِي يَدِهِ وَلَمْ يَجْعَلْهُ فِي أَيْدِي النَّاسِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي سَتَرَ
در دست خود و نگردانید آنرا در دستهای مردمان سپاس مر خدای را که پوشانید
عَوْرَتِي وَلَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ النَّاسِ و از آنجمله اینکه دعائیست
عیبهای مرا و رسوا نکرد مرا در میان مردمان که خوانده می شود بعد



از هر فریضه مروی یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ أَسْئَلُكَ بِحَقِّ
از حضرت صادق ع ای خدا ای خدا ای خدا سؤال میکنم از تو بحق
مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
آنکه حق او بر تو عظیم است اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
وَأَنْ تَرْزُقَنِي الْعَمَلَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّكَ وَأَنْ
و اینکه روزی کنی مرا عمل بانچه تعلیم کرده مرا از معرفت حق خود و اینکه
تَبْسُطَ عَلَيَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِكَ و از آنجمله اینکه دعائیست
بگسترانی بر من آنچه منع کرده از روزی خود
میخواند بعد از نماز
اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ
خداوندا بدرستیکه نیست مرا علم بجای روزی خود و جز این نیست که طلب میکنم آنرا بخیالهائی که
تَخْطُرُ عَلَى قَلْبِي فَأَجُولُ فِي طَلَبِهِ الْبُلْدَانَ وَأَنَا فِيمَا
خطور میکند بر دل من پس میگردم در طلب آن شهرها را و من در طلب
كَالْحَيْرَانِ لَا أَدْرِي أَفِي سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ أَمْ فِي
مثل حیرانم نمیدانم که آیا در هموار است یا در کوه یا در
أَرْضٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ وَعَلَى يَدَيْ مَنْ وَ
زمین است یا در آسمان یا در خشکی است یا در دریا

نسخه: مِنْ مَعْرِفَةِ

وَمِنْ قَبْلِ مَنْ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ اَسْبابَ مَزِيدِكَ وَاَنْتَ
و از پیش کیست و تحقیق که دانسته ام که سببهای آن بر نعمت است و توئی
الَّذِي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ وَتُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ اللّٰهُمَّ
آنکه قسمت میکنی آن را بلطف خود و سبب میسازی آن را برحمت خود خداوندا
فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ يا رَبِّ رِزْقَكَ لِي
پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان ای پروردگار من روزی خود را برای
واسِعاً وَمَطْلَبَهُ سَهْلاً وَمَأْخَذَهُ قَرِيباً وَلا تُعَنِّنِي
فراخ و محل طلب آن را آسان و موضع فرا گرفتن آن را نزدیک و در رنج مینداز مرا
بِطَلَبِ ما لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقاً فَاِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذابِي
بطلبیدن آنچه تقدیر نکرده برای من در آن روزی پس بدرستی که تو بی‌نیازی از عقوبت من
وَاَنا فَقِيرٌ اِلىٰ رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجُدْ
و من محتاجم برحمت تو پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بخشش کن
عَلىٰ عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَاَنْتَ
بر بنده خود بفضلت بدرستی که تو صاحب فضل بزرگی و تو
الْجَوادُ الْكَرِيمُ نقلست که هیام که قرض بر جانب ای اقربای
بخشنده کریم
خود بودم پس چون شنیدم امیدوار از

حضرت

ادای دین

حضرت کاظم ع و عمل کردم بر آن پس نیکو حال ترین اقربای خود شدم
بفضل حق تعالی **فصل هجدهم** در ادعیه ادای دین چون دام قرض و دود
بر تو دین پس بسیار استغفار کن و بسیار قرائت کن سوره حمد را
و بگو سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ
پاک است خدای بزرگ و بحمد او مشغولم طلب آمرزش میکنم از خدا و
وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ و در کتاب نثر اللآلی که مصنف آن آمدی است
سؤال میکنم او را از فضل او
مذکور است که مردی آمد بخدمت حضرت
علی ع که شکوه میکرد از دینی که بر او بود پس حضرت فرمود او را که بگو
اَللّٰهُمَّ يا فارِجَ الْهَمِّ وَمُنَفِّسَ الْغَمِّ وَمُذْهِبَ الْاَحْزانِ
خداوندا ای دفع کننده هم و دور کننده غم و برطرف کننده اندوهها
وَمُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يا رَحْمٰنَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَ
و اجابت کننده دعای بیچارگان ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان
رَحِيمَهُما اَنْتَ رَحْمانِي وَرَحْمٰنُ كُلِّ شَيْءٍ فَارْحَمْنِي رَحْمَةً
دنیا و آخرت تو بخشاینده منی و بخشاینده هر چیز پس رحم کن مرا رحمتی که
تُغْنِينِي بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَتَقْضِي بِها عَنِّي
بی‌نیاز کنی مرا بآن از رحمت هر که غیر تست و ادا کنی بآن از من

الدَّيْنَ كُلَّهُ پس اگر بوده باشد بر تو دینی مانند پری زمین از طلا ادا
دین مرا تمام آن را
ادا کند او را حق تعالی از تو و در کتاب عده الحصن
الحصین مذکور است که پیغمبر ص فرمود معاذ را که هرگاه دوست داری که قضا شود دین تو
پس بخوان این آیه را يا رَحْمٰنَ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُما تُعْطِي
الملک الی آخره و بگو
ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان دنیا و آخرت عطا میکنی
مِنْهُما مَنْ تَشاءُ وَتَمْنَعُ مِنْهُما مَنْ تَشاءُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ
از ایشان هر که را خواهی و منع میکنی از ایشان هر که را میخواهی رحمت فرست بر
وَآلِهِ وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي پس اگر بوده باشد بر تو مانند پری زمین از
و آل او و ادا کن از من دین مرا
طلا یعنی اگر باین قدر دین داشته باشی که
هر آینه حق تعالی ادا کند آن را از تو و بگو برای قضای دین ده مرتبه
در صبح و ده مرتبه در شام تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ
این آیه وافی هدایه را
توکل کردم بر زنده‌ای که نمیمیرد
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
و ستایش مر خدایرا است که فرا نگرفته است فرزندی و نبوده است او را شریکی
فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيراً
در پادشاهی و نبوده است او را دوستی از روی خواری و تعظیم کن او را تعظیم کردنی

و بگو یا

و بگوی برای قضای دین در روز جمعه و روایت شده است مطلق یعنی
در هر روز اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِي بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَاَغْنِنِي
که باشد خداوندا غنی گردان مرا بحلال خود از حرام خود و غنی ساز مرا
بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِواكَ يا حَيُّ يا قَيُّومُ و در کتاب مجتبی
بفضل خود از هر که سوای تست ای زنده ای پاینده دعاهای برگزیده
که در زیر پا گرفت مفضل بن فضاله را دینی که عاجز شد از ادای
آن بسیار میگفت يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ
این کلمات را ای صاحب بزرگواری و گرامی بحرمت ذات تو
الْكَرِيمِ اِقْضِ عَنِّي دَيْنِي پس در خواب دید قائلی را که میگفت چند
که بزرگوار است ادا کن از من دین مرا
الحاح کنی در دعا لوح نماید بادات بزرگوار
حق تعالی برو بفلان موضع و بردار از آنجا مقدار دین خود را و زیادتی
بر آن پس کرد بنحوی که دیده بود دعایش حق تعالی را حمد کرد **فصل**
نوزدهم در ادعیه بندیان و محبوسان و امثال ایشان مرویست
از حضرت صادق ع که تعلیم کرد این دعا را بمردی که در بند بود و خلاص شد
اِلٰهِي عَظُمَ الْبَلاءُ وَبَرِحَ الْخَفاءُ وَانْكَشَفَ الْغِطاءُ وَ
ای خدای من بزرگ شد بلا و ظاهر شد پنهان و برخاست پرده

الخفاء

بما رحبت

وانقطع الرجاء وضاقت الارض ومنعت السماء
و بریده شد امید و تنگ شد زمین با وجود فراخی و باز داشت آسمان
وانت المستعان واليك المشتكى وعليك المعول
و تویی یاری طلب کرده شده و بسوی تست شکوه گاه و بر تست اعتماد
في الشدة والرخاء اللهم صل على محمد وآل محمد اولي
در سختی و راحت خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد صاحبان
الامر الذين فرضت علينا طاعتهم وعرفتنا بذلك
امر آنانکه فرض ساختی بر ما فرمانبرداری ایشان را و شناسانیدی ما را بآن
منزلتهم وفرج عنا بحقهم فرجا عاجلا قريبا كلمح البصر
مرتبه ایشان را و رفع کن از ما بحق ایشان رفع کردنی زود نزدیک مانند چشم بر هم زدن
او هو اقرب يا محمد يا علي يا علي يا محمد اكفياني فانكما
یا آن نزدیکتر است ای محمد ای علی ای علی ای محمد کفایت کنید مرا پس بدرستیکه شما
كافياي وانصراني فانكما ناصراي يا مولاي يا صاحب
کفایت کنندگانید مرا و یاری دهید مرا پس شما یاری کنندگانید ای آقای من ای صاحب
الزمان الغوث الغوث ادركني سه مرتبه الساعة الساعة سه مرتبه
این زمان فریاد رس فریاد رس دریاب مرا [illegible] این ساعت

العجل

العجل سه مرتبه يا ارحم الراحمين بحق محمد وآله الطاهرين
بزودی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بحق محمد و آل او که پاکانند
و مرویست آنکه هر گاه محبوس این دعا را بخواند همان روز [illegible] فرج بخشد
حق تعالی او را يا من كفاني من جميع خلقه ولم يكفني من خلقه
از حبس — ای آنکه کفایت کرد مرا از همه خلق خود و کفایت نکرد مرا از خلق او
سواه يا احد من لا احد له انقطع الرجاء الا منك
غیر او ای یکی ای یگانه کسی که نیست او را یکی بریده شده امید مگر از تو
يا الله فاغثني يا غياث المستغيثين و در کتاب [illegible]
ای خدا پس فریاد رس مرا ای فریاد رس فریاد خواهندگان
مذکور است که میخوانند برای الهموم والاحزان اللهم اني اسئلك العفو و
بیرون آمدن از حبس این دعا را — خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بخشش و
العافية والمعافاة في الدنيا والآخرة و در کتاب
عافیت و صحت یافتن در دنیا و آخرت
مستغیثین مذکور است که مردی را بر دند بزندان پس گذشت بر دیواری که بر آن
نوشته يا وليي في نعمتي ويا صاحبي في وحدتي ويا عدتي في كربتي
است — ای ولی نعمت من و ای رفیق من در تنهایی من و ای ذخیره من در وقت اندوه من

احدکن

پس آن مرد همین دعا را مکرر میخواند پس خلاص شد و آمد پس آن
دیوار پس نیافت بر آن چیزی را که نوشته باشد و از این کتاب است
دعایی که شنید او را البته شده از ثقاتی پس خواند او را خلاص شد
يا من لا تراه العيون ولا تخالطه الظنون ولا يصفه
ای آنکه نمی بیند او را چشمها و در نمی یابد او را گمانها و وصف نمیکنند او را
الواصفون ولا تأخذه سنة ولا نوم اجعل لي من امري
وصف کنندگان و فرا نمی گیرد او را پینکی و نه خواب بگردان برای من از کار من
فرجا ومخرجا يا غياث المستغيثين ويا ارحم الراحمين
گشادگی و جای بر آمدن ای فریاد رس فریاد خواهندگان و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
پس مکرر کرد آن را سه مرتبه پس خلاص یافت بعون الله تعالی

در ادعیه علتها و بیماریها

فصل بیستم

در ادعیه بیماریها و علتها ذکر کرده است شیخ
طوسی علیه الرحمة در کتاب مصباح متهجد که هر که باشد با او علتی پس
دست بمالد موضع سجود خود را يا من كبس الارض على الماء
و بمالد بر علت و بگوید — ای آنکه گسترانید زمین را بر آب
وسد الهواء بالسماء واختار لنفسه احسن الاسماء
و بست هوا را بآسمان و برگزید برای خود بهترین نامها را

صل

صل على محمد وآله النجباء و بکن با من چنین و چنین و خلاص
رحمت فرست بر محمد و آل او که نجیبانند — مرا از فلان درد و خلاص کنه چون
بنجا رسید باید حاجت خود را طلب کند و دعا کند که حق تعالی او را شفا
دهد بهر زبان که داند اگر عربی را نداند و انه علیم و در کتاب عده
از حضرت صادق ع مرویست که بگذارد دست خود را بر محلی که آزار دارد و بگوید
الله الله ربي لا اشرك به شيئا اللهم انت لها ولكل
حق تعالی [illegible]
عظيمة ففرجها عني و از جمله ادعیه که مرویست بسم الله
[illegible] از حضرت برای همه آزارها بنام حق تعالی
وبالله كم من نعمة لله في عرق ساكن وغير ساكن على
[illegible]
عبد شاكر وغير شاكر پس میگیری ریش خود را بدست راست
بنده شکر گذارنده و غیر شکر گذارنده — بعد از نماز فریضه پس بگوی
اللهم فرج عني كربتي وعجل عافيتي واكشف ضري و جهد
[illegible] کن که
بوده باشد این با اشک و گریه و در کتاب مجتبی مذکور است که میگوید در

عني

دعای مریض اللهم انک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک

این کلمات را خداوندا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که نازل شده است بر پیغمبر

المرسل وما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم

مرسل تو و آنچه رسید شما را از مصیبت پس بسبب آنچه کسب کرده است دستهای شما

ویعفو عن کثیر اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعل

و عفو میکند از بسیاری خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان

هذا المرض من الکثیر الذی تعفو عنه وتمحو عنه

این آزار را از جمله بسیاری که عفو میکنی از آن و محو میکنی از آن

اسکن ایها الوجع وارتحل الساعة عن هذا العبد

ساکن شو ای درد و برطرف شو همین ساعت از این بنده

الضعیف سکنتک وارحلتک بالذی سکن له ما

ضعیف ساکن کردم ترا و زایل ساختم ترا بحق آنکسی که ساکن شده است از برای او آنچه

فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم پس اگر شفا یافت

در شب و روز است و اوست شنوا و دانا

مریض بکرم سبحانه فهو

المراد و الا مکرر کنی اینقدر تا برطرف شود و میگوید مصنف

این رساله که یافتم بخط شیخ شهید رحمه الله که بجهت بیماری مریض و

من الم

بخوان

بخوان حمد را هفت مرتبه اللهم ازل عنه العلل والداء واعده

و بعد از آن میگوئی خداوندا زائل گردان از او علتها و [illegible]

الی الصحة والشفاء وامدده بحسن الوقایة ورده الی

[illegible]

احسن العافیة واجعل ما ناله فی مرضه هذا مادة لحیاته

بهترین عافیت و بگردان آنچه رسیده باو از این آزار او [illegible]

وکفارة لسیئاته اللهم صل علی محمد وآل محمد پس بگو

و کفاره گناهان او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

اسئل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیک پس اگر

سؤال میکنم از خداوند بزرگوار [illegible] که شفا دهد ترا

خلاص شد

مکرر کنی حمد را تا هفتاد مرتبه بس است که به میشود ان شاء الله تعالی و گفته است

مصنف این کتاب که دیدم در کتاب دروس شیخ شهید رحمه الله که هر کس

شدید شود آزار او پس باید بخواند بر کاسه که در آن آب باشد

حمد را چهل مرتبه پس بریزد آن آب را بر خود و در کتاب طب الائمه

مذکور است این تعویذ برای هر آزاری اعوذ بعزة الله

و در جنبه مروی از حضرت صلی الله علیه وسلم پناه میبرم بعزت حق تعالی

وعزته علی الاشیاء کلها واعیذ نفسی بجبار السموات

و غلبه او بر همه اشیاء و پناه میدهم نفس خود را بجبار سازنده آسمانها

والارض واعیذ نفسی بمن لا یضر مع اسمه شیء فی

و زمین و پناه میدهم نفس خود را بکسی که ضرر نمیرساند با نام او چیزی در

الارض ولا فی السماء واعیذ نفسی بالذی اسمه برکة

زمین و نه در آسمان و پناه میدهم نفس خود را بآنکه اسم او برکت

وشفاء پس هر کس بگوید این را ضرر نرساند او را و در کتاب روضه

کلینی مذکور است که حضرت پیغمبر صلعم تب کرد پس نزد او

آمد جبرئیل علیه السلام بسم الله ارقیک یا محمد وبالله

و او را عیادت کرد بنام حق تعالی افسون میدهم ترا ای محمد و بیاری حق تعالی

اشفیک وبسم الله اداویک من کل داء یعییک بسم

شفا میدهم ترا و بنام حق تعالی دوا میکنم ترا از هر آزاری که عاجز میسازد ترا بنام

الله والله شافیک بسم الله خذها فلتهنیک بسم

خدا و حق تعالی شفا دهنده تست بنام حق تعالی فرا گیر آنرا که البته گوارا باد ترا بنام

الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرأن باذن

بخشنده مهربان پس قسم میخورم بمواقع نجوم که البته بری شوی باذن

من داء

فلتهنیک

الله تعالی و در کتاب جراح مرویست از حضرت عسکری علیه السلام

حق تعالی

که نوشته میشود و بسته میشود بر تب دار این آیه کریمه

یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم تمت مرویست

ای آتش بشو سرد و سلامت بر ابراهیم از حضرت صادق ع

که هر کز علتی و آزاری بهم نرسانیده است یکی از مؤمنان که گفته باشد

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین

و فرو میفرستیم از قرآن آنچه او شفاست و رحمت برای مؤمنان

و دست مالیده باشد بر علت مگر آنکه شفا داده است حق تعالی او را و از حضرت

باقر علیه السلام مرویست که هر کس را حمد و اخلاص نجات ندهد هیچ چیز او را

نجات نخواهد داد و هر علتی را زایل میسازد این دو سوره و در کتاب

تحریر علامه مذکور است که شکایت تمام بخدمت حضرت رضا ع

بیماری خود را و از آنکه او را فرزندی نمیشود پس امر کرد او را که بلند

کند آواز خود را باذان در منزل خود پس چنین کرد برطرف شد بیماری

او و بسیار شد فرزندانش و گفته است محمد بن راشد که همیشه علیل

بودم خود و خدمه ام چون شنیدم این را از هشام عمل کردم بآن

پس زایل شد از من و از عیال من بیماری و در دروس شیخ شهید

مذکورست که مریض مسکین را و نزد خود ظرفی کند و رو کنندم تا شد میده آنرا
بسائل از دست خود و وام مسکین آن سائل را که دعا کند او را بس
عافیت می یابد بزودی ان شاء الله تعالی و گفته است که دعا در حال سجود
زایل میسازد علتها را و مالیدن دست بر سجده گاه پس مسح کردن
بدان دست بر آن علت هم چنین است عافیت می یابد ان شاء الله تعالی

فصل بیست و پنجم در ادعیه کم شده و گریخته مرویست از حضرت
امیر المومنین عم که هر که بکریزد او کظلمات فی بحر لجی یغشیه
چیزش پس باید بخواند این آیه را یا مانند ظلماتی در دریای عمیق که بپوشد آنرا
مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا
موجی از بالای او موجی از بالای او ابری تاریکیهاست بعضی بر
فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ
بالای بعضی که هر گاه بیرون آورد دست خود نشاید که ببیند آنرا و هر که قرار نداده
اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ نقل کرده است ابن بیدیر از اصحاب
حق تعالی برای او نور را پس نیست او را نوری خواص القرآن و مرویست از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمودند بحضرت فاطمه
علیها السلام که هر گاه نازل شود بشما مصیبتی یا برسید از جور سلطانی

یا کم شود

یا کم شود از شما حیوانی یا هر چیز پس بکوشید و ساز کنید و بگذارید دو
رکعت نماز و بلند کنید دستهای خود را با آسمان و بگویید
يَا عَالِمَ الْغَيْبِ وَالسَّرَائِرِ يَا مُطَاعُ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا اللهُ
ای دانای پنهان و پوشیدها ای اطاعت کرده شده ای غالب ای دانا ای خدا
يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ
ای خدا ای گریزاننده گروهها بسبب محمد صم
عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا كَائِدَ فِرْعَوْنَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَا
ای کید کننده فرعون بسبب موسی ع وای
مُنْجِيَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَيْدِي الظَّلَمَةِ يَا مُخَلِّصَ قَوْمِ
نجات دهنده عیسی عم از دستهای ستمکاران ای خلاص کننده قوم
نُوحٍ مِنَ الْغَرَقِ وَيَا رَاحِمَ عَبْرَةِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
نوح از غرق شدن و ای رحم کننده آب چشم یعقوب که بود از درد
يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُنْجِيَ ذِي النُّونِ مِنَ
ای برطرف کننده مرض ایوب عم ای نجات دهنده یونس عم از
الظُّلُمَاتِ الثَّلَاثِ يَا فَاعِلَ كُلِّ خَيْرٍ يَا هَادِيًا إِلَى كُلِّ خَيْرٍ يَا
تاریکیهای سه گانه ای فاعل آورنده هر نیکی ای راه نماینده بهر چیزی ای

دَالًّا عَلَى كُلِّ خَيْرٍ يَا أَهْلَ كُلِّ خَيْرٍ يَا خَالِقَ الْخَيْرِ أَنْتَ أَهْلُ
دلالت کننده بهر چیزی ای صاحب هر چیزی ای آفریننده چیز تویی سزاوار
الْخَيْرِ أَنْتَ اللهُ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيمَا قَدْ عَلِمْتَهُ وَأَنْتَ
چیز تویی خدا رغبت کردم بسوی تو از آنچه که دانسته آنرا و تویی
عَلَّامُ الْغُيُوبِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
دانای پنهانیها سوال میکنم ترا آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
پس بخواه حاجت خود را قضا می شود ان شاء الله تعالی و مرویست از
حضرت علی عم که هر کس کم شود از وی چیزی پس باید بخواند سوره یس را
در دو رکعت نماز و بگوید بعد از فارغ شدن از نماز یا هَادِيَ
الضَّالَّةِ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي و میگوید در دعای اَللّٰهُمَّ یا
کم شده بر گردان بر من کم شده مرا گمشده و گریخته
هَادِيَ الضَّالِّ وَرَادَّ الضَّالَّةِ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ
راهنمای گمشده و بر گرداننده کم شده سوال میکنم ترا بعزت تو و
سُلْطَانِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ
پادشاهی تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بر گردانی بر من
ضَالَّتِي يَا تَمَامًا مِنْ عَطَائِكَ وَفَضْلِكَ وَرِزْقِكَ
کم شده مرا همه آن از عطای تو و فضل تو و روزی تست

عطا یا لک

و میخواند

و میخواند نیز برای یا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَكْتُومٌ وَلَا يَشِذُّ
کم شده امید عارا ای آنکه پوشیده نیست بسوی او پوشیده و بیرون نمیرود
عَنْهُ مَعْلُومٌ وَلَا يُغَالِبُهُ مُمْتَنِعٌ وَلَا يُطَاوِلُهُ رَفِيعٌ ارْدُدْ
از علم او معلومی و غالب نمیشود او را بنده و مقاومت نمیکند او را بلندی بر گردان
عَلَيَّ بِقُدْرَتِكَ مَا فِي قَبْضَتِكَ إِنَّكَ أَهْلُ الْخَيْرَاتِ
بر من بقدرت خود آنچه در قبضه قدرت تست بدرستیکه تو اهل نیکیها

خاتمه گفته است مولف این کتاب که یافتم بخط شیخ شهید قدس الله روحه
آنکه خوانده می شود بر ضایع شده سوره والعادیات و یافتم در کتاب
طریق النجات آنکه خوانده می شود سوره عبس و یافتم در بعض کتب
اصحاب ما آنکه استغاثه نمودن با براهیم بن ادهم تجربه شده است برای
برگشتن ضایع شده و دیدم در کتاب حیوة الحیوان که گفته است چون
ضایع شود از تو چیزی یعنی کم شود و خواهی که جمع کند حق تعالی میان تو
و میان آن چیز یا میان یا جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان
تو و میان شخص پس بگو ای جمع کننده مردمان برای روزی که نیست شکی در آن بدرستیکه
اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ اجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ كَذَا یعنی جمع کن میان
حق تعالی خلف نمیکند وعده را جمع کن میان من و میان فلان چیز من و میان فلان چیز

لیس ...

ادعیهٔ امن شدن از سلطان

و بجای اسم آن را باید گفت پس بتحقیق که جمع میکند حق تعالی میان تو و
میان آن جبران انشاء الله تعالی فصل بیست و دوم در ادعیه امن
شدن از سلطان یعنی از حاکمان مرویست از حضرت کاظم ع
که محبوب میشود نزد غیر که محفوظ میکردند بهم مردم بسم الله الرحمن الرحیم
و قل هو الله احد تا آخر بخوان این را از جانب راست خود و از جانب
چپ خود و از پیش روی خود و از پشت سر خود و از زیر پای خود و از
بالای سر خود هر گاه داخل شوی بر سلطان جابری پس بخوان این را
در وقتی که نظر میکنی بجانب او سه مرتبه و عقد کن دست چپ خود را پس
انهم و امکن دست خود را تا بیرون آیی از نزد او گفته است این را
ابن فهد در عدة الداعی و در کتاب طب الائمه مرویست از حضرت کاظم ع
که هر گاه داخل شوی بر سلطان جابری که بترسی از و پس بگو چون
نظر کنی او را یا من لا یضام و لا یرام و به تواصلت الارحام
صل علی محمد
و آل محمد و اکفنی شره و در کتاب دفع الهموم و الاحزان
مذکور است که هر گاه بترسی از
سلطان یا غیر او پس بگو در روی او حسبی الله لا
کافیست مرا خدا است

اله

الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و از جمله آنست که
معبودی بجز او ... بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ
بگوید در املکت غضبک یا فلان بلا اله الا الله
روی او
و از جمله آنست که بگوید الله الله ربی لا اشرک به شیئا
چون بترسی از و مکرر
پس ضرر نمیرساند او را و از جمله آنست که بخوانی در روی او این آیه
کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز و از
الجمله
آنست که چون بترسی از و و ینجی الله الذین اتقوا بمفازتهم
پس بخوان در روی او
لا یمسهم السوء و لا هم یحزنون و در کتاب مهج الدعوات
مذکور است که عرض شد
بخدمت حضرت صادق ع که بچه چیز محفوظ شدی تو از شر منصور وقتی
که بروی داخل شدی یعنی در وقتی که ترا برای آنکه شری برساند
طلبیده بود نزد وی رفتی چون شد که آسیبی بتو نرسید حضرت

فرمود بیاری حق تعالی و بقراءت سوره انا انزلناه و بعد از قراءت گفتم
یا الله هفت مرتبه اتشفع الیک بمحمد صلی الله علیه و
و آله ان تغلبه لی پس هر کس مبتلا شود بمثل این باید چنان
کند که من کردم یعنی سوره و دعا را بخواند
و اکثر آنست که ما میخوانیم این سوره را و امر میکنیم شیعه خود را بقراءت
آن هر آینه مردم ایشان را الکه گوش میکردند و لیکن این سوره که ... ماست که
پناه ایشان است که ایشان را حفظ میکند تتمه هر کس داخل شود
بر سلطانی که از و ترسد پس باید بخواند چون برابر او آمد کهیعص را
و بهم گذارد انگشتان دست راست خود را که بهر حرفی یک انگشت را
عقد کند پس بخواند حمعسق را و بهم گذارد انگشتان دست چپ را
همچنین یعنی بهر حرفی یک انگشت را عقد کن پس بخواند این آیه را
و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما
پس فتح کند انگشتان خود را در روی او کفایت کرده میشود شر آن
سلطان انشاء الله تعالی فصل بیست و سیم در ادعیه انتقام نقل

ادعیهٔ انتقام

کرده است

کرده است زمخشری در کتاب ربیع الابرار که مردی شکایت کرد بخدمت
حضرت امام حسن ع از مردی که ظلم کرده بود بر او پس گفت او را چون
نماز مغرب کردی یعنی بگذاردی بعد از آن دو رکعت نماز پس سجده کن و بگو
یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز اذللت بعزتک
جمیع من خلقت صل علی محمد و آل محمد و اکفنی مؤنة
فلان بما شئت و بجای فلان اسم آن شخص ظالم را بگوید زمخشری
گفته است که چون بفرمود عمل کرد پس مشعر نشد
مگر آنکه آواز نوحه از خانه آن ظلم کننده برخواست و در کتاب
بعضی سیر الائمه علیهم السلام مذکور است که حضرت صادق ع نفرین کرد
بر داود بن علی چون آزاد کرده آنحضرت معلی بن خنیس را بقتل رسانیده
بود پس گفت یا ذا القوة القویة و القدرة الازلیة یا
در سجود خود
ذا المحال الشدید و النصر العتید و یا ذا العزة التی کل



حیوة مذکور است که هر که بخواند سورهٔ فیل را در مدت ده روز پی در پی
هر روز هزار مرتبه و قصد کند بسوی شهری که منظور رو است در باطن
و در روز دهم بنشیند در آب اللهم انت الحاضر المحیط
جاری و بخواند این دعا را خداوندا تویی حاضر احاطه کننده
بمکنونات السرائر و الضمائر اللهم کثر الظالم و قل
به پنهان شده های دلها و باطنها خداوندا بسیار است ستمکار و کم است
الناصر و انت المطلع العالم اللهم ان فلانا ظلمنی
مددکار و تویی آگاه و دانا خداوندا بدرستی که فلان ستم کرد بمن
و آذانی و لا یشهد بذلک غیرک اللهم انک مالکه
و آزار رسانید مرا و شاهد نیست بر آن غیر تو خداوندا بدرستیکه تو مالک اویی
فاهلکه اللهم سربله سربال الهوان و قمصه
پس هلاک گردان او را خداوندا بپوشان او را جامهٔ خواری و خلعت ده او را
بقمیص الرداء پس بگو اللهم اقصعه ده مرتبه پس بگو
بجامهٔ ... خداوندا ... او را
فاخذهم الله بذنوبهم و ما کان لهم من الله من واق
پس گرفت ایشان را الله بگناهان ایشان و نیست ایشان را از خدا نگاه دارنده

بسم الله

پس بدرستی که بدان شخص رسید هلاک در همان روز انشاء الله تعالی و در کتاب
وسائل مذکور است که بعض صلحا در زمرهٔ بعض سلاطین بود یعنی در
خدمت او بسر برد پس ترسید از وی بر نفس خود و مایوس شد
با وجود آن از حیوة خود پس در خواب دید که گویا قائلی میگوید او را بر تو
بقراءت سورهٔ فیل در یکی از دو رکعت نماز صبح پس چنین کرد پس کفایت
شد دشمن او در مدت اندکی ظاهر الغیب بر طرف شد تتمه نماز استغاثه
که برای طلب هلاک شخص میکنند مروی از حضرت صادق علیه السلام دو رکعت
است که طول بدهی رکوع و سجود آنها را پس بگذار روی خود را
بعد از سلام بر زمین و بگو یا دناه تا یا من اهلک عادا
قطع شود نفس تو و بعد از آن بگو ای آنکه هلاک ساخت قوم عاد
الاولی و ثمود فما ابقی و قوم نوح من قبل انهم کانوا
پیشین را و قوم ثمود را پس باقی نگذاشت و قوم نوح را از پیش بدرستی که ایشان بودند
هم اظلم و اطغی و المؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی
ایشان ظالم تر و طاغی تر و مؤتفکه را سرنگون ساخت پس پوشانید آنرا آنچه پوشانید
ان فلان بن فلان ظالم فیما ارتکب منی فاجعل علی
بدرستی که فلان پسر فلان ستم کننده است در آنچه مرتکب شده است از من پس بگردان ...

ظلمنی

مِنْكَ عَدَدًا وَلا تَجْعَلْ لَهُ فِي خَلْقِكَ نَصِيبًا يَا أَقْرَبَ
[illegible] از نزدیکی
الْأَقْرَبِينَ و از حضرت علی ع مرویست که مظلوم دو رکعت نماز
نزدیکان
میکند و طول میدهد رکوع و سجود آنها را پس چون
سلام گفت هزار مرتبه بگوید اللّهمّ انّی مغلوبٌ فانتصر
بتحقیق که حق تعالی بزودی او را نصرت دهد
[illegible]
در ادعیه اسم اعظم بدانکه اقوال علما در باب اسم اعظم و
روایات احادیث از آن متجاوز است که در کتاب مستقلی یا در دفتر موافقی
نگارش داشته باشد و ما ذکر میکنیم از جمله قدری را متعلق مروی از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله و از ائمه معصومین علیهم السلم اول قول بعضی است
که اسم اعظم الله است زیرا که مشهورترین اسمای الهی است و در ذکر
دعا علل آن بالاتر است و دیگر کرده [illegible] از سایر اسماء مخصوص بآن
شد کلمهٔ اخلاص یعنی لا اله الا الله و باین وارد شده است شهادت یعنی
اشهد ان لا اله الا الله و شیخ احمد بن فهد رحمه الله در کتاب عدّه خود
گفته است که این قول بسیار قریب است دویم آنکه اسم اعظم در مصحف
مذکور است یک سیم آنکه در جملهٔ اسماء حسنی است و اسماء حسنی نود و نه

ازین

ازین [illegible] ان شاء الله تعالی چهارم آنکه آن یا حیّ یا قیّوم است که
بزبان عبرانی اهیّا شراهیّا باشد پنجم آنکه آن الله الحیّ
القیّوم است ششم آنکه آن ذو الجلال والاکرام است
هفتم آنکه آن در بسم الله الرحمن الرحیم است هشتم آنکه آن
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام است
نهم آنکه آن در سه آیهٔ آخر سورهٔ حشر است دهم آنکه آن در آیهٔ
ملک است یازدهم آنکه آن در سه سوره است در سورهٔ بقره آیة الکرسی
و در سورهٔ آل عمران الم الله لا اله الا هو الحیّ القیّوم و در سورهٔ
طه وعنت الوجوه للحیّ القیّوم دوازدهم آنکه آن لا اله
الا هو الرحمن الرحیم است سیزدهم ذکر کرده است ابن بحار در
کتاب [illegible] خود که اسم اعظم در قول الم الله لا اله الا هو الحیّ القیّوم است
چهاردهم ذکر کرده است طبرسی در کتاب جوامع خود که در دعای آصف
بن برخیاست که وزیر سلیمان علیه السلم و همشیره زاده او بود و بسبب آن حاضر
ساخت تخت بلقیس را یا الهنا و اله کل شیء الها واحدا لا اله
[illegible]
الا انت پانزدهم ذکر کرده است قضاعی در کتاب دستور خود که

اسم اعظم در اول سورهٔ حدید و در آخر سورهٔ حشر است پس بردارد دستهای
خود را یعنی چون آیات مذکوره را خواندی دست بردار و بگوی
یا من هو هکذا اسئلک بحقّ هذه الاسماء ان تصلّی
علی محمّد و آل محمّد و سؤال کن حاجت خود را شانزدهم ذکر کرده است
صاحب کتاب فوائد الجلیله اللهم انت الله لا اله الا انت یا
که اسم اعظم در این کلمات [illegible]
ذا المعارج والقوی اسئلک بسم الله الرحمن الرحیم
[illegible]
وبما انزلته فی لیلة القدر ان تجعل لی من امری فرجا
[illegible]
ومخرجا واسئلک ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان
[illegible]
تغفر لی خطیئتی وتقبل توبتی یا ارحم الراحمین
[illegible]
هفدهم ذکر کرده است محمد بن الحسن الصفار در کتاب فضل الدعا
آنکه حضرت صادق ع فرمود بعض اصحاب خود را که آیا تعلیم نکنم

اسم

اسم اعظم را گفت بلی تعلیم کن مرا فرمود بخوان سورهٔ حمد و توحید
و آیة الکرسی و سورهٔ قدر را پس رو بقبله دعا کن بآنچه دوست
داری هجدهم ذکر کرده است شیخ مفید در کتاب تبصرهٔ خود که
اسم اعظم در سورهٔ فاتحه است و بدرستی که آن اگر خوانده شود بر میت
هفتاد مرتبه پس برگردد بجسد او روح و زنده شود عجب نخواهد بود و در حقیقت
استبعادی ندارد نوزدهم در کتاب [illegible] مرویست که آن اسم
در این دعاست اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا
[illegible]
انت یا منّان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال
[illegible]
والاکرام بیستم در کتاب تحصیل ذکر شده اللهم انی اسئلک
است که آن در همین دعاست [illegible]
بانک انت الله الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد
[illegible]
ولم یکن له کفوا احد بیست و یکم آنکه آن در دعای یوشع
بن نون است که برگشت آفتاب برای او

اللهم انی اسئلك باسمك الطهر الطاهر المقدس المبارك
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بحق نام تو که پاکیزه و پاک است و پاکیزه مبارک
المخزون المكنون المكتوب على سرادق العرش وسرادق
خزانه کرده شده پنهان نوشته شده بر سراپرده عرش و سراپرده
المجد وسرادق القدرة وسرادق السلطان وسرادق
بزرگی و سراپرده قدرت و سراپرده سلطنت و سراپرده
السرائر وادعوك يا رب بان لك الحمد لا اله الا انت
پوشیده و میخوانم ترا ای پروردگار بآنکه ترا است حمد نیست خدائی جز تو
النور البارئ الرحمن الرحيم الصادق عالم الغيب والشهادة
نور بخش آفریننده بخشنده مهربان صادق داننده پنهان و آشکارا را
بديع السموات والارض ونورهن وقيامهن ذو الجلال
پدید آورنده آسمانها و زمین و نور آسمان و زمین و برپا دارنده ایشان صاحب بزرگی
والاكرام حنان نور دائم قدوس حي لا يموت
و کرامت مهربان نور دائم پاک زنده که نمیمیرد
بیست و دوم اسم اعظم اللهم انی اسئلك بمعاقد العز
در سید عامذرج است خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بحق جایهای عزت

من عرشك

من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك
از عرش تو و بمنتهای رحمت از کتاب تو و باسم اعظم
الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات بیست و سیم
تو و بزرگواری بلندتر تو و بکلمه های تمام تو اسم آن
در این اللهم انی اسئلك باسمائك الحسنى ما علمت
دعا است خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بحق نامهای نیکوی تو آنچه دانسته ام
منها ومالم اعلم واسئلك باسمك العظيم الذي اذا دعيت
از آنها و آنچه ندانسته ام و سوال میکنم ترا بحق نام بزرگ تو که چون خوانده شوی
به اجبت واذا سئلت به اعطيت فان لك الحمد لا
بآن اجابت میکنی و چون سوال کرده شوی بآن عطا میکنی پس بدرستی که تراست حمد نیست
اله الا انت المنان بديع السموات والارض يا ذا الجلال
خدای جز تو عطا کننده پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب بزرگی
والاكرام بیست و چهارم در کتاب اغاثة الداعی مذکور است یا الله یا
و بزرگی که آن اسم در این دعای عظیم المضامین است ای خدا ای
یا الله یا الله وحدك وحدك لا شريك لك انت
ای خدا ای خدا تنها تنها نیست شریکی مر ترا تو [illegible]

المنان بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام
عطا کننده پدید آورنده آسمانها و زمین صاحب بزرگی و کرامت
وذو الاسماء العظام وذو العزة التي لا ترام والحكم اله
و صاحب نامهای بزرگ و صاحب غلبه که طلب کرده نمیشود [illegible] خداوند
واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد
یکتا نیست خدای بجز او بخشنده مهربان و رحمت فرستد خدا بر محمد
وآله اجمعين بیست و پنجم اسم اعظم در این عبارت است
و آل او همگی کن و بگو یا الله سه مرتبه یا رحمن سه مرتبه یا نور
سه مرتبه یا ذا الطول یا ذا الجلال والاكرام بیست و ششم
ذکر کرده است [illegible] ابن ابی قره
در متهجد خود که آن اسم در این عبارت که میگوئی سه مرتبه یا نور یا
قدوس و سه مرتبه یا حی لا یموت و سه مرتبه یا حی حین لا حی
لا اله الا انت و سه مرتبه اسئلك بلا اله الا انت و سه مرتبه
اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم العزيز المبين
بیست و هفتم کفعمی گفته [illegible] در سید عبارت یا هو یا هو
یا من لا یعلم ما هو الا هو تتمه در کتاب [illegible] حضرت

صادق

صادق علیه السلم مرویست که اسم اعظم هفتاد و سه حرف کرده شده عطا شد
بآدم ع بیست و پنج حرف و عطا شد بنوح ع پانزده حرف و عطا شد بابراهیم
علیه السلم هشت حرف و عطا شد بموسی ع چهار حرف و عطا شد بعیسی ع
دو حرف که بآن دو حرف مرده زنده میکرد و کور مادرزاد و پیس را
شفا میداد باذن حق تعالی و عطا شد بحضرت محمد صلعم هفتاد و دو حرف و
برگزیده است حق تعالی یکحرف را یعنی آن یکی مخصوص حق تعالیست که به هیچ کسی
عطا نشده است والله اعلم فصل بیست و پنجم در ادعیه انبیا علیهم السلم
دعای آدم ع ذکر کرده است شیخ طبرسی در جوامع خود که کلمات که تلقی
کرد آدم ع از پروردگار خود که قبول کرد توبه او را آن کلمات است
ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن
من الخاسرين و قولی شده است که هست الهی لا اله الا
انت انی ظلمت نفسی فاغفر لی فانه لا ای خدای نیست خدای
جز تو بدرستیکه من ستم کردم خود را پس بیامرز مرا زیرا که يغفر الذنوب
الا انت و قولی شده است که آن اسماء اصحاب [illegible]
جز تو کسا و پنج آل عباست دعای نوح ع مرویست
که آنحضرت چون نظر کرد بسوی هول آب و امواج آن در کشتی هم

الا انت

ورعب بر سید پس وحی کرد حق تعالی بسوی او که بگو لا اله الا الله هزار
مرتبه پس گفت آن را پس ساکن شد بیم او و نجات بخشید حق تعالی او را دعای
ابرهیم ع و این همان دعای معجز حکم است در سوره احد و زود باشد که
بیاید انشاء الله تعالی دعای یعقوب ع که چون این دعا را خواند طلوع
نکرد صبح تا که آمد نزد او پیراهن یوسف علیه السلم و آن اینست یا ذا
المعروف الدائم الذی لا ینقطع معروفه ابدا و لا یحصیه
ای صاحب نیکویی دائم که منقطع نمیشود نیکویی او هرگز و احصا نمیکند او را
غیره دعای حضرت یوسف ع ذکر کرده است علی بن ابرهیم در تفسیر
غیر او
خود که چون این دعا را خواند در چاه کرد حق تعالی برای او
از چاه فرجی و از کید زنان مخرجی و او را ملک مصر نمود از جهتی که گمان نمیبرد
اللهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت المنان
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا باینکه از تست حمد نیست خدایی جز تو عطا کننده
بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام ان تصلی
پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب بزرگواری و نوازش که رحمت کنی
علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی من امری فرجا و مخرجا
بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی برای من از کار من گشایشی و راه بیرون روی

وان

ابدا

بدرحوب

فان ترزقنی من حیث احتسب و من حیث لا احتسب
و اینکه روزی دهی مرا از هر جا که گمان میبرم و از هر جا که گمان نمیبرم
و در کتاب زبدة البیان مذکور است که چون یوسف ع گذاشت رخ خود را
در چاه بر زمین اللهم ان کانت ذنوبی قد اخلقت وجهی
و گفت در آن حال خداوندا اگر هست که گناهان من بتحقیق کهنه کرده است روی مرا
عندک فانی اتوجه الیک بوجوه آبائی الصالحین ابرهیم
نزد تو پس بدرستیکه من رو میآورم بسوی تو بسبب روهای پدران شایسته خود ابرهیم
و اسمعیل و اسحق و یعقوب پس عرض شد که از حضرت صادق
و اسمعیل و اسحق و یعقوب ع
علیه السلم که آیا ما این دعا را بخوانیم
فرمود بلکه همچنین بخوانید که اللهم ان کانت ذنوبی قد اخلقت
وجهی عندک فانی اتوجه الیک بوجه نبیک نبی الرحمة
و علی و فاطمة والحسن والحسین والائمة علیهم السلام
و سؤال کن حاجت خود را و در کتاب سلاح مذکور است که حضرت یوسف ع
این دعا خواند یا صریخ المستصرخین و یا غوث المستغیثین
در میان چاه ای فریاد رس فریاد خواهان و ای پناه دهنده پناه جویان
و یا مفرج کرب المکروبین قد تری مکانی و تعرف
و ای زایل کننده غم اندوهناکان همی بینی مکان مرا و میشناسی

حالی و لا یخفی علیک شیء من امری و در کتاب مجتبی است که
حال مرا و مخفی نیست بر تو چیزی از امر من
آنحضرت این دعا را در چاه خواند
یا لطیفا فوق کل لطیف الطف بی فی جمیع احوالی
ای لطف کننده بالادست هر لطف کننده لطف کن با من در همه احوال من
بما تحب و ترضی فی دنیای و آخرتی دعای هود علیه السلم
بانچه دوست میداری و میپسندی در دنیای من و آخرت من
مروی است از حضرت
پیغمبر ص که دعا نکرده باین بنده مؤمنی مگر حق تعالی برای او استجابت نمود
ما علیک یا رب لو ارضیت عنی کل من له قبلی تبعة
چیست بر تو یا پروردگار اگر راضی گردانی از من کسی را که برای او نزد من بود حقی
و غفرت لی ما بینی و بینک و ادخلتنی الجنة فان
و بیامرزی برای من آنچه میان من و تست و داخل سازی مرا به بهشت پس بدرستیکه
مغفرتک للظالمین و انا من الظالمین دعای حضرت
آمرزش تو برای ستمکاران است و من از ستمکارانم
موسی ع اینست
لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات
نیست معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار منزه است حق تعالی که پروردگار آسمانهای
السبع و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین
هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ است و ستایش خداوندی راست که پروردگار عالمیانست

اللهم

اللهم انی ادرأ بک فی نحره و اعوذ بک من شره و
خداوندا بدرستیکه من دفع میکنم بسبب تو دشمن را و پناه میبرم بتو از شر او و
استعینک علیه فاکفنیه بما شئت دعای یوشع بن نون ع
و یاری میجویم از تو بر او پس کفایت کن او را از من بهر چه خواهی
و سابقا مذکور شد و اما
دعای دیگر هست مروی در فصل یازدهم دعای حضرت الیاس و خضر علیهما السلم
نیز در فصل دوازدهم مذکور شد و حضرت خضر را نیز دعای دیگر است
که در فصل اول گذشت دعای حضرت یونس علیه السلم مروی از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله که من میدانم کلمه که نگوید آن را محنت زده مگر
حق تعالی بردارد از او و فرج بخشد او را از آن محنت و نخواند آن را بنده
مسلمانی مگر آنکه مستجاب شود برای او و همین دعای برادرم یونس
ع است که حق تعالی از او لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
حکایت کرده در قول خود نیست خداوندی جز تو منزهی تو بدرستیکه من گشتم از
الظالمین و نقل کرده است شیخ طبرسی که قوم یونس اللهم ان
ستمکاران چون از نزول عذاب ترسیدند گفتند خداوندا بدرستیکه
ذنوبی قد عظمت و جلت و انت اعظم منها و اجل فافعل
گناهان من بزرگ است و بسیار است و تو بزرگتر از آنهایی و بزرگوارتر پس بکن

بِنا ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَلا تَفْعَل بِنا ما نَحْنُ اَهْلُهُ و ذکر کرده است
با ما آنچه که تو سزاوار آنی و مکن با ما آنچه ما سزاوار آنیم

جوامع

در مجمع خود
که قوم یونس یا حَیّاً حینَ لا حَیَّ یا مُحْیِیَ المَوْتیٰ یا حَیُّ لا اِلٰهَ
گفتند ای زنده‌ای که هیچ زنده نبود و زنده‌کننده مردگان ای زنده که نیست خداوند
اِلّا اَنْتَ پس برطرف شد از ایشان عذاب دعای حضرت داود علیه السلام
بجز تو
مرویست که آنحضرت حمد حق تعالی نمود باین تحمید و حی کرد
حق تعالی بسوی او که بتحقیق که بتعب افکندی حفظه را یعنی در نوشتن ثواب آن
تحمید اَللّٰهُمَّ لَكَ الحَمْدُ دائِماً مَعَ دَوامِكَ وَلَكَ الحَمْدُ
این است خداوندا ترا است سپاس دائم با دوام تو و ترا است حمد
باقِیاً مَعَ بَقائِكَ وَلَكَ الحَمْدُ خالِداً مَعَ خُلُودِكَ وَلَكَ
پاینده با پایندگی تو و ترا است حمد همیشه با خلود تو و ترا است
الحَمْدُ كَما یَنْبَغی لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلالِكَ یا ذَا الجَلالِ وَالاِكْرامِ

وجهك
ذات ترا

حمد چنانکه سزاوار است مر بزرگواری وجه تو و عزت بزرگی تو ای صاحب بزرگواری و بزرگی
دعای حضرت سلیمان علیه السلام مرویست که آنحضرت این دعا را بعد از فتح خواندی مخفی
اَللّٰهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَیْتُ وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَیْتُ وَ
خداوندا بنور تو راه یافتم و بفضل تو توانگر شدم و

بنعمتك

بِنِعْمَتِكَ اَصْبَحْتُ وَاَمْسَیْتُ هٰذِهِ ذُنُوبی بَیْنَ یَدَیْكَ اَسْتَغْفِرُكَ
و بنعمت تو صبح و شام کردم اینست گناهان من که نزد تو ظاهر است آمرزش میخواهم
مِنْها وَاَتُوبُ اِلَیْكَ دعای آصف برخیا سابقا در فصل گذشته مذکور شد
از آنها و توبه میکنم بسوی تو دعای حضرت عیسی علیه السلام ذکر کرده است
راوندی در قصص خود که چون جمع شدند یهود بر حضرت عیسی علیه السلام که آنحضرت را
بقتل آورند نازل شد حضرت جبرئیل علیه السلام پس پوشانید آنحضرت را بیال
خود و در آنوقت در باطن ادا نمود عالیه دعا پس خواند آنرا پس مرفوع ساخت
او را حق تعالی بسوی خود و بخواند آنرا بنده از روی اخلاص مگر عرش
بلرزد و فرماید حق تعالی ملائکه را که شاهد شوید باینکه من مستجاب کردم
برای این بنده خود و عطا کردم او را آنچه سؤال کرده حالا در دنیا
و بعد ازین در آخرت و این اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ بِاسْمِكَ
مرویست از حضرت پیغمبر صلعم و دعا است خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بحق نام
العَظیمِ الواحِدِ الاَعَزِّ وَاَدْعُوكَ اَللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ الصَّمَدِ
بزرگ یگانه عزیز تو و میخوانم ترا خداوندا بحق نام تو که بی‌نیاز است
وَاَدْعُوكَ اَللّٰهُمَّ بِاسْمِكَ العَظیمِ الوِتْرِ وَاَدْعُوكَ اَللّٰهُمَّ
و میخوانم ترا خداوندا بحق نام تو که عظیم بی‌همتا است و میخوانم ترا خداوندا

بامسك

بِاسْمِكَ الكَبیرِ المُتَعالِ الَّذی هُوَ اَثْبَتَ اَرْكانَكَ كُلَّها
بحق نام بزرگ بلند مرتبه تو که آن محکم گردانید همه ارکان ترا
اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنّی ما اَصْبَحْتُ وَ
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه دفع کنی از من آنچه صبح کرده‌ام
اَمْسَیْتُ فیهِ دعای پیغمبر ما محمد مصطفی صلعم ادعیه آنحضرت
و شام کرده‌ام در آن مشهور است زیاده از حد حصر و چرا چنین نباشد
که منبع همه دعاها آنحضرت و ماخذ آنها از دست و ثواب آنها برای آن
و مستجاب شدن آنها بسبب اوست و صلوات آنها برای اوست و محل قرار
آنها با اوست و مرجع آنها بسوی اوست و ذکر میکنیم ما چند علی
شریف مختصر آنحضرت صلعم از آنجمله دعائیست که ذکر کرده است
قضاعی در کتاب شهاب خود که اینده عالی آنحضرت صلی الله علیه و آله
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لا یَنْفَعُ وَقَلْبٍ لا یَخْشَعُ
خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از علمی که نفع نرساند و دلی که فروتنی نکند
وَدُعاءٍ لا یُسْمَعُ وَنَفْسٍ لا تَشْبَعُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ
و دعائی که شنیده نشود و نفسی که سیر نشود و پناه میبرم بتو از شر
هٰؤُلاءِ الاَرْبَعِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَضِلَّ اَوْ
این چهار چیز خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از آنکه گمراه شوم یا

اضل

اُضَلَّ اَوْ اَذِلَّ اَوْ اُذَلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ اَجْهَلَ اَوْ یُجْهَلَ
گمراه کنم یا ذلیل شوم یا ذلیل کنم یا ستم کنم یا ستم دیده شوم یا نادانی کنم یا مجهول شوم
عَلَیَّ و از آنجمله دعائیست که آنحضرت در غار خوانده و مرویست از
بر من از آنجناب که هر کس بخواند آنرا البته فریاد او رسد حق تعالی چنانکه
بفریاد من رسید و عطا کند او را ثواب هزار پیغمبر و دعا اینست
یا مُونِسَ المُسْتَوْحِشینَ وَیا اَنیسَ المُتَفَرِّدینَ وَیا ظَهْرَ
ای مونس وحشت‌زدگان و ای رفیق تنهاماندگان و ای پشت و پناه
المُنْقَطِعینَ وَیا قُوَّةَ المُسْتَضْعَفینَ وَیا كَنْزَ الفُقَراءِ

ویا کنز الفقراء

بریده‌شدگان و ای قوت ضعیف شمرده‌گان و ای گنج بی‌چارگان
وَیا مَوْضِعَ شَكْوَی الغُرَباءِ وَیا مُتَفَرِّداً بِالجَلالِ وَیا

متفرداً

و ای محل شکوه غریبان و ای یگانه در بزرگواری و ای
مَعْرُوفاً بِالنَّوالِ وَیا كَثیرَ الاِفْضالِ اَغِثْنی عِنْدَ كُرْبَتی وَ
معروف ببخشش و عطا و ای بسیار احسان بفریاد رس مرا در وقت اندوه من و
صَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعینَ و از آنجمله اینده عالیست که آنحضرت
رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او همه
در روز بدر اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فی كُلِّ كَرْبٍ وَاَنْتَ رَجائی

کرب

خوانده اند خداوندا تو اعتماد منی در هر اندوه و تو امید منی

فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فَكَمْ
در هر سختی و تو مرا در هر بلایی که فرود آید بر من پناهی و ذخیره ای پس بسیار
مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ
از غمها که ضعیف میشود بسبب آن دل و نایاب میگردد در آن حیله و
يَخْذُلُ عَنْهُ الْمَرْءُ وَيَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَعْيَا فِيهِ الْأُمُورُ
[illegible] شماتت میکند بسبب آن دشمن و سخت میشود در آن کارها
أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِباً فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ
که فرود آوردم آنرا بتو و شکوه کردم آنرا بسوی تو رو برتافتم در آن از غیر تو
فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ عَنِّي وَكَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ
پس گشودی آنرا و برداشتی آنرا از من و کفایت کردی مرا از آن پس تو صاحب هر نعمتی
وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً
و مالک هر حاجتی و منتهای هر رغبتی پس ترا است حمد بسیار
وَلَكَ الْمَنُّ فَاضِلاً واز الجمله اسید عاست که مرویست از حضرت
و ترا است عطای زیاده صادق علیه السلم که آنحضرت در روز احد خواند
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ
خداوندا برای تست حمد و بسوی تست شکوه و تو یاری داده شده

حضرت

حضرت صادق ع فرمود که پس نازل شد جبرئیل ع و گفت یا محمد بتحقیق که دعا
کردی بدعای ابرهیم ع که در وقت در آتش افکندن خود خوانده بود و
دعای یونس ع که در وقت فرو رفتن در شکم ماهی خوانده و از انجمله
دعاییست که نقل کرده است صاحب کتاب الدعاء والذکر در آن کتاب
از حضرت ابی جعفر یعنی امام محمد باقر ع که این دعا از حضرت پیغمبر است
در شب احزاب يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ
ای فریادرس بیچارگان و ای اجابت کننده مضطران برطرف ساز
عَنِّي هَمِّي وَغَمِّي وَكَرْبِي فَإِنَّكَ تَعْلَمُ حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي
از من هم و غم مرا و حزن مرا پس بدرستیکه تو میدانی حال مرا و حال یاران مرا
فَاكْفِنِي هَوْلَ عَدُوِّي فَإِنَّهُ لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُكَ واز الجمله دعای آنحضرت است
پس کفایت کن از من هول دشمن مرا پس بدرستیکه دفع نمیکند آنرا غیر تو
صلعم در روز حنین يَا رَبِّ كُنْتَ وَتَكُونُ حَيّاً لَا تَمُوتُ تَنَامُ الْعُيُونُ
ای پروردگار [illegible] بودی و خواهی بود زنده که نمیمیری بخواب میروند چشمها
وَتَنْكَدِرُ النُّجُومُ وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ
و تاریک میشوند ستارها و تو زنده پاینده که فرا نمیگیرد ترا خواب و
لَا نَوْمٌ واز الجمله دعای آنحضرت است صلی الله علیه وآله در یوم خیبر
نه خواب

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَصَبْراً عَلَى بَلِيَّتِكَ
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا که زود عطا کنی عافیت خود را و صبر بر بلای خود
وَخُرُوجاً مِنَ الدُّنْيَا إِلَى رَحْمَتِكَ فصل ششم در ادعیه
و بیرون رفتن از دنیا بسوی رحمت خود ائمه معصومین علیهم السلم
دعای حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب ع ذکر کرده است جلوذی
در کتاب صفین که آنحضرت بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم گفت در جنگ صفین در ابتدای
قتال گفت و بعد از تسویه صفوف فتح و نصرت از حق تعالی خواست
و این دعا خواند اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا اللَّهُ
خداوندا ترا پرستش میکنیم و از تو یاری میطلبیم ای خدا
يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا اللَّهُ يَا مَجِيدُ يَا رَبَّ
ای بخشنده ای مهربان ای یگانه ای بی نیاز ای خداوند ای صاحب بزرگی ای پروردگار
مُحَمَّدٍ إِلَيْكَ نُقِلَتِ الْأَقْدَامُ وَأَفْضَتِ الْقُلُوبُ وَشَخَصَتِ
محمد بسوی تو نقل کرده میشود قدمها و روی آورده دلها و باز میگردد
الْأَبْصَارُ وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَطُلِبَتِ الْحَوَائِجُ وَرُفِعَتِ
دیدها و کشیده میشود گردنها و طلب کرده میشود حاجتها و برداشته میشود

الایدی

الْأَيْدِي اللَّهُمَّ افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ
دستها خداوندا حکم کن میان ما و میان قوم ما بحق و تو
خَيْرُ الْفَاتِحِينَ پس گفت لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ دعای
بهتر حکم کنندگانی سه مرتبه نیست خدایی بجز خدا و خدا بزرگتر حضرت
فاطمه علیها السلم از الجمله این دعاست که ابن طاوس در مهج خود آورده
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ
بنام خداوند بخشاینده مهربان ای زنده ای پاینده برحمت تو فریاد میخواهم
فَأَغِثْنِي وَأَجِرْنِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَداً وَ
پس فریاد رس مرا و پناه ده مرا و مگذار مرا بنفس خود بقدر یک چشم بهم زدن هرگز و
أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ دعای حضرت امام حسن ع در فصل بیست و سیم
باصلاح آور برای من کار مرا و دعای حضرت امام حسین ع اینست که میگوید بعد از
هر فریضه اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَمَعَاقِدِ عَرْشِكَ وَ
خداوندا بدرستیکه سوال میکنم ترا بکلمات تو و معاقد عرش تو و
سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ أَنْ
و ساکنان آسمانهای تو و زمین تو و پیغمبران تو و فرستادگان تو که
تَسْتَجِيبَ لِي فَقَدْ رَهِقَنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرٌ فَأَسْأَلُكَ أَنْ
مستجاب گردانی برای من پس بتحقیق رسیده است مرا از کار من دشواری پس سوال میکنم ترا که

تصلّی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی من امری یسراً دعای
رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی برای من از کارم آسانی حضرت
امام زین العابدین یا دائم یا دیموم یا حی یا قیوم یا کاشف
علیه السلام است ای دائم ای همیشه دائم ای زنده ای قائم بذات ای زایل کننده
الغم یا فارج الهم و یا باعث الرسل و یا صادق الوعد
غم ای زایل کننده هم و ای برانگیزنده پیغمبران و ای درست وعده
صل علی محمد و آل محمد و افعل بی ما انت اهله دعای حضرت امام
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنکه تو لایق آنی محمد باقر ع است
اللهم ان کان لی عندک رضوان و ودّ فاغفر لی و لمن
خداوندا اگر بوده مرا نزد تو خشنودی و دوستی پس بیامرز مرا و هر که را
تبعنی من اخوانی و شیعتی و طیب ما فی صلبی برحمتک
تابع من شده است از برادران من و پاکیزه گردان آنچه در صلب من است برحمت تو
یا ارحم الراحمین دعای حضرت امام جعفر صادق ع است یا دیان یا غیر متوان
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای جزا دهنده ای سستی نکننده
یا ارحم الراحمین اجعل لشیعتی نجاة من النار و عندک
ای ارحم الراحمین بگردان برای شیعیان من نجات از آتش و نزد خود

رضی

رضی و اغفر ذنوبهم و یسّر امورهم و اقض حوائجهم و
خشنودی و بیامرز گناهان ایشان را و آسان گردان کارهای ایشان را و برآور حاجتهای ایشان را و
استر عوراتهم وهب لهم الکبائر التی بینک و بینهم یا
و بپوشان عورتهای ایشان را و ببخش برای ایشان گناهان کبیره که میان تو و ایشان است ای
من لا یخاف الضیم و لا تأخذه سنة و لا نوم اجعل لی من
آنکه نمی ترسد از ظلم کسی و در نمی گیرد او را پینکی و نه خواب بگردان برای من از
کل غمّ فرجاً و مخرجاً دعای حضرت امام موسی کاظم ع است یا خالق الخلق و یا باسط
هر غمی راحتی و راه بیرون شدن ای آفریننده خلق و ای گشاینده
الرزق و یا فالق الحب و یا بارئ النسم و محیی الموتی و
روزی و ای شکافنده دانه و ای خلق کننده جانها و ای زنده کننده مردگان
ممیت الاحیاء و دائم الثبات و مخرج النبات افعل
میراننده زندگان و دائم ثبات و بیرون آورنده نبات بکن با
بی ما انت اهله فانک اهل التقوی و اهل المغفرة دعای
من آنچه تو لایق آنی پس بتحقیق که تو اهل پرهیزکاری و اهل آمرزشی حضرت
امام رضا اللهم اعطنی الهدی و ثبّتنی علیه و احشرنی
علیه السلام است خداوندا عطا کن مرا هدایت و ثابت دار مرا بر آن و محشور بگردان مرا

علیه آمناً امن من لا خوف علیه و لا حزن و لا جزع انک
برآن ایمن از جمله آنکه نیست ترسی بر ایشان و نه اندوهی و نه جزعی بدرستیکه تو
اهل التقوی و اهل المغفرة دعای حضرت امام محمد یا من
سزاوار تقوی و سزاوار آمرزگاری تقی جواد ع است ای آنکه
لا شبیه له و لا مثال انت الله لا اله الا انت و لا خالق
که نیست شبیه او را و نه مانندی تو خدا نیست خدایی جز تو و نه آفریننده
الا انت تفنی المخلوقین و تبقی انت حلمت عمن عصاک
مگر تو فانی میسازی آفریدگان را و تو باقی میمانی حلم میکنی تو از هر که نافرمانی کند ترا
و فی المغفرة رضاک دعای حضرت امام علی یا نور یا برهان
و در آمرزش است رضای تو نقی هادی ع است ای نور ای برهان
یا مبین اکفنی شر الشرور و آفات الدهور و اسئلک
ای ظاهر کننده کفایت کن مرا از شر بدیها و آفتهای زمانه و سؤال میکنم ترا
النجاة یوم ینفخ فی الصور دعای حضرت امام یا عزیز
نجات در روزی که دمیده میشود در صور حسن عسکری ع است ای صاحب
العز فی عزه ما اعز عزیز العز فی عزه یا عزیز اعزنی
در عزت خود ... عزیز است صاحب عزت ... ای عزیز قوت ده مرا

بعزک

بعزک و ایدنی بنصرک و اطرد عنی همزات الشیاطین
بعزت خود و نصرت ده مرا بیاری خود و دفع کن از من وسوسه های شیاطین را
و ادفع عنی بدفعک و امنع عنی بمنعک و اجعلنی من
و برطرف کن از من بدفع خود و باز دار از من بمنع خود و بگردان مرا از
خیار خلقک یا واحد یا احد یا فرد یا صمد دعای
خوبان خلق خود ای یکتا ای یگانه ای تنها ای بی نیاز حضرت
مهدی صاحب الزمان ع است یا نور النور یا مدبر الامور یا باعث
ای روشنی دهنده نور را و تدبیر کننده امور ای برانگیزاننده
من فی القبور صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی و لشیعتی
آنان که در قبرند رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان برای من و یاران من
من الضیق فرجاً و من الهم مخرجاً و اوسع لنا المنهج و
از تنگی گشایش و از اندوه راه بیرون شدن و فراخ گردان برای ما راه را و
اطلق لنا من عندک ما یفرج و افعل بنا ما انت اهله
بگشا برای ما از نزد خود چیزی که باعث فرج باشد و بکن با ما آنچه تو سزاوار آنی
یا کریم تتمه این دعا که منسوب بحضرت امام حسین و نه فرزندان
ای کریم او علیهم السلام نقل کرده ایم آنها را از حدث شیطلانغ مردی

از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله مرویست که نیست مخلوقی که بخواند دعای امام
حسین صلوات الله علیه را در عقب هر فریضه مگر حشر کرده شود با آن حضرت و شفیع او شود
در آخرت و فرج بخشد حق تعالی کرب و اندوه او را و قضا کند دین او را
و آسان کرداند کار او را و روشن سازد راه دین او را و نصرت دهد او را
بر دشمن او و ستر در پرده او را و بگشاید سینه او را و بنهاند او را شهادتین
در وقت بیرون آمدن روح او و هر آنکس بخواند دعای علی بن الحسین علیه السلام
محشور شود با او و همچنین تا آخر ائمه علیهم السلام که هر که اختیار کند دعای او را
و بخواند آن را محشور شود با او و بوده باشد از رفقای او در آخرت
ان شاء الله تعالی **فصل بیست و هفتم** در دعاهای عجیب و سایل و امثال
اینها ذکر کرده است اصفهانی در کتاب خصایص خود که حضرت صادق علیه السلام
محتجب شد یعنی در وقتیکه منصور اراده قتل وی کرده محفوظ شد باین دعا
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَاِذَا قَرَأْتَ الْقُرْاٰنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ
بنام خداوند بخشنده مهربان و هرگاه بخوانی قرآن را گردانیدیم میان تو
وَبَيْنَ الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُوْرًا وَجَعَلْنَا
و میان آنانکه ایمان نمیآورند بآخرت حجابی پوشیده و گردانیدیم
عَلٰى قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَفْقَهُوْهُ وَفِيْ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِذَا
بر دلهای ایشان پرده ها که نفهمند آن را و در گوشهای ایشان گرانی و چون

ذکرت

ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْاٰنِ وَحْدَهٗ وَلَّوْا عَلٰى اَدْبَارِهِمْ نُفُوْرًا
یاد کنی پروردگار خود را در قرآن یگانه برگشتند بر پشتهای خود گریزان
اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِالْاِسْمِ الَّذِيْ بِهٖ تُحْيِي الْمَوْتٰى وَتُمِيْتُ
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق آن نامی که بان زنده میکردانی مردگان را و میمیرانی
الْاَحْيَاءَ وَتَرْزُقُ وَتُعْطِيْ وَتَمْنَعُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ اَللّٰهُمَّ
زندگان را و روزی میدهی و عطا میفرمائی و منع میکنی ای صاحب بزرگی و کرامت خداوندا
مَنْ اَرَادَنَا بِسُوْءٍ مِنْ جَمِيْعِ خَلْقِكَ فَاَعْمِ عَنَّا عَيْنَهٗ وَاَصِمَّ
هر که اراده کند ببدی از همه خلق تو پس کور کن از ما دیده او را و کر ساز
عَنَّا سَمْعَهٗ وَاَشْغِلْ عَنَّا قَلْبَهٗ وَغُلَّ عَنَّا يَدَهٗ وَاصْرِفْ عَنَّا
از ما گوش او را و مشغول ساز از ما دل او را و به بند از ما دست او را و باز دار از ما
كَيْدَهٗ وَخُذْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ وَعَنْ يَمِيْنِهٖ وَعَنْ
حیله او را و بگیر او را از پیش روی او و از پس او و از راست او و از
شِمَالِهٖ وَمِنْ فَوْقِهٖ وَمِنْ تَحْتِهٖ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
چپ او و از بالای او و از زیر او ای صاحب بزرگواری و بزرگی
و در کتاب دفع الهموم والاحزان مرویست که چون اراده کنی آنکه حجت
سازد حق تعالی از تو چشم کسی که خوف از او داری پس بخوان این دعا

و قل

یا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ اَسْئَلُكَ
ای پروردگار عالمیان ترا عبادت میکنیم و از تو یاری میطلبیم سوال میکنم ترا
يَا سْمِكَ الْعَظِيْمِ الَّذِيْ تَجَلَّيْتَ بِهٖ لِمُوْسٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْجَبَلِ
بحق نام بزرگ تو که تجلی کردی بآن برای موسی علیه السلام بر کوه طور
فَجَعَلْتَهٗ دَكًّا وَخَرَّ مُوْسٰى صَعِقًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
پس گردانیدی آن را هموار و افتاد موسی بیهوش اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
وَاَنْ تَطْمِسَ عَنِّيْ بَصَرَ مَنْ اَخْشَاهُ وَتُمْسِكَ لِسَانَهٗ وَتَخْتِمَ عَلٰى
و اینکه محو سازی از من دیده آنکسی که میترسم از او و نگاه داری زبان او را و مهر نهی بر
قَلْبِهٖ وَتَحْبِسَ يَدَهٗ وَتُقْعِدَهٗ مِنْ رِجْلِهٖ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ
دل او و باز داری دست او را و بنشانی او را از پای او بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی
و در کتاب کنوز النجاح این اَللّٰهُمَّ بِكَ اُسَاوِرُ وَبِكَ اُحَاوِلُ
دعای کفایت البلا مرویست خداوندا بتو سطوت میجویم و بتو غلبه می طلبم
وَبِكَ اَصُوْلُ وَبِكَ اَنْتَصِرُ وَبِكَ اَمُوْتُ وَبِكَ اَحْيٰى
و بتو حمله می آورم و بتو انتقام میکشم و بتو میمیرم و بتو زنده میشوم
اَسْلَمْتُ نَفْسِيْ اِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِيْ اِلَيْكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا
تسلیم کردم خود را بتو و واگذاشتم کار خود را بتو و نیست حول و

قوة

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنِيْ وَسَوَّيْتَنِيْ
و قوه مگر بخداوند بلند مرتبه بزرگوار خداوندا بدرستیکه تو آفریدی مرا و خوش قامت ساختی مرا
وَرَزَقْتَنِيْ وَسَتَرْتَنِيْ مِنْ بَيْنِ الْعِبَادِ بِلُطْفِكَ خَوَّلْتَنِيْ
و روزی دادی مرا و پوشیدی مرا از میان بندگان بلطف خود عطا دادی مرا
وَاِذَا هَرَبْتُ رَدَدْتَنِيْ وَاِذَا عَثَرْتُ اَقَلْتَنِيْ وَاِذَا مَرِضْتُ
و چون گریزان شدم بر گردانیدی مرا و چون لغزیدم آمرزیدی مرا و چون بیمار شدم
شَفَيْتَنِيْ وَاِذَا دَعَوْتُكَ اَجَبْتَنِيْ يَا سَيِّدِيْ اِرْضَ عَنِّيْ
شفا دادی مرا و چون خواندم ترا اجابت کردی مرا ای آقای من راضی شو از من
فَقَدْ اَرْضَيْتَنِيْ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِيْنَ و در کتاب
بتحقیق که راضی ساختی مرا و رحمت فرست بر محمد و آل او که پاکانند
مکارم
الاخلاق این حرز برای امن از جانوران از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست
که فرمود که هر که بخواند آن را در شب پس من ضامنم که نرسد او را گزندی عقرب
و نه جانوری تا صبح اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الَّتِيْ لَا
کند و دعا اینست پناه میبرم بکلمات تمام حق تعالی که تجاوز
يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ
نمیکنند از آنها نیکوکاری و نه بدکاری از شر آنچه آفریده است و از شر آنچه خلق کرده است

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ
و از شر هر جنبنده که پروردگار من گیرنده است موی پیشانی او را بدرستیکه پروردگار من بر راه
مُسْتَقِيمٍ دعای دیگر برای چشم زخم در کتاب الادعیة المرویة عن الحضرة
راست
النبویة مرویست که فرود آورد آن را جبرئیل علیه السلام و تعویذ
کرد بآن حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام را از چشم زخمی که بایشان
رسیده بود اللّٰهُمَّ یَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِیمِ وَالْمَنِّ الْقَدِیمِ
و دعاهات خداوندا ای صاحب پادشاهی بزرگ و نعمت قدیم
وَالْوَجْهِ الْکَرِیمِ وَالْکَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَالدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ
و ذات بزرگوار و کلمات تمام و دعوتهای مقرون باجابت
عَافِ فُلَاناً مِنْ اَنْفُسِ الْجِنِّ وَاَعْیُنِ الْاِنْسِ و فرمود حضرت
عافیت بخش فلانکس را از چشمهای جن و چشمهای آدمی مر اصحاب را
خود را که تعویذ کنید باین فرزندان و زنان خود را پس بدرستیکه پناه
میگیرند باین پناه گیرندگان و این هیکل عظیم است یعنی همراه داشتن
آن سزاوار است و در کتاب امالی الشیخ طوسی رحمه الله مرویست که حضرت
سیدت عدین میفرمود که باکی ندارم چون خوانم این دعا را
هرچه جمع شوند برای ضرر از من جن و انس و دعا اینست بِسْمِ اللّٰهِ
بنام خدا

وبالله

وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ وَفِی سَبِیلِ اللّٰهِ وَعَلَی مِلَّةِ رَسُولِ
و بیاری حق تعالی و از جانب خدا و بسوی حق تعالی و در راه حق تعالی و بر ملت رسول
اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ اِلَیْکَ اَسْلَمْتُ نَفْسِی وَ
خدا ص خداوندا بسوی تو تسلیم کردم نفس خود را و
اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَاِلَیْکَ فَوَّضْتُ اَمْرِی وَاِلَیْکَ
بسوی تو آوردم روی خود را و بسوی تو واگذاشتم کار خود را و بسوی تو
اَلْجَأْتُ ظَهْرِی وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ فَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْاِیمَانِ
پناه دادم پشت خود را و بر تو توکل کردم پس حفظ کن مرا بحفظ ایمان
مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِی وَعَنْ یَمِینِی وَعَنْ شِمَالِی وَمِنْ
از پیش روی من و از پس سر من و از راست من و از جانب چپ من و از
فَوْقِی وَمِنْ تَحْتِی وَمِنْ قِبَلِی وَمِنْ جَوْفِی وَادْفَعْ عَنِّی شَرَّ
بالای من و از زیر من و از جانب پیش و از اندرون من و دفع کن از من شر
مَا اقْضَیْتَ بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
آنچه را قضا کرده بحول خود و قوت خود پس بدرستیکه نیست گردیدن و نه قدرت
اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ دعای دیگر از مهج مرویست از حضرت
مگر بخدای بلند مرتبه بزرگوار
پیغمبر صلعم برای ایمنی از انس و جن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ
بنام خداوند بخشاینده مهربان نیست معبودی بجز او بر او توکل کردم
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ مَا شَاءَ اللّٰهُ کَانَ وَمَا لَمْ
و اوست پروردگار عرش بزرگ آنچه خواهد حق تعالی میشود و آنچه
یَشَأْ لَمْ یَکُنْ اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَاَنَّ
نخواهد نمیشود گواهی میدهم که حق تعالی بر هر چیزی تواناست و اینکه
اللّٰهَ قَدْ اَحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْماً اللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ
حق تعالی احاطه کرده است بهر چیزی بعلم خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو
مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا
از شر نفس خود و از شر هر جنبنده که تو فراگیرنده موی پیش سر او را
اِنَّ رَبِّی عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ و در کتاب الدر المضیئة مرویست
بدرستیکه پروردگار من بر راه راست است
که آمنه مادر حضرت پیغمبر صلعم
چون وضع حمل شد آمد نزد او آینده در خواب و امر کرد او را که
تعویذ کند حضرت را اُعِیذُهُ بِالْوَاحِدِ مِنْ شَرِّ کُلِّ حَاسِدٍ
پناه میدهم او را بخدای یگانه از شر هر حسد برنده
وَکُلِّ خَلْقٍ رَائِدٍ یَأْخُذُ بِالْمَرَاصِدِ فصل بیست و ششم
و هر آفریده فتنه کننده که سعی میکند مردم را در کمینگاه

در ایمن شدن از خوف

در ایمن شدن از خوف مرویست از حضرت باقر علیه السلام که ما اهل بیت
چون مکروه داریم امری را یا ترسناک شویم از شر سلطان یا چیزی
که از عهده آن بر نیائیم یَا کَائِناً قَبْلَ کُلِّ شَیْءٍ یَا مُکَوِّنَ کُلِّ شَیْءٍ
این دعا را میخوانیم ای ثابت وجود پیش از هر چیز ای بوجود آورنده هر چیزی
وَیَا بَاقِیاً بَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِنَا
و ای باقی بعد از هر چیزی رحمت فرست بر محمد و آل او و بکن با ما
کَذَا وَکَذَا و بجای افعل بنا کذا و کذا حاجت خود را طلبد و مرویست
چنین و چنین
از حضرت پیغمبر صلعم که هر کس برسد او را همی و غمی یا
اندوهی و بلائی یَا اللّٰهُ رَبِّی لَا اُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً تَوَکَّلْتُ
در وی پس باید بگوید حق تعالی پروردگار منست شریک نمیگردانم با او چیزی را توکل کردم
عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ و از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
بر زنده که نمیرد
هرگاه بیفتی در ورطه پس بسم الله
بگو و لا حول بگو هفت مرتبه یعنی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ لَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ را هفت مرتبه بگو
بتحقیق که حق تعالی میگرداند از تو آنچه خواهد از انواع بلا و
مرویست از ابی الحسن یعنی امام موسی کاظم علیه السلام که چون بترسی

از امری صد آیه از قرآن بخوان از هر جا که خواهی پس بگو اللّٰهم ادفع
عنی البلاء سه نوبت که حق تعالی ترا الکفایت می بخشد خداوندا دفع کن
از من بلا را
از آن امر و در کتاب تعبیر الرؤیا کلینی مرویست از
حضرت رضا عم که گفت دیدم پدرم را در خواب پس گفت ای پسرک
من چون در تنگی یا در دفع یادرحیم و آنچه بر بینیم ما در خواب بشنید
وشده تا افقی بگو یا لطیف ای مهربان
بیدار بیت و در کتاب
مفاتیح الغیب مرویست که هر که بنویسد لفظ بسم الله را بر در بیرون
خانه خود ایمن شود او از بلا و اگرچه کافر باشد و در کتاب منهج
مرویست که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که کسی را که برسد شدتی یا بلائی یا
تنگی پس بگوید سه مرتبه استغفر الله و اتوب الیه حق تعالی فرج
بخشد او را و در کتاب خصائص الرضا مرویست از حضرت علی علیه السلم
که هر که در کشود و برسد چیزی از مال و ولد یا اهل یا بیم رسد از فرعونی پس
باید تضرع بخدا تعالی باید دعا کند تا که دهشود آنچه می رسد از وی
باید دعای مستجاب اللّٰهم انی اتوجه الیک بنبیک
الحمد والرحمة
است وان امت خداوندا بدرستیکه من روی آوردم بسوی تو بپیغمبر تو
نبی الرحمة واهل بیته الذین اخترتهم علی علم
پیغمبر رحمت و اهل بیت او آنانکه برگزیدی ایشانرا بر دانائی

علی العالمین

نبیه
علی العالمین اللّٰهم فذلل لی صعوبتها وحزو
بر عالمیان خداوندا پس نرم گردان برای من سختی آنها را و زبری او را
واکفنی شرها فانک الکافی الغالب القاهر
و حفظ کن مرا از شر او پس بدرستیکه تویی کفایت بخشنده غالب کننده مقهور سازنده
و در کتاب مزار مرویست که چون بترسی از دشمنی یا از دزدی پس بگو
یا آخذا بنواصی خلقه والشافع بها الی قدمه بها المنفذ
ای فرا گیرنده پیشانیهای خلق خود و کشنده آنها بسوی قدرت خود جاری کننده
فیها حکمه وخالقها وجاعل قضائه لها غالبا وکلهم
در آنها حکم خود را و آفریننده آنها و گرداننده قضای خود برای آنها غالب و همه ایشان
ضعیف عند غلبته وثقت بک یا سیدی عند قوتهم
ضعیفند نزد غلبه او اعتماد کردم بتو ای آقای من نزد قوت ایشان
بضعفی وبقوتک علی من کادنی تعرضت لک
با ضعیف بودن من و تکیه دادم بقوت تو بر هر که کید کند مرا و متعرض تو شده ام
فحل بینهم اللّٰهم ان حلت بینی وبینهم فذلک اتی جوده
پس حایل شو میان من و ایشان خداوندا اگر حایل شوی میان من و ایشان پس این امید را دارم از ...
وان اسلمتنی الیهم غیروا ما بی من نعمتک یا خیر
و اگر واگذاری مرا بایشان تغییر دهند آنچه با منست از نعمت تو ای بهترین

اللّٰهم
المنعمین صل علی محمد وآل محمد ولا تجعل تغییر نعمتک
نعمت دهندگان رحمت فرست بر محمد و آل او و مگردان تغییر نعمت خود را
علی ید احد سواک ولا تغیرها انت فقد تری الذی
بدست احدی غیر از خود و تغییر مده تو نیز آنرا پس تحقیق که می بینی آن چیزی را
یاتی بی محل بنفی وبین شرهم بحق ما به تستجیب الدعاء
که او می آید از محل ... میان شر ایشان بحق آنچه مستجاب میکنی بان دعا را
یا الله یا رب العالمین خاتمه دیدم در کتاب مستوجب
ای خدا ای پروردگار عالمیان
الکامل که چون بترسی از مکانی بگیر
بکیر عدد لفظها ریگی چند و بریز آنها را در جوی دفن عدد زا
را نزد سر خود ایمن میشوی انشاء الله تعالی و دیدم در بعض کتب اصحاب ما
که چون بترسی یا دا ترسوی در جوی پس بگیر چهار عدد در ریگ را که مهیا کرده
آنها را در بغل خود پس بیند از اول را از جانب راست و دویم را از
جانب چپ و سیم را از فرق سر خود به پشت خود و چهارم پیش روی خود
و تو میگوئی در حال انداختن جمیع قوله الحق وله الملک
پس بدرستی که لشکر شکسته میشود از شکستن و نجات می یابد از آن

دوام

بیدل

واقع شد بعض ایشان در شدت و خلاص شد از آن باین فصل
بیست و نهم در ادعیه السر مذکورست که یا محمد هر که اراده کند از
آنکه نبوده باشد مر احدی را بروی تسلطی یا قابضا علی الملک
بانیکه من کفایت کنم او را از شر ایشان پس بگوید ای فرا گیرنده بادشاهی
بما دونه سبیلا وما نعا من دونه سبیل شیء من ملکه
با مر خود و ما زرسیدن و مانع کننده هر که غیر او است از رسیدن بچیزی از بادشاهی او
یا مغنی الفقراء ویا مغنی اهل التقوی بامانته الاذی
ای توانگر سازنده فقیران و ای توانگر سازنده اهل پرهیزکاری برطرف کردن هر بدی
فی جمیع الامور عنهم لا تجعل لی ابتغاء الدین والدنیا
در همه امور از ایشان مگردان طلب اختیار دین و دنیای مرا
الی احد سواک واشفع بنواصی اهل الحرم کلهم الی
بسوی کسی غیر از خودت و بکش ... ایشانرا بسوی من تا
انال من خیرهم خیرة وکن لی علیهم فی ذلک معینا و
آنکه برسم از خیر ایشان ... و باش برای من بر ایشان در چیز یاور
خذلی بنواصی اهل الشر کلهم وکن لی منهم فی ذلک حافظا
بگیر برای من پیشانیهای اهل شر همه را و باش مرا از ایشان در این حفظ کننده

او ادعیه السر

[illegible]

وعني ما لا ينفعني ولي ما ينفعني حتى اكون امينا بما ملكت لي

داری و دفع کننده و مانع کننده آنچه فایده بخشد مرا تا آنکه باشم ایمن با مال تو بر ای من

بولايتك لي من شر من لا يؤمن من شره الا بما ملكت

بصاحب اختیار گردانیدن تو مرا از شر هر که مردم ایمن نیستند از شر او مگر بآنچه مالک ساختی تو

يا ارحم الراحمين پس بتحقیق که چون بگوید این را ضرر نرساند

ای رحم کننده ترین رحیمان یکی کید کننده هرگز ای محمد و هر کس

اراده کند از امت تو که حایل شود میان دعای او و میان من حاجت

و من اجابت کنم او را هر امری که خواهد خواه عظیم و خواه صغیر اند

در پنهانی و آشکارا رجوع او بمن باشد یا بغیر من پس باید بگوید در

در آخر دعای خود يا الله المانع بقدرته خلقه والمالك بها

ای خداوند منع کننده بقدرت خود خلق خود را و صاحب شونده بآن

سلطانهم والمتسلط بما في يديه كل مرجو دونك يخيب

بحیثیت پادشاهی ایشان را و صاحب قبضه از آنچه در دستهای ایشان است امید هر چیز غیر تو نومید شود

رجاء راجيه وراجيك مسرور لا يخيب اسئلك

امید صاحب آن و امیدوار تو خوشوقت که نومید نمیشود سؤال میکنم ترا

بكل رضي لك من كل شيء انت فيه وبكل شيء تحب

بهر خشنودی که تراست از هر چیزی که تو در آنی و بهر چیزی که دوست داری

الصبر

ان تذكر به وبك يا الله فليس يعدل لك شيء ان تصلي

که یاد کرده شوی بآن و بتو ای خداوند پس برابر نیست که بتو چیزی اینکه رحمت کنی

على محمد وآل محمد وان تحوطني وولدي واهلي و

بر محمد و آل محمد و آنکه نگهداری کنی مرا و فرزندان و برادران و

مالي وتحفظني بحفظك وان تقضي حاجتي في كذا و

مال مرا و حفظ کنی مرا بحفظ خود و آنکه برآوری حاجت مرا در فلان چیز و

كذا پس بدرستیکه هر گاه گفت این را قضا کرده میشود حاجت او

پیش از آنکه برود از مکان خود و مخفی نیست که بجای کذا و کذا

حاجت خود را ذکر میکند ای محمد هر کس خواهد از امت تو که سود

کند تجارت او پس باید بگوید وقتیکه ظاهر میسازد متاع تجارت را یا

وقتی که شروع میکند تجارت يا مربي نفقات اهل التقوى ومضاعفها

ای زیاد کننده نفقه های اهل پرهیزکاری و مضاعف سازنده آن

ويا سائق الارزاق سيحا الى المخلوقين ويا مفضلا

و ای راننده روزیها را ماننده آب روان بسوی آفریده شدگان و ای زیادتی دهنده

بالارزاق بعضا على بعض سقني وربحني في تجارتي

بسبب روزیها بعضی را بر بعضی سیراب ساز مرا و سود بخش مرا در تجارت من

هذه التي وجدتني عاصيا شكورا اخذه بحبل الشكر

این تجارت که یافتی مرا در آن شکر کننده که فرا گیرم آنرا بوسیله شکر تا نفع دهد مرا

به وتنفع بمنى بما شئت يا مربح تجارات العاملين

بآن و نفع بخشی بآن از من بآنچه خواهی ای سود دهنده تجارتهای عمل کنندگان

بطاعته سوقي في تجارتي هذه رزقا ثم تهني بغير حسن

بعبادت او و بگیر سود تجارت مرا روزی که بعد از آن مرا احسان بگوید

الصنع فيما ابتليتني به وامنعني من الطغيان و

عمل را از آنچه امتحان کرده مرا بآن و باز دار مرا از آن از مغرور شدن و

القنوط يا خير ناشر نشره ولا تشمت بي بردك دعائي

نومیدی ای بهترین ناشر و زنده روزی از رحمت خود و خوشحال مساز بسبب رد کردن دعای مرا

بالخسران عدوا لي واسعدني بطلب عن ضنك وبدعائي

بسبب زیان کردن دشمن مرا و فیروز گردان مرا بگو در سختی که از تو ادعا ام و بدعای که از تو

اياك يا ارحم الراحمين پس بدرستیکه هر گاه گوید این را

سود میکند تجارت او ای رحم کننده ترین رحیمان فصل سیم

در ادعیه ایام هفته و تعویذ اللهم اجعلنا اقرب من

آنها دعای روز جمعه خداوندا بگردان ما را از نزدیکترین کسی که

تقرب

تقرب اليك واوجه من توجه اليك وانجح من سألك

نزدیکی جوید بسوی تو و روشن ترین کسی که رو آورد بسوی تو و حاجت روا ترین کسی که سؤال کند ترا

وتضرع اليك اللهم اجعلنا ممن كانما يراك الى

و زاری کند بسوی تو خداوندا بگردان ما را از آنکه گویا او می بیند ترا تا

يوم القيامة التي فيها يلقاك ولا تمتنا الا على رضاك

روز قیامت که در آن ملاقات کند ترا و مرگ مده ما را مگر بر خشنودی خود

اللهم واجعلنا ممن اخلص لك بعمله واحبك في جميع

خداوندا و بگردان ما را از آنکه خالص ساخته برای تو عمل خود را و دوست داشته ترا در همه

خلقك اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لنا مغفرة

خلق تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز ما را آمرزیدن

جزما حتما لا نقترف بعدها ذنبا ولا نكتسب خطيئة ولا

جازم لازم که مرتکب نشویم بعد از آن گناهی را و کسب نکنیم معصیتی را

اثما اللهم صل على محمد وآل محمد صلوة دائمة نامية

از روی خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمت دائم نمو کننده

زاكية متتابعة متواصلة مترادفة برحمتك يا ارحم

ترقی نماینده پی در پی پیوسته ردیف هم برحمت خود ای ارحم

الراحمين عوذه بسم الله الرحمن الرحيم اعيذ نفسي برب

ارحم الراحمين روز جمعه بنام خداى بخشنده مهربان پناه میدهم نفس خود را به پروردگار

المشارق والمغارب من كل شيطان مارد وقائم و

شرقها و مغربها از شر شیطان رانده شده و هر که ایستاده است و

قاعد وحاسد ومعاند وينزل عليكم من السماء ماء

نشسته و حسد برنده و دشمنی کننده و فرو میفرستد بر شما از آسمان آب

ليطهركم به ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط على

تا پاکیزه گرداند شما را با آن و دور کند از شما پلیدی شیطان را و تا ببندد بر

قلوبكم ويثبت به الاقدام اذ يوحي ربك الى الملائكة

دلهای شما و ثابت گرداند با آن قدمها را وقتی که وحی کرد پروردگار تو بسوی ملائکه

اني معكم فثبتوا الذين امنوا اركض برجلك هذا

که من با شمایم پس ثابت دارید آنانرا که ایمان آوردند بزن پای خود را این

مغتسل بارد وشراب وانزلنا من السماء ماء طهورا

غسل گاهیست خنک و شربت و فرو فرستادیم از آسمان آب پاک کننده

لنحيي به بلدة ميتا ونسقيه مما خلقنا انعاما واناسي

تا زنده گردانیم با آن شهر مرده را و نوشانیم آنرا از آنچه آفریدیم چهارپایان و مردم

كثيرا الان خفف الله عنكم ذلك تخفيف من ربكم

بسیار را الحال تخفیف داد حق تعالی از شما این تخفیفیست از جانب پروردگار شما

ورحمة يريد الله ان يخفف عنكم فسيكفيكهم الله

و رحمتست میخواهد حق تعالی که تخفیف دهد از شما پس کفایت کند شما را از ایشان

وهو السميع العليم لا اله الا الله محمد رسول الله اعوذ

و اوست شنوا و دانا نیست خداوندی بجز حق تعالی محمد فرستاده حق تعالی است پناه میبرم

بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ برسول الله

بعزت خدا و پناه میبرم بقدرت حق تعالی و پناه میبرم برسول حق تعالی

دعاى روز سه شنبه اللهم افتح لنا خزائن رحمتك وهب لنا اللهم

خداوندا بگشا برای ما خزانهای رحمت خود را و ببخش ما را خداوندا

رحمة لا تعذبنا بعدها في الدنيا والاخرة وارزقنا

رحمتی که عذاب نکنی ما را بعد از آن در دنیا و آخرت و روزی کن ما را

اللهم من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا ولا تحوجنا

خداوندا از فضل خود که فراوانست روزی حلال پاکیزه و محتاج مکن ما را

الى احد سواك وزدنا لك شكرا واليك فاقة وفقرا

به کسی غیر خود و زیاده کن ما را برای خود شکر و بسوی خود احتیاج و فقر

وبك عمن سواك غنى وتعففا اللهم وسع علينا في الدنيا

و بتو از هر که سوای تست استغنا خداوندا فراخ گردان بر ما در دنیا

والاخرة اللهم انا نعوذ بك ان تزوي عنا وجهك في

و آخرت خداوندا بدرستی که ما پناه میبریم بتو از اینکه بگردانی از ما روی خود را در

حال ونحن نرغب اليك اللهم صل على محمد وال محمد

حالی از احوال که رغبت داریم بسوی تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

واعطنا ما تحب واجعله لنا قوة يا مجيب يا ارحم

و عطا کن ما را آنچه دوست داری و بگردان آنرا قوت ای اجابت کننده ای ارحم

الراحمين عوذه روز سه شنبه اللهم رب الملائكة

الراحمین ولاحول بخوان صد بار خداوندا ای پروردگار ملائکه و

الروح والنبيين والمرسلين وقاهر من في السموات

روح و پیغمبران و فرستادگان و قهر کننده هر که در آسمانها

والارضين كف عنا باس الاشرار واعم ابصارهم و

و زمینهاست باز دار از ما ضرر بدکاران را و کور ساز دیدهای ایشان را و

قلوبهم واجعل بيني وبينهم حجابا انك ربنا ولا حول

دلهای ایشان را و بگردان میان من و میان ایشان حجاب بدرستی که تو پروردگار مائی

ولاقوة

ولا قوة الا بالله العلي العظيم توكلت على الله توكل

و نه قوت مگر بخداوند صاحب مرتبه بزرگوار توکل کردم بر حق تعالی توکل کردن

عائذ به من شر كل دابة ربي اخذ بناصيتها ومن شر

پناه برنده باو از شر هر جنبنده که پروردگارم گیرنده است پیشانی او را و از شر

ما سكن في الليل والنهار ومن شر كل سوء وصلى الله

آنچه ساکن است در شب و روز و از شر هر بدی و رحمت فرستد خدا

على محمد وال محمد دعاى روز يكشنبه اللهم اجعل اول يومي

بر محمد و آل محمد خداوندا بگردان اول این روز

هذا فلاحا واوسطه صلاحا واخره نجاحا اللهم

مرا رستگاری و میان آنرا نیکی و آخر آنرا فیروزی خداوندا

صل على محمد وال محمد واجعلنا ممن اناب اليك

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بگردان ما را از آنکه بازگشت نموده بسوی تو

فقبلته وتوكل عليك فكفيته وتضرع اليك

پس قبول فرموده او را و توکل کرده است بر تو پس کفایت کرده او را و تضرع کرده است بسوی تو

فرحمته عوذه روز يكشنبه الله اكبر الله اكبر استوى

پس رحم کرده او را بسم الله ولاحول بخوان خدا بزرگتر است مستوی شد

الرَّبُّ عَلَى الْعَرْشِ وَقَامَتِ السَّمٰوَاتُ وَالْأَرْضُ بِحِكْمَتِهِ وَ
پروردگار بر عرش و بر پا شد آسمانها و زمین بحکمت او و

زَهَرَتِ النُّجُومُ بِأَمْرِهِ وَرَسَتِ الْجِبَالُ بِإِذْنِهِ لَا يُجَاوِزُ أَسْلَمَ
درخشنده گشت ستارگان بامر او و محکم قرار گرفت کوهها باذن او ... تسلیم شد برای او

مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي دَانَتْ لَهُ الْجِبَالُ وَهِيَ
هر که در آسمانها و زمین است آنکه گردن نهاد برای او کوهها و حال آنکه آنها

طَائِعَةٌ وَذَلَّتْ لَهُ الرِّقَابُ وَهِيَ خَاضِعَةٌ وَانْبَعَثَتْ
فرمانبردارند و ذلیل شد برای او گردنها و حال آنکه گردن کشنده‌اند و برانگیخته شوند

غَاوٍ

لَهُ الْأَجْسَادُ وَهِيَ بَالِيَةٌ وَبِهِ أَحْتَجِبُ عَنْ كُلِّ عَادٍ وَ
برای او جسدها و حال آنکه کهنه و پوسیده باشند و بسبب او محجوب میگردم از هر تعدی کننده و

بَاغٍ وَطَاغٍ وَجَبَّارٍ وَحَاسِدٍ وَمُعَانِدٍ وَبِسْمِ اللهِ الَّذِي
تعدی کننده و طغیان کننده و جبر کننده و حسد برنده و عناد کننده و بنام حق تعالی که

جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا وَأَحْتَجِبُ بِاللهِ الَّذِي جَعَلَ فِي
قرار داده میان دو دریا مانع و محجوب میگردم بخدا آنکه قرار فرمود در

السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا وَزَيَّنَّاهَا
آسمان برجها و قرار داد در آنها چراغ و ماه روشن کننده و زینت داد آنرا

لِلنَّاظِرِينَ

لِلنَّاظِرِينَ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ
برای نظر کنندگان و حفظ کرد آنرا از هر شیطان رانده شده و قرار داد در زمین

رَوَاسِيَ جِبَالًا أَوْتَادًا أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ بِسُوءٍ أَوْ فَاحِشَةٍ
کوههای برقرار و میخها از آنکه برسد بمن بدی یا رسوایی

أَوْ بَلِيَّةٍ حم حم حم حم تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ حم حم عسق
یا بلایی ... فرستاده شده است از رب بسیار بخشاینده مهربان

كَذٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللهُ
همچنین وحی فرستاده بسوی تو و بسوی آنانکه پیش از تو بودند از پیغمبران خداوند

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا
غالب و دانا و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او و درود فرستد درود فرستادنی

دعای روز دوشنبه اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ وَتَبَصُّرًا
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو قوت در عبادت تو و بینایی

فِي كِتَابِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
در کتاب تو و دریافتن در حکم تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وَلَا تَجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا مَاحِلًا وَالصِّرَاطَ بِنَا زَائِلًا وَمُحَمَّدًا
و مگردان قرآن را برای ما شکوه کننده و پل صراط را با ما ... و محمد

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنَّا مُوَلِّيًا عوذه روز دوشنبه بسم
که رحمت فرستد خدا بر او و آل او از ما رو گرداننده
ولاحول بخوان و بگو

أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّيَ الْأَكْبَرِ مِمَّا يَخْفَى وَيَظْهَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ أُنْثَى
پناه میدهم نفس خود را بپروردگار بزرگتر از آنکه پنهان است و آشکار است و از شر هر ماده

وَذَكَرٍ وَمِنْ شَرِّ مَا رَأَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ
و نر و از شر آنکه دیده است آفتاب و ماه بسیار پاکیزه است پاکیزه

رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْإِنْسُ إِلَى اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ
پروردگار ملائکه و روح میخوانم شما را ای آدمیان بسوی مهربان آگاه

وَأَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ وَالْإِنْسُ إِلَى الَّذِي خَتَمْتُهُ بِخَاتَمِ
و میخوانم شما را ای جنیان و آدمیان بسوی آنکه مهر کرده‌ام آنرا بخاتم

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَخَاتَمِ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ
پروردگار عالمیان و خاتم جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وَخَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَاتَمِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ
و خاتم سلیمان بن داود که بر او درود و خاتم محمد که سید

اُزْجُرُوا

الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَأُخْرِجُ عَنْ
مرسلین است و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او همگی و دفع کن از

فُلَان

فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ كُلَّمَا يَغْدُو وَيَرُوحُ مِنْ ذِي حُمَةٍ
فلان پسر فلان هر گاه که بامداد آید و شب رود از زهر صاحب جانور یا مار

أَوْ عَقْرَبٍ أَوْ سَاحِرٍ أَوْ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ
یا عقرب یا ساحر یا شیطان رانده شده یا سلطان عناد کننده

أَخَذْتُ عَنْهُ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى وَمَا رَأَتْ عَيْنُ نَائِمٍ أَوْ
گرفتم از او آنکه دیده میشود و آنکه دیده نمیشود و آنکه دیده است چشم خواب رونده یا

يَقْظَانٍ بِإِذْنِ اللهِ اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ لَا سُلْطَانَ لَكُمْ اللهُ
بیدار باذن حق تعالی که دانا و آگاه است نیست تسلطی شما را حق تعالی

لَا شَرِيكَ لَهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ
نیست شریکی مر او را و رحمت فرستد خدا بر رسول خود محمد و آل او که نیکان

الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا دعای روز سه‌شنبه اللّٰهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ
و پاکانند و سلام فرستد سلام فرستادنی خداوندا بگردان غفلت

النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَاجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا وَاجْعَلْ صَالِحَ
مردم را برای ما یاد آوردن و بگردان یاد آوردن ایشان را برای ما شکر کردن و بگردان نیکوی

مَا نَقُولُ بِأَلْسِنَتِنَا فِي قُلُوبِنَا اللّٰهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَوْسَعُ
آنچه را گوییم بزبانهای خود در دلهای ما خداوندا بدرستیکه آمرزش تو وسیع‌تر است

مِنْ ذُنُوبِنَا وَرَحْمَتُكَ أَرْجَى عِنْدَنَا مِنْ أَعْمَالِنَا اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنَا لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَالْقَوَابِ

فِي الْفِعَالِ عوذه روز شنبه أُعِيذُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْأَكْبَرِ رَبِّ

بسم الله كن و بگو

السَّمَاوَاتِ الْقَائِمَاتِ بِلَا عَمَدٍ بِالَّذِي خَلَقَهَا فِي يَوْمَيْنِ

وَقَضَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَخَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ

قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا وَجَعَلَ فِيهَا جِبَالًا أَوْتَادًا وَجَعَلَ لَنَا

فِجَاجًا سُبُلًا وَأَنْشَأَ السَّحَابَ وَسَخَّرَهُ وَأَجْرَى الْفُلْكَ

وَسَخَّرَ الْبَحْرَ وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا مِنْ شَرِّ

مَا يَكُونُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَعْقِدُ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ وَتَرَاهُ

الْعُيُونُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ كَفَانَا اللهُ سه مرتبه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ دعای

روز

چهارشنبه اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَبِرُكْنِكَ الَّذِي

لَا يُرَامُ وَبِأَسْمَائِكَ الْعِظَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاحْفَظْ

عَلَيْنَا مَا لَوْ حَفِظَهُ غَيْرُكَ لَضَاعَ وَاسْتُرْ عَلَيْنَا مَا لَوْ

سَتَرَهُ غَيْرُكَ لَشَاعَ وَاجْعَلْ ذٰلِكَ لَنَا مِطْوَاعًا إِنَّكَ

سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ عوذه روز چهارشنبه أُعِيذُ

بسم الله كن و بگو

نَفْسِي بِالْأَحَدِ الصَّمَدِ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ

أَبِي قِتْرَةٍ وَمَا وَلَدَ وَأَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَعْلَى مِنْ

شَرِّ مَا رَأَتْ عَيْنٌ وَمَا لَمْ تَرَ وَأَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْفَرْدِ

الْكَبِيرِ الْأَعْلَى مِنْ شَرِّ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ أَمْرٍ عَسِيرٍ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي فِي جِوَارِكَ الْأَمِينِ وَ

حِصْنِكَ الْحَصِينِ اللهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ

الْقَهَّارُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ عَالِمُ

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ هُوَ اللهُ هُوَ اللهُ هُوَ اللهُ

لَا شَرِيكَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دعای

روز پنجشنبه

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالتُّقَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى وَالْعَمَلَ

بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قُوَّتِكَ لِضَعْفِنَا

وَمِنْ غِنَاكَ لِفَقْرِنَا وَفَاقَتِنَا وَمِنْ حِلْمِكَ وَعِلْمِكَ لِجَهْلِنَا اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى شُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَطَاعَتِكَ

وَعِبَادَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ عوذه روز پنجشنبه أُعِيذُ نَفْسِي

بسم الله كن و بگو

بِقُدْرَةِ اللهِ وَعِزَّةِ اللهِ وَعَظَمَةِ اللهِ وَسُلْطَانِ اللهِ وَجَلَالِ

اللهِ وَكَمَالِ اللهِ وَجَمْعِ اللهِ وَبِرَسُولِ اللهِ وَبِوُلَاةِ أَمْرِ اللهِ

مِن شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَحَسْبُنَا

اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

تَسْلِيمًا **فصل سیم** در ادعیه متفرقه از کتب متفرقه که بخوانند

برای طلب فرزند امید عا را بخواند مرتبه رَبِّ

لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا

سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ

وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ پس هر کسی که

هر کس این دعا را

بسیار

بسیار بخواند روزی گرداند حق تعالی او را فرزندی و مالی که آرزوی او باشد

و خیر و برکت دنیا و آخرت و در کتاب شرایع مذکور است که سنت است

که بگذارد دست خود را بر سر عروس اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا

چون دخول کنی با وی و بگویی

وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا فَإِنْ

قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ

شِرْكَ شَيْطَانٍ و در کتاب تهذیب روایت که حضرت علیه السلام تلقین

شرک شیطان — می‌فرمودند اهل خود را در وقت موت کلمات فرج را

لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ

وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ پس هر گاه بگوید این را مریض گویند شر بود که برو باکی نیست

حالیات و در کتاب ذکری مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که نیست مؤمنی

که برسد او را مصیبتی پس بگوید این إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

آیه را که امر کرده است بگفتن آن حق تعالی

اللَّهُمَّ أَجِرْنِي مِنْ مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا مگر آنکه

حق تعالی او را در عقب آن مصیبت خیری و در کتاب ... است و روایت

از حضرت صادق علیه السلام برای زنی که زائیدن بر او دشوار شود و نوشته شود

در پوست آهو از كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً

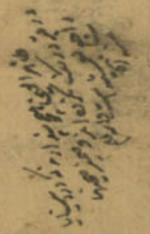
بَلَاغٌ تا این آیات

مِنْ نَهَارٍ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا

پس ببندد آن را بر ران راست او و چون وضع حملش شود بر دارد

و در کتاب مجتنی مذکور است که شخصی ضعیف شد چشم او پس در خواب دید



فَأَتَى ... را که میگفت أُعِيذُ نُورَ بَصَرِي بِنُورِ اللهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ

او را بخوان این دعا را

و بمال دست خود را بر چشمهای خود و بعد از آن آیة الکرسی بخوان او را

گوید که آن شخص چنین کرد و صحیح شد چشم او پس تجربه شد این و درست

آمد تجربه و در کتاب دعوات روایت کرده است که این صلوات بر پیغمبر

امان است برای کسی اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا

که ذکر کند آن را و صلوات گفته شد

تَبْقَى صَلَاةٌ اللَّهُمَّ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا

تَبْقَى بَرَكَةٌ اللَّهُمَّ وَسَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا تَبْقَى

سَلَامٌ اللَّهُمَّ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ حَتَّى لَا تَبْقَى رَحْمَةٌ

خاتمه در بیان دعایی که کتاب مستطاب را بآن ختم کرده

مؤلفش مقداد بن عبدالله و فخر رازی هم بعض کتب خود را بآن

ختم کرده است و ختم کرده است بآن ابن فهد علیه الرحمه در عدة خود

و ثواب بشمار در نمی آید و مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که ملائکه
آسمان هفت زمین اگر جمع شوند بر آنکه وصف کنند ثواب قائل این را تا
روز قیامت وصف نکنند از هزار جزو یک جزو را و آزاد کرداند حق تعالی او را
اهلش را همه یکان او را از آتش و شفاعت او را قبول کند در حق
هزار نفر جماعتی که واجب شده باشد ایشان را آتش و بپوشاند حق تعالی او را
بهزار ستر در دنیا و آخرت کنایه از آنکه عیوب او را بپوشاند از اطلاع
مردم و بیامرزد گناهان او را و اگر چه مثل کف دریا باشد حتی گناه [illegible] را
و ببخشید برای او هفتاد هزار رحمت عطا کند او را ثواب هر مصیبت زده
و هر سلامتی روزی عطا کند او را از اجر بعدد هر خلقی که حق تعالی خلق
کرده است در این عالم و در آسمان و زمین و بعدد قطرهای باران و
ریگ و غیر اینها و نامیده میشود این دعا به دعای اهل بیت المعمور

یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ
ای آنکه ظاهر میسازد نیکو را و می پوشاند بد را ای آنکه مؤاخذه نمیکند
بالجریرة و لم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن
بگناه و نمی درد پرده را ای بزرگ بخشش ای نیکو
التجاوز یا باسط الیدین بالرحمة ارحمنی یا صاحب
گذشت کننده ای گشاده دست [illegible] برحمت رحم کن مرا ای صاحب

کل

کل حاجة یا واسع المغفرة یا مفرج کل کربة یا مقیل العثرات
هر حاجتی ای فراوان آمرزش ای زایل کننده هر اندوهی ای در گذرنده لغزشها
یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها
ای بزرگوار [illegible] ای عظیم عطا کننده ای نعمتها ابتدا کننده پیش از مستحق شدن آنها
یا رباه یا سیداه یا غایة رغبتاه اسئلک بک و بمحمد
ای پروردگار [illegible] ای آنکه منتهای [illegible] بحق تو و بحق محمد
و علی و فاطمة و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و
و علی و فاطمه و حسن و حسین و زین العابدین و محمد باقر و جعفر صادق و
موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحجة بن الحسن
موسی کاظم و علی رضا و محمد تقی و علی نقی و حسن عسکری و حجت بن حسن
المصدق ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان لا تشوه خلقی
مهدی [illegible] آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد آنکه بریان نکنی جسم مرا
بالنار و ان تفعل بی ما انت اهله
باتش و آنکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی

فصل سی و دویم در ادعیه مسافرت

روایت کرده است ابن بابویه در کتاب فقیه از حضرت پیغمبر صلعم که [illegible]
که عمل نگذارد مرد برای اهلش خلیفه بهتر از دو رکعت نماز که بجا آورد

اسئلک یا الله [illegible]

آنها را چون خواهد که بیرون رود اللهم انی استودعک الساعة
نبوی سفر خود پس میگوید خداوندا بدرستیکه من [illegible] میسپارم بتو در این ساعة
نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و دنیای و آخرتی و
نفس و اهل و مال و فرزندان و دنیا و آخرت خود را و
امانتی و خاتمة عملی پس نگوید این را احدی مگر عطا کند حق تعالی
امانت و آخر عمل خود را آنچه را خواسته است و مرویست از حضرت
صادق ع که هر کس بگوید پیش از بیرون آمدنش از منزل خود این کلمه را
الله اکبر بالله اخرج و بالله ادخل و علی الله اتوکل
خدا بزرگترست [illegible] بیرون میروم و [illegible] داخل میشوم و بر خدا توکل میکنم
سه مرتبه اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر و اختم لی بخیر و
خداوندا بگشا برای من در این [illegible] بخیر و ختم کن برای من بخیر و
قنی شر کل دابة انت آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط
نگاهدار مرا از شر هر جنبنده که تو گیرنده موی پیش سر او را بدرستیکه پروردگار من بر راه
مستقیم و باشد در امان حق تعالی از جن و انس و درندگان و
راست
جانوران تا برگردد بمنزل خود و مرویست از امام جعفر ع
که هر که بگوید وقتیکه بیرون آید از منزل خود بسم الله

حسبی الله

حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی اسئلک خیر
کافیست مرا خدا توکل کردم بر خدا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو خیر
اموری کلها و اعوذ بک من شر امور کلها و اعوذ
کارهای خود همه را و پناه میبرم بتو از شر همه کارهای خود و پناه میبرم
بک من خزی الدنیا و عذاب الآخرة کفایت میکند حق تعالی از او
بتو از رسوایی دنیا و عذاب آخرت
آنچه را باعث اهتمام او باشد
از امر دنیا و آخرت و هم از آنحضرت مرویست که هر که بگوید وقت بیرون
آمدن از منزل خود بسم الله را گویند او را دو ملک که هدایت
یافتی پس چون بگوید لا حول و لا قوة الا بالله گویند محفوظ
گشتی پس چون بگوید توکلت علی الله گویندش کفایت کرده
شدی یعنی مکاره تو رفع شد پس میگوید شیطان چه چاره کنم با کسی که
هدایت یافته و محفوظ گشته و کفایت کرده شده و مرویست از حضرت
صادق علیه السلام که هر که بخواند توحید را ده مرتبه وقتی که بیرون
میرود از منزل خود همیشه در حفظ حق تعالی باشد تا برگردد پس
چون بیرون آید از خانه خود بایستد بر در آن رو بان جانبی
که متوجه است و بخواند فاتحه را از پیش و از جانب راست و از جانب

چون خود و آیة الکرسی ایم ازین قرار بخواند پس بگوید اللهم
احفظنی واحفظ ما معی وسلّمنی وسلّم ما معی وبلّغنی و
حفظ کن مرا و حفظ کن آنچه با منست [illegible]
بلّغ ما معی ببلاغك الحسن الجميل يا ارحم الراحمين
[illegible] ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان
پس بخواند کلمات فرج را ما شاء الله لا قوة الا بالله
که گذشت در فصل [illegible] پس بگو [illegible]
اللهم آنس وحشتی واعنّی علی وحدتی واردد غيبتی
[illegible]
وسکوی مولای انقطع الرجاء الا منك وخابت الآمال
[illegible]
الا فيك اسئلك اللهم بحق من حقه واجب عليك
[illegible]
ممن جعلت له الحق عندك ان تصلی علی محمد وآل
[illegible]
محمد وان تقضی حاجتی ودر ادعیه سفر روایت که یا محمد
[illegible]

هر که اراده کند بیرون رفتن از اهل خود برای حاجتی یا برای سفری
و خواهد که برگردانم او را بسلامت تا قضای حاجت او پس باید بگوید در حین
خروج از بسم الله مخرجی وباذنه خرجت وقد علم قبل
خانه خود [illegible]
ان اخرج خروجی وقد احصی علمه ما فی مخرجی ومرجعی
[illegible]
توکلت علی الاله الاکبر توکل مفوض اليه امره مستعين
[illegible]
به علی شؤونه مستزيد من فضله مبرئ نفسی من کل حول
[illegible]
ومن کل قوة الا به خروج ضرير خرج بضره الی من يکشفه
[illegible]
خروج فقير خرج بفقره الی من يسده خروج عائل
[illegible]
خرج بعيلته الی من يغنيها وخروج من ربه اکبر
[illegible]

بغيته واعظم رجائه وافضل امنيته الله ثقتی فی
[illegible]
جميع اموری کلها بيديها جميعا استعين ولا شیء الا
جمیع کارهای من همگی [illegible] تمامی یاری میجویم و نیست چیزی مگر
ما شاء الله فی علمه اسئل الله خير المخرج والمدخل لا اله
آنچه خواهد خدا [illegible]
الا هو اليه المصير پس بدرستیکه او چون گفت این کلمات را
[illegible] متوجه مدخل و مخرج او سازم شرور را
و برگردانم او را بسلامت تتمه و سزاوار است که بیرون رفتن
همراه [illegible] صدقه کند [illegible] و بردارد با خود
عصائی از بادام تلخ و تلاوت کند قول حق تعالی را ولما توجه تلقاء
مدين تا والله علی ما نقول وکيل و در کتاب مذکور است که
مسافر چون فرود آید در منزل باید بخواند این آیه را رب انزلنی
منزلا مبارکا وانت خير المنزلين چه در [illegible]
در منزل [illegible] حضرت که هر که چنین
کند بهترین مکانی روزی او شود او را و دفع کند حق تعالی از و شر آن
مکان را

خواص آیات قرآنی

مکان را ان شاء الله تعالی فصل سی و سیم در خواص آیات قرآنی
در کتاب مجمع اهل الادب روایت که قرآن که محفوظ گشت بسبب آن معجزه
از دشمن [illegible] میفرماید واذا قرأت القرآن جعلنا
بينك وبين الذين لا يؤمنون [illegible]
[illegible] بالآخرة حجابا مستورا
یک آیه آن در سوره کهف است [illegible] پرده پوشیده
و آن قول حق ومن اظلم ممن ذکر بآيات ربه فاعرض
تعالی و تقدس است [illegible]
عنها ونسی ما قدمت يداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة
[illegible]
ان يفقهوه وفی آذانهم وقرا وان تدعهم الی الهدی
[illegible]
فلن يهتدوا اذا ابدا و یک آیه در سوره مبارکه نحل است اولئك الذين
[illegible]
طبع الله علی قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك
[illegible]

هُمُ الْغَافِلُونَ و یک آیه در سوره جاثیه است اَفَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ

و آن قول حق تعالی است

اِلٰهَهُ هَوَاهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰی عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلٰی سَمْعِهِ وَ

قَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلٰی بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ یَهْدِیهِ مِنْ بَعْدِ

دل او و قرار داده است بر دیده او پرده پس کیست که راه نماید او را غیر از

اللّٰهِ اَفَلَا تَذَکَّرُونَ و در کتب دلائل مذکور است که چون

شریفی علوی را هم و غم بسیار

عارض شد و بر طرف شد مال و جاه او و خوف سلطان وقت او را

دست داد پس در خواب دید حضرت پیغمبر صلعم را و شکایت کرد بخدمت

آنحضرت و امر کرد حضرت صلعم او را که بخوان این شش آیه را و جوابهای این آیات را

تا دور شود از تو این محنت که میباید حق تعالی برای تو [illegible] از آن شدت

راه بدر روی و چاره ورد میکند بر تو مال و منصب تو و ایمنی می بخشد

تو را از سلطان و کفایت میکند از تو کار دنیا و آخرت و بخوان

این آیات را همه وقت مگر فرج می بخشد حق تعالی [illegible] او را و رفع حاجت

دینی مگر قضا میکند دین او را و [illegible] کسی که در بند زندان باشد

مگر خلاص میکرد او را حق تعالی او را از آن شغل کرده است که چون بیدار شدم

و قرائت کردم این آیات را بعد از نمازهای خود ناگاه دیدم پیک

سلطان مرا میخواهد که بخدمت سلطان بروم چون رفتم فرمود که تو

ترسانیدی مرا در خواب [illegible] دارم تقرب کردی بر من [illegible]

[illegible] از جانب [illegible] یعنی باید از من هیچ خوف نداشته باشی و خاطر

جمع باشد پس رد کرد بر من آنچه را از من گرفته بود و از مال خود هم

اضافه بمن داد و بالجمله از برکت این آیات چیز کلی دیدم آیه اول

اَلَّذِینَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِیبَةٌ قَالُوا اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ

رَاجِعُونَ جواب اُولٰئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ

آیه اول

رَبِّهِمْ وَاُولٰئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ آیه ۲ اَلَّذِینَ قَالَ

وَرَحْمَةٌ

لَهُمُ النَّاسُ اِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ

اِیمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ جواب فَانْقَلَبُوا

آیه دویم

بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ

اللّٰهِ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَظِیمٍ آیه وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ

سیم

مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰی فِی الظُّلُمَاتِ

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ جواب

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذٰلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنِینَ

آیه وَاَیُّوبَ اِذْ نَادٰی رَبَّهُ اَنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنْتَ

چهارم

اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ جواب فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَکَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ

آیه چهارم

ضُرٍّ وَآتَیْنَاهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا

وذکری

وَذِکْرٰی لِلْعَابِدِینَ آیه اُفَوِّضُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ

پنجم

بَصِیرٌ بِالْعِبَادِ جواب فَوَقَاهُ اللّٰهُ سَیِّئَاتِ مَا مَکَرُوا وَ

آیه پنجم

حَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ آیه اَلَّذِینَ اِذَا فَعَلُوا

ششم

فَاحِشَةً اَوْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللّٰهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ

وَمَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَمْ یُصِرُّوا عَلٰی مَا فَعَلُوا وَهُمْ

یَعْلَمُونَ جواب اُولٰئِکَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ

آیه ششم

تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا وَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِینَ

آیات الشفاء

دیگر آیات الشفاء که بنویسد ایشان را و با آب بشوید وَیَشْفِ صُدُورَ

و بیاشامد مستسقی یا بدرد از [illegible] و آن اینست

قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا

گروهی مومنان را و شفاست برای آنکه در سینهاست بیرون می‌آید از شکمهای زنبوران

شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ

شربتی گوناگون رنگهای آن در آن شفاست برای آدمیان و فرو می‌فرستیم از قرآن

مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

آنچه آن شفا و رحمت است برای مومنان و چون بیمار شوم پس او شفا میدهد مرا

قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ

بگو آن برای آنان که گرویده‌اند راهنما و شفاست این سبکباری است از جانب

رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ

پروردگار شما و رحمت است الحال تخفیف داد خدا از شما میخواهد خدا که تخفیف دهد

عَنْكُمْ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَأَرَادُوا

از شما گفتیم ای آتش باش سرد و باعث سلامتی بر ابراهیم و قصد کردند

بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ

باو مکر را پس گردانیدیم ایشان را زیانکاران آیا نظر نمیکنی بسوی پروردگارت چگونه کشیده است

الظِّلَّ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ

سایه را هر آینه میگردانید آنرا آرام و برای اوست آنچه آرام است در شب و روز و اوست

وَلَوْ شَاءَ — واگر خواهد

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و

شنوا و دانا و نیست توانائی و نه قوت مگر بخداوند بلند مرتبه بزرگوار

در کتاب عده مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که هر که بخواند از اول البقره تا هم المفلحون و آیة الکرسی و سه آیه از آخر البقره نه بیند در نفس و مال خود چیزی که باعث اکراه او باشد و نزدیک نشود باو شیطان و فراموش نکند چیزی را از قرآن و در کتاب توکل نقل شده است که بخوانند برای گریختن جانوران در صبح و شام این آیه را وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ

و چیست ما را که توکل نکنیم بر حق تعالی

وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ

و حال آنکه بتحقیق راه نمود ما را راههای ما را و هر آینه صبر میکنیم بر آنچه آزار میکنید ما را و بر خدا

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ و در کتاب نهج الادعیه مذکور است که بخواند هر که از سگ در بیم باشد این را

پس باید توکل کنند توکل کنندگان

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ

ای گروه جن و آدمیان اگر توانید بیرون شوید از جوانب آسمانها

وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ وَخَشَعَتِ

و زمین پس بیرون روید بیرون نمیروید مگر بقهر و غلبه و فروتنی میکنند

الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا وَعَنَتِ الْوُجُوهُ

آوازها برای خداوند بخشنده پس نمی‌شنوی مگر آواز قدمها با آهستگی و خضوع میکنند رویها

لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا و در کتاب خواص القرآن مرویست از حضرت صلعم

برای زنده قایم بذات و بتحقیق نومید شد هر که برداشت بار ظلم را

علیه السلام که هر که را خوف غرق شدن و سوختن باشد باید بگوید این را إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ

بدرستیکه صاحب اختیار من خداوندیست که فرو فرستاده کتاب را و متولی میشود امور شایستگان را و نشناختند قدر حق تعالی را چنانکه سزاوار قدر اوست

وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ

و زمین همگی در قبضه اوست در روز قیامت و آسمانها پیچیده شده‌اند

بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ [illegible] و جهت طفلی نماید بر و

بدست راست او منزه است او و بلند مرتبه است از آنکه شریک میکردانند

چاروا بخواند در اذن او أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي

آیا پس بغیر دین خدا می‌طلبند و برای او منقاد گردیده است هر که در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ و از

آسمانها و زمین است بخوشی و ناخوشی و بسوی او باز میگردند

حضرت کاظم عم مرویست که هر که طلب کفایت کند باید از قرآن از مشرق تا مغرب کفایت میکند او را هر گاه او را الفاتحه حاصل باشد

فصل سی و چهارم در اقسام استخارت نقل کرده است شیخ مفید علیه الرحمه در رساله غریه که سزاوار نیست آدمی را آنکه استخاره کند یعنی طلب خیر کند از حق تعالی در چیزی که نهی فرموده است از آن و نه در ادای فرض و جز این نیست که استخارت در چیزیست که مباح باشد و در ترک امر راجحی بامر راجح دیگر که ممکنش نشود جمع میان هر دو مانند جهاد کردن و حج سنت و سفر زیارت امامی دون امامی دیگر یعنی باید استخاره برای آن نماید که کدام سنتی را ترک کند و مباحی بجا آورد و ملکی باید آنکه میکند نیز سنت باشد

از آنجمله استخاره ذات الرقاع است که از حضرت صادق عم روایت شده و آن چنین است که مینویسی در سه پاره کاغذ بعد از بسم الله خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعل و بجای فلان بن فلانه اسم خود و مادر خود را می‌نویسی و در سه پاره دیگر بعد از بسمله خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعل پس بگذار شش رقعه را زیر جای نماز خود پس دو رکعت نماز بکن چون سلام گفتی سجده کن و بگو صد مرتبه استخیر الله برحمته

طلب خیر میکنم از خدا برحمت او

استخاره ذات الرقاع

خیرة فی عافیة پس بگو اللهم خر لی فی جمیع اموری کلها

اختیار بر بی بیت کار خود وبگوی خداوندا بگزین برای من در همه کارهای من تمام

فی یسر منک وعافیة و بر هم زن رقعها را و بیرون آور یکی یکی

پس اگر بیرون آید سه رقعه پی در پی افعل بکن کاری را که قصد داری و اگر

بیرون آید سه تا پی در پی لا تفعل مکن آنکار را و اگر بعضی افعل و

بعضی لا تفعل بیرون آید باز بیرون آور تا پنج رقعه شود و عمل کن

بهر یک که بیشتر باشد یعنی اگر سه رقعه افعل و دو تا لا تفعل باشد بکن

والا مکن و از انجمله استخاره ایست هم از اهل بیت علیهم السلم

که قصد کند استخاره کننده حاجت خود را و بنویسد در یک رقعه لا و در رقعه

دیگر نعم پس بگذارد هر دو را در پاره گل هر یک بقدر فندقی و

بگذارد آنها را در زیر دامن خود و دو رکعت نماز بکن و بگوی

اللهم انی اشاورک فی امری هذا وانت خیر مستشار

خداوندا من مشورت میکنم ترا در این کار خود و تو بهترین مشورت کننده

و مشیر فاشر علی بما فیه صلاح وحسن عاقبة و بیرون

آور یکی

از آنها را و عمل کن بآن و حاصل آنکه آنها را در میان گل یا خمیری میگذارد

و در زیر دامن میگذارد که هیچیک را نشناسد و بعد از آن بیرون می

آورد یکی را اگر نعم باشد میکند و الا فلا والله یعلم و از انجمله

استخاره ایست که علامه ره نقل کرده است از حضرت صادق علیه السلام که هرگز که

مشورت کند با بعضی برادران مؤمن خود و سؤال کند از حق تعالی که

جاری سازد بر زبان او خیر را و بکند آنچه مشورت بر آن قرار گیرد

و از انجمله آنست که بازهم در آنجا ذکر کرده است که بگشاید مصحف را و

نظر کند بآیه اولی که در انجاست و عمل کند بآن و از انجمله استخاره

علامه در مصباح خود ذکر کرده است که این استخاره مرویست از حضرت

صاحب الامر علیه السلام که بخواند سوره حمد را ده مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه پس

بخواند سوره قدر را اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة

ده مرتبه پس بگوید خداوندا بدرستیکه من طلب خیر میکنم از تو بسبب علم تو بعاقبت

الامور واستشیرک لحسن ظنی بک فی المامول و

کارها و مشورت میکنم ترا بسبب گمان نیکی که بتو دارم در آنچه طلب کرده میشود

المحذور اللهم ان کان هذا الامر الفلانی و بجای فلانی

نام برآن

در آنچه حذر کرده میشود خداوندا اگر بوده باشد این کار فلانی

آن کار را که منظور داری بلفظ فلانی را اگر گوید و بعد از نام بردن

آن کار را بقدر دعا را بفاصله بخواند مثل آنکه گوید ان کان هذا الامر

کوچ دین قاتک بلیطت بالبرکة اعجازه وتتابعت بحقت

ابیات از امور منوطه است برکت رسیدن بآن و اطرافش احاطه کرده است

بالکرامة ایامه ولیالیه فخر لی اللهم فیه خیرة ترد

کرامات روز ها و شبهای آن پس بگزین برای من خداوندا در آن گزیدنیکه برگرداند

شموسه ذلولا وتقعص ایامه سرورا اللهم اما

تقحص ایامه

چموش آن را بهموار و بر کرداند روزها را از آن شادی خداوندا اگر این

امر فامر واما نهی فانتهی اللهم انی استخیرک

امر است پس بکار آورم و اگر نهی است پس باز ایستم خداوندا بدرستیکه من طلب خیر میکنم از تو

برحمتک خیرة فی عافیة اللهم ان کان بالفرد فهو

برحمت تو خیر در عافیت خداوندا اگر واقع شود طاق پس آن

الخیرة پس در دل میگذراند حاجت خود را و میگیرد پاره از

برگزیده است

تسبیح را و میشمرد اگر عدد آن فرد باشد پس بکند

واگر زوج باشد ترک کند و از انجمله استخاره ایستکه ذکر کرده است

نیز در آنجا که بگشاید مصحف را و نظر کند اول آیه را که در روست

و عمل کند بآن ظاهر آیه یعنی اگر آیه رحمت باشد یا امر بخیری یا قصه

عنه واجعل ذلک فی یسر منک وعافیة واوزعنی شکر ما

از آن و بگردان این را در آسانی از تو و عافیت و توفیق ده مرا بشکر آنچه

انعمت به علی واسئلک ان تجعل وفاتی قتلا فی سبیلک

انعام فرموده بآن بر من و سؤال میکنم ترا آنکه بگردانی وفات مرا کشته شدن در راه تو

تحت رایة محمد نبیک مع ولیک صلواتک وسلامک

در زیر علم محمد پیغمبر تو با ولی تو که رحمتهای تو و درود تو

علیهما واسئلک ان تقتل بی اعداءک واعداء رسولک

بر ایشان باد و سؤال میکنم ترا آنکه بکشی بسبب من دشمنان ترا و دشمنان پیغمبر خود را

وان تکرمنی بهوان من شئت من خلقک ولا تهنی

و آنکه گرامی داری مرا بخواری آنکه خواهی از خلق خود و خوار مساز مرا

بکرامة احد من اولیائک اللهم اجعل لی مع الرسول

بگرامی داشتن احدی از دوستان خود خداوندا بگردان برای من با رسول خود

سبیلا حسبی الله ما شاء الله وصلی الله علی سیدنا

راهی کافیست مرا خدا آنچه خواهد خدا و رحمت فرستد خدا بر آقای ما

محمد رسوله وخاتم النبیین وآله الطاهرین

و در کتاب

محمد رسول خود و خاتم پیغمبران و آل او که پاکانند

مرویست که هرکه این دعا را بخواند در هر روز از ماه رمضان مرزوق شود بحج
کما قال بخواند اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت
ای خداوند پروردگار ماه رمضان آن ماهی که فرو فرستادی
فیه القرآن و افترضت علی عبادک فیه الصیام صل
در او قرآن را و فرض ساختی بر بندگان خود در آن روزه را رحمت فرست
علی محمد و آل محمد و ارزقنی حج بیتک الحرام فی
بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج خانه محترم خود را در
هذا العام و فی کل عام و اغفر لی الذنوب العظام فانه
این سال و در هر سال و بیامرز برای من گناهان بزرگ را بدرستی که
لا یغفرها غیرک یا ذا الجلال و الاکرام و در کتاب بلد
نمی‌آمرزد آنها را غیر تو ای صاحب بزرگواری و بخشش — الامین مرویست
از حضرت علی ع که نزد بسم الله اللهم لک صمت و بک
افطار خود این دعا میخواند بنام خدا ای خدا برای تو روزه داشتم و بتو
آمنت و علیک توکلت و علی رزقک افطرت فتقبل
ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و بر روزی تو افطار کردم پس قبول کن
منی انک انت السمیع العلیم و مرویست از حضرت صادق ع
از من بدرستی که تو شنوای دانایی

که هرکه

وقت افطار

لما سبق و الفاتح لما استقبل و المهیمن علی ذلک کله و
آنچه را گذشته است و گشاینده آنچه را پیش آید و گواه بر این همه و
رحمة الله و برکاته السلام علی صاحب السکینة السلام
رحمت خدا و برکتهای او سلام بر صاحب وقار سلام
علی ساکن المدینة السلام علی المنصور المؤید السلام علی
بر ساکن مدینه طیبه سلام بر یاری کرده شده توفیق یافته سلام بر
ابی القاسم محمد و رحمة الله و برکاته دیگر زیارت جامعه است
ابو القاسم محمد و رحمت خدا و برکتهای او که ذکر کرده است شیخ
طوسی در مصباح خود مروی از حضرت صادق ع که هرکه خواهد زیارت کند
حضرت پیغمبر صلعم را و حضرت فاطمه و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام را
در بلاد خود پس باید غسل کند در روز جمعه و بپوشد دو جامه پاک و
بیرون آید بجائی بلندی از زمین و چهار رکعت نماز بکند بهر کیفیت که
شود و چون سلام گفت برخیزد رو بقبله و بگوید السلام علیک
ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علیک ایها
ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو ای
النبی المرسل و الوصی المرتضی و السید الکبیر
پیغمبر مرسل و وصی برگزیده و سید بزرگ

و السیدة الزهراء و السبطان المنتجبان و الاولاد
و ای سیده زهرا و ای دو نبیره برگزیدگان و ای اولاد
الکرام و الامناء المنتجبون جئت انقطاعا الیکم و
کرام ای امینان برگزیدگان آمده‌ام بریده از غیر بسوی شما و
الی آبائکم و ولدکم الخلف علی برکة الحق فقلبی لکم مسلم
بسوی پدران شما و فرزند شما بر برکت حق پس دل من برای شما انقیاد کننده است
و نصرتی لکم معدة حتی یحکم الله لدینه فمعکم معکم لا مع
و یاری من برای شما مهیاست تا حکم کند خدا برای دین خود پس با شمایم با شمایم نه با
عدوکم انی من القائلین بفضلکم مقر برجعتکم
دشمن شما بدرستی که من از گویندگانم بفضل شما اقرار دارم برجعت شما
لا انکر لله قدرة و لا اعوذ الا ما شاء الله سبحان الله
انکار نمیکنم قدرت خدا را ... پاکیست خدای
ذی الملک و الملکوت یسبح لله باسمائه جمیع خلقه و
صاحب پادشاهی و ملکوت تسبیح میکند خدا را بنامهای او همه خلق او و
السلام علی ارواحکم و اجسادکم و رحمة الله و برکاته
سلام بر روحهای شما و جسدهای شما و رحمت خدا و برکتهای او

ودر روایت

و در روایت دیگر وارد است که بکن از منبر او بر بام خانه خود و از حضرت
صادق ع مرویست که هرگاه اراده کنی زیارت حضرت امام حسین ع
را بالا رو بر بام خود پس ملتفت شو بطرف راست و چپ و بردار
خود را بسوی آسمان پس قصد کن بجانب قبر مقدس آنحضرت و بگوی
السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک و رحمة الله و
سلام بر تو ای ابا عبد الله سلام بر تو و رحمت خدا و
برکاته که نوشته میشود از برای تو ثواب زوره و زوره حجی و عمره است
برکتهای او
و بگو در وداع ائمه صلوات الله و سلامه و برکاته علیهم اجمعین السلام علیکم ائمة
سلام بر شما ای پیشوایان
الهدی و رحمة الله و برکاته استودعکم الله و اقرأ
هدایت و رحمت خدا و برکتهای او میسپارم شما را بخدا و میخوانم
علیکم السلام آمنا بالله و بالرسول و بما جئتم به و دللتم
بر شما سلام را ایمان آوردیم بخدا و برسول و بآنچه آوردید و دلالت کردید
علیه اللهم اکتبنا مع الشاهدین و لا تجعله آخر العهد من
بر آن خدایا بنویس ما را با گواهان و مگردان آنرا آخر عهد
زیارتهم و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
بزیارت ایشان و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او

علیهم السلام

ادعیهٔ ماه رجب

فصل سی و ششم در ادعیهٔ ماه رجب مستحب است که خوانده شود

در هر روز از رجب يا من يملك حوائج السائلين ويعلم ضمير

الصامتين لكل مسألة منك سمع حاضر وجواب عتيد

ولكل صامت منك علم باطن محيط أسألك بمواعيدك

الصادقة وأياديك الفاضلة ورحمتك الواسعة و

سلطانك القاهر وملكك الدائم وكلماتك التامات يا

من لا تنفعه طاعة المطيعين ولا تضره معصية العاصين

أن تصلي على محمد وآله وأن تقضي لي حوائج الدنيا

والآخرة وارزقني من فضلك وأعطني فيما رزقتني

العافية

العافية والبركة برحمتك يا أرحم الراحمين پس بخوان این دعا

حضرت صادق عم اللهم إني أسألك صبر الشاكرين لك وعمل

الخائفين منك ويقين العابدين لك اللهم أنت العلي

العظيم وأنا عبدك البائس الفقير وأنت الغني الحميد

وأنا العبد الذليل اللهم صل على محمد وآل محمد وامنن

بغناك على فقري وبحلمك على جهلي وبقوتك على ضعفي

يا قوي يا عزيز اللهم صل على محمد وآل محمد الأوصياء

المرضيين واكفني ما أهمني من أمر الدنيا والآخرة يا أرحم

الراحمين ترجمه ذکر کرده است صدوق رحمه الله در کتاب مجالس خود حدیث

رحم کنندگان طولانی در فضیلت روزهٔ ماه رجب و در آخر حدیث این

است که عرض کردند که یا رسول الله پس کسی که قادر نباشد بر روزه در

این چه کند تا یابد ثواب آنچه را وصف فرمودی حضرت فرمود تصدق

می کند از هر روزی یک گرده نانی عرض کردند که اگر بر این قادر نباشد

کسی فرمود تسبیح الهی کند هر روز سبحان الإله الجليل سبحان

از رجب این تسبیح صد مرتبه — منزه است خداوند بزرگوار پاک است

من لا ينبغي التسبيح إلا له سبحان الأعز الأكرم سبحان

من تعطف بالحمد والكرم سبحان من لبس العز وهو له

أهل سبحانه وتعالى

ادعیهٔ ماه شعبان

فصل سی و هفتم در ادعیه ماه شعبان

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام میخواند در

هر روز از ماه شعبان نزد زوال و در شب نصف شعبان این دعا را

اللهم صل على محمد وآل محمد شجرة النبوة وموضع الرسالة

ومختلف

ومختلف الملائكة ومعدن العلم وأهل بيت الوحي اللهم

صل على محمد وآل محمد الفلك الجارية في اللجج الغامرة

يأمن من ركبها ويغرق من تركها المتقدم لهم مارق

والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل

على محمد وآل محمد الكهف الحصين وغياث المضطر

المستكين وملجإ الهاربين وعصمة المعتصمين اللهم

المستعصمين

صل على محمد وآل محمد صلوة تكون لهم رضى ولحق محمد

وآل محمد أداء وقضاء بحول منك وقوة يا رب



کرده گناهکاران را آمرزید جهت عبادت کنندگان شب نصف شعبان بهترین
شبهاست بعد از شب قدر و در آن شب متولد شد حضرت قائم مهدی عم
و مستحب است که این دعا خوانده شود در آن شب الهی تعرض لک فی
هذه اللیلة المتعرضون که در فصل هفتم گذشت و مرویست از حضرت
صادق عم که هر که تسبیح کند حق تعالی را در آن شب صد مرتبه و حمد حق تعالی کند
صد مرتبه و تهلیل کند حق تعالی را صد مرتبه و تکبیر حق تعالی کند صد مرتبه یعنی
هر یک از سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر را صد مرتبه بگوید بیامرزد حق تعالی از وی هر آنچه را پیشتر کرده باشد
از گناهان خود و آنچه معلوم باشد احتیاج او بآن و اگر چه التماس نکرده باشد

فصل بیست و هشتم در ادعیه ماه رمضان بخواند هر روز از ماه این دعا
را که مرویست از اللهم انی اسألک فیما تقضی وتقدر من
خداوندا از تو سؤال میکنم در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از
حضرت صادق عم
الامر المحتوم فی الامر الحکیم من القضاء الذی لا یرد
امر واجب در امر جاری از حکم که بر نمیگردد
ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام وان تطیل
و تغییر نمیکند اینکه بنویسی مرا از حاجیان خانه محترم خود و اینکه طول دهی

از ادعیه ماه رمضان
دعای هر روز

عمری

عمری وتوسع رزقی وان تجعلنی ممن تنتصر به لدینک
عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و اینکه بگردانی مرا از آنها که انتقام کشی بایشان از برای دین خود
ولا تستبدل بی غیری و میگوید در هر شب از دهه آخر ماه این دعا را که
و بدل نکنی بجای من غیر مرا
مرویست از آنحضرت علیه السلام ... فی بعض
و نوافل اللهم اد عنا حق ما مضی من شهر رمضان و
ایضا خداوندا ادا کن از ما حق آنچه گذشته است از ماه رمضان و
اغفر لنا تقصیرنا فیه وسلمه منا مقبولا ولا تؤاخذنا
بیامرز برای ما تقصیر ما را در آن و بسپار او را از ما مقبول و مگیر ما را
باسرافنا علی انفسنا واجعلنا من المرحومین ولا تجعلنا
بسبب اسراف ما بر نفسهای خود و ما را بگردان از رحم کردگان و مگردان ما را
من المحرومین پس بدرستیکه هر که بگوید این را بیامرزد حق تعالی آنچه کرده
از محرومان
از گناه در آنچه گذشته باشد از ماه رمضان و نگاه دارد
او را از ارتکاب معاصی در آنچه باقی مانده باشد از این ماه و در کتاب روضة
العابدین کراجکی مرویست که حضرت صادق عم این دعا میخواند در هر روز
از ماه رمضان اللهم منک اطلب حاجتی ومن طلب
و هر شب از آن خداوندا از تو میطلبم حاجت خود را و هر که طلب نماید

دعای هر روز

حاجته الى احد من الناس فانى لا اطلب حاجتى الا منك

که حاجت خود را نزد احدی از مردمان [illegible] نطلبم حاجت خود را مگر از تو

وحدك لا شريك لك واسئلك بفضلك ورضوانك

تنها و شریک نیست ترا و سؤال میکنم ترا بفضل و احسان تو

اهل بیته

ان تصلى على محمد وآل محمد وان تجعل لى فى عامى هذا

آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی برای من در این سال

الى بيتك الحرام سبيلا حجة مبرورة متقبلة زاكية

بسوی خانه محترم خود راهی حج نیکو [illegible] پذیرفته پاکیزه

خالصة لك تقر بها عينى وترفع بها درجتى وترزقنى

خالص برای تو که روشن شود به آن دیده من و بلند شود به آن درجه من و روزی کنی مرا

ان اغض بصرى وان احفظ فرجى وان اكف عن جميع

آنکه بپوشم دیده خود را و آنکه نگاه دارم فرج خود را و آنکه باز ایستم از جمیع

محارمك حتى لا يكون عندى شىء آثر من طاعتك و

امور حرام تو تا آنکه نباشد نزد من چیزی بهتر از طاعت تو و

خشيتك والعمل بما احببت والترك لما كرهت ونهيت

خشیت تو و عمل کردن بانچه دوست داری و ترک کردن آنچه کراهت داری و نهی کرده

عنه

احیا رباشند و امثال اینها بکنند و اگر آیه عذاب و قصص اشقیا و جمع

که بعذاب مبتلا شده اند و امثال اینها باشد تکبر کنند و اگر هیچ

از اینها نباشد میان کردن و مکرر کردن مهارت بوجهی که بعض علما

تفصیل داده اند و در این زمان معمول است تتمه ذکر کرده است

ابن طاوس در کتاب فتح الابواب که ابن ابی عامر روایت از حضرت رضا علیه السلام از

پدرانش علیهم السلام و مرویست که هر که این دعا بخواند نه بیند در عاقبت کار خود مگر

آنچه را دوست میدارد و بپسندد اللهم ان خيرتك تنيل الرغائب

[illegible] خداوندا بدرستیکه برگزیدن تو میرساند خواهشها را

وتطيب المكاسب وتغنم المطالب وتهدى الى احمد العواقب

و نیکو میسازد کسبها را و غنیمت میسازد مطلبها را و هدایت میکند بسوی بهترین عاقبتها

وتقى من محذور النوائب اللهم انى استخيرك فيما عقد عليه

و نگاه میدارد از [illegible] مصیبتها خداوندا [illegible] طلب خیر میکنم از تو [illegible]

رأيى وقادنى اليه هواى واسئلك يا رب ان تسهل

[illegible]

لى فى ذلك ما تعسر وان تعجل لى من ذلك ما تيسر وان

برای من در آن آنچه دشوار است و آنکه تعجیل کنی برای من از آن آنچه آسان است و آنکه

استخیرک

تعطينى يا رب الظفر فيما استخرتك فيه وعونا بالانعام

عطا کنی مرا ای پروردگار ظفر [illegible]

فيما دعوتك وان تجعل يا رب بعده قربا وخوفه امنا

[illegible]

وتحذيره سلما انك تعلم ولا اعلم وانت علام الغيوب

[illegible] و تو دانای پنهانها

اللهم ان يكن هذا الامر خيرا لى فى عاجل الدنيا وآجل

خداوندا اگر این کار خیر باشد [illegible]

الآخرة فعجله وسهله لى ويسره وان لم يكن فاصرفه عنى

[illegible]

وقدر لى فيه الخير انك على كل شىء قدير يا ارحم الراحمين

[illegible] ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

فصل سیم در زیارت [illegible] السلام عليك يا

در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله سلام بر تو ای

رسول الله وامين الله على وحيه وعزائم امره والخاتم

رسول خدا و امین خدا بر وحی او و لوازم امر او و ختم کننده

زیارات

لما سبق

که هر که بخواند سوره قدر را در سحور و وقت افطار خود میباشد مانند کسی

که در خون خود غلطیده باشد در راه حق تعالی و در کتاب شرایع التمسک

مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله که هر که افطار کند و این دعا را

نزد افطار خود بخواند بیرون آید از گناهان خود مانند روزی که از مادر

زاییده است يا عظيم يا عظيم يا عظيم انت الله الذى لا

و دعا اینست [illegible]

اله الا انت اغفر لى الذنب العظيم فانه لا يغفر الذنب

[illegible] بیامرز برای من گناه بزرگ را [illegible]

العظيم الا انت يا عظيم و در کتاب فردوس مذکور است که

مگر تو ای بزرگ هر که بگوید در شب عید ده مرتبه این کلمات را

يا دائم الفضل على البرية يا باسط اليدين بالعطية

ای دائم فضل تو بر خلایق ای گشاینده دستها بعطا

يا صاحب المواهب السنية صل على محمد وآله خير

ای صاحب بخششهای بلند رحمت فرست بر محمد و آل او بهترین

الورى سجية واغفر لنا يا ذا العلى فى هذه العشية

خلق از روی سرشت و بیامرز برای ما ای صاحب بلندی در این شب

يتولسد حق تعالى براى او مراد هر كه ... و محو كند از سيئات او و رفيع قدر و
بلند كند از درجات او همين قدر پس چون روز قيامت شود در رحمت
... حضرت ابراهيم خليل الله ... مخصوص او شود ان شاء الله

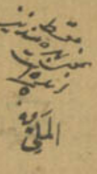
فصل سى و ... در بيان اسماء الحسنى و خواص آنها كه نقل كرده ام
از كتاب جواهر ... كه حق تعالى ... تمام است كه هر كه دعا كند
با آنها مستجاب ميشود براى او و هر كه بشمار آورد آنها را ظاهرا يعنى تمام آنها
بگويد داخل بهشت شود هو الله الذى لا اله الا هو الرحمن
و آن نامها اينست

الرحيم الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
مهربان پادشاه پاک تنزه سالم ايمن سازنده گواه غالب
الجبار المتكبر الخالق البارئ المصور الغفار الوهاب
جبر كننده صاحب بزرگى آفريننده خلق كننده وجود دهنده آمرزنده بخشنده
الرزاق الفتاح العليم القابض الباسط الخافض الرافع
روزى دهنده بازگشاينده دانا ...
المعز المذل السميع البصير الحكم العدل اللطيف
عزيز كننده خوار كننده شنوا بينا حكم كننده عادل ...

الخبير الحليم

المغيث

الخبير الحليم العظيم الغفور الشكور العلي الكبير الحفيظ
المقيت الحسيب الجليل الجميل الكريم الرقيب المجيب الواسع
الحكيم الودود الرب المحيط المجيد الماجد الباعث
الشهيد الحق الوكيل القوي المتين الولي الحميد المحصي
المبدئ المعيد المحيي المميت الحي القيوم الواجد الواحد
الاحد الفرد الصمد القادر القاهر المقتدر المقدم
المؤخر الاول الآخر الظاهر الباطن الوالي المتعالي البر
التواب المنتقم العفو الرؤف المنيع مالك الملك ذو ا...



الجلال والاكرام المقسط المحسن المجمل العطوف الرازق
الحنان المنان الجامع الغني المغني المعطي المانع
الضار النافع النور الهادي البديع الباقي الوارث
الرشيد الصبور الذي ليس كمثله شيء الذي لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ودر كتاب عدة الداعي مذكور است
... كه سزاوار است داعى را اگر ...
تمجيد كند حق سبحانه وتعالى را و ثنا كند بر او بايد كه ذكر كند از اسماى
حسنى او آنچه مناسب مطلب او باشد پس چون مطلوب او روزى باشد
پس بايد ذكر كند الرازق والوهاب والجواد والمغني
اين اسما را
والمنعم والمفضل والمعطي والكريم والواسع ومسبب

الاسباب

الاسباب ورازق الانام ورازق من يشاء بغير حساب
و اگر بوده باشد مطلوب او مغفرت و توبه پس ذكر ميكند
مثل التواب والرحمن والرحيم والرؤف والعطوف
والمحسن المجمل والعفو والغفار والستار و اگر بوده باشد
مطلوب او انتقام
از دشمن العزيز والجبار والقهار والمنتقم والباطش
ذكر ميكند
وذو البطش الشديد ومدوّخ الجبابرة وقاصم المردة
والطالب الغالب والمدرك والمهلك و ... و اگر مطلب او
علم باشد ذكر ميكند مثل العالم والمعز والرافع والفتاح و
الهادي والمرشد ومثل اين و اگر قصدش امن شدن باشد
پس ذكر ميكند مثل الامان السلام الحافظ ودر كتاب مقصد

الانشی مذکور است که چون خواهی که در اصل شوی بر سلطانی که بیم از وی داری پس استخراج کن انچه مناسب هر یکی از حروف اسم اوست از این اسماء و نظر کن بحروف اسم شخصی که از وی بیم داری و حذف کن مکرر از آنرا اگر مکرری داشته باشد و حساب کن انچه بماند بحساب جمل پس چون بعددی منتهی شود ذکر میکنی این اسماء را بقدر آن مثلا چون هم تو از امیری باشد پس نظر کن باسم او مثل احمد پس انچه مناسب الف است اللّه احد است و مناسب حا حکیم است و مناسب میم مؤمن و مهیمن است و مناسب دال دائم است و عدد حروف احمد پنجاه و سه است پس مکرر کن این اسماء را که استخراج کرده پنجاه و سه مرتبه و دیدم بخط شیخ زاهد قدس اللّه سره که این اسماء حسنی مجرب شده از برای امر بدی و برای اطاعت و دوستی دلبستن زبانها و برای باطل ساختن سحر و برای جلب رزق نافعند جمیع اینها است و الحمد للّه

فصل چهلم در آداب دعا کننده و آن بسیار است لیکن بعضی از آن اختصار میکنیم در کتاب عدة الداعی مذکور است که از جمله آداب داعی چند قسم مذکور میشود اول انچه مقدم است بر دعا و آن طهارت و بوی خوش و رفتن بمسجد و صدقه و استقبال قبله و حسن ظن

دستها

داشتن بحق تعالی و روزه داشتن و اجابت کردن و بدل متوجه شدن و ترک حرامی را سؤال نکردن و با کسی نساختن و نخوردن حرام بر روزه داشتن و تجدید توبه است دویم انچه مقارن دعا است و آن ترک شتاب کردن در دعا و اصرار و تکرار نمودن و دعا را بر وجه عموم خواندن که شامل حال برادران مؤمن باشد و نام بردن حاجت و خشوع و گریه کردن و مکرر یاد کردن خود و اعتراف بگناه و مقدم داشتن برادران مؤمن و بلند کردن دستها بجانب دعا کردن بنحوی که متضمن اسم اعظم باشد که ذکر کردیم آنرا در فصل بیست و چهارم و مدح کردن بر خداوند عالمیان که آن بیشترین آن قراءت توحید و اسماء حسنی است و گفتن یا من هو اقرب الیّ من حبل الورید تا آخر آن چنانچه در فصل یازدهم گذشت سیم انچه متاخر است از دعا و آن مکرر خواندن دعا است با وجود اجابت و عدم اجابت و ختم کردن دعا بصلوات بر محمد و آل محمد و گفتن ما شاء اللّه لا قوة الا باللّه و گفتن یا اللّه المانع قدرته تا آخر که در فصل بیست و نهم گذشت و آنکه بمالد دست خود را بر روی و سینه خود چهارم در سبب اجابت و آن گاه بر میگردد بوقت مثل روز جمعه و شب آن و وقتی که غایب شده باشد شفق و قرص آفتاب از روز جمعه و ماه رمضان

و شبهای قدر با تاکید شامل تر است و روزهای آن شبها و شب عرفه و شب مبعث و شب غدیر و شب عید فطر و شب عید اضحی و روزهای آنها و شبهای احیا که آن چهار شب است شب اول رجب و شب نصف شعبان و روز مولود که هفدهم ربیع الاول است و روز نصف رجب و چهار ماه حرام که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و رجب است و نزد زوال آفتاب از هر روزی و نزد وزیدن بادها و نزول باران و نزد طلوع فجر تا طلوع آفتاب و وقت قراءت سوره مجید ده مرتبه با طلوع آفتاب در روز جمعه و نزد قراءت قدر پانزده مرتبه در ثلث آخر شب جمعه و نزد اذان و قراءت قرآن و گاهست که بر میگردد بتفضیل مکان مانند مسجد الحرام و کعبه و عرفات و مزدلفه و حایر حضرت امام حسین علیه السلام و گاه هست که بر میگردد بفعلها مانند عقب نمازها و در سجود و بعد از مغرب و دعای حاجیان برای استقبال کننده خود و سائل برای عطا کننده اش و مریض برای عیادت کننده اش پنجم حالتهای دعا کننده پس دعای صایم رد نمیشود و همچنین مریض و غزا کننده و حاج و معتمر و کسی که بگذارد نماز را که بخاطرش خطور نکند در آن نماز چیزی از امور دنیا چه او سؤال نمیکند حاجتی را مگر عطا میکند حق تعالی او را و کسی که بلرزد پوست او

و اکثر بار

و اکثر بار چشمهای او و کسی که وضو یا غسل کند و انتظار نماز کشد و کسی که در دست او انگشتری باشد که نگین فیروزه یا عقیق باشد همه آن یا نگین آن و جمع میشوند چهار نفر مگر متفرق شوند بعد از اجابت ان شاء اللّه تعالی و حالا ذکر میکنیم انچه وعده کردیم در دیباچه که کتب منقوله را ذکر کنیم و آن این کتب است کتاب المتهجد کتاب القواعد کتاب الامالی کتاب الخصائص کتاب الروضه کتاب فضل الدعاء کتاب العلویات کتاب طریق النجاة کتاب مجمع البحرین کتاب جوامع کتاب البیان کتاب الذکری کتاب الطب کتاب المجتنی کتاب الفردوس کتاب التغلبیه کتاب العلل کتاب الغیبة کتاب ثواب الاعمال کتاب من لا یحضره الفقیه کتاب الکفایه کتاب اللمع کتاب الاسرار کتاب نهج البلاغه کتاب ربیع الابرار کتاب مختصر المصباح کتاب الاحتجاج کتاب فتح الابواب کتاب الدعاء کتاب الکافی کتاب المشیخه کتاب الصلوة کتاب الاعمال کتاب فرج الکرب کتاب دفع الهموم والاحزان کتاب المستغیثین کتاب التحریر کتاب المصباح کتاب الارشاد کتاب المزار کتاب طب الائمة علیهم السلام کتاب الخرائج کتاب خواص القرآن کتاب حیوة الحیوان کتاب مفتاح الغیب کتاب عیون الاخبار کتاب الوسائل کتاب بعض سیر الائمة علیهم السلام



كتاب التنزيل كتاب [illegible] كتاب الفوائد الجليلة كتاب التبصرة
كتاب النور كتاب [illegible] كتاب اغاثة الداعي كتاب التهجد كتاب
السبحات كتاب تفسير عياش ابراهيم كتاب زبدة البيان كتاب
القصص كتاب الشهاب كتاب الدعاء كتاب فضل الذكر كتاب
صفين كتاب كنوز النجاح كتاب مكارم الاخلاق كتاب
الانوار المضيئة كتاب التعليل كتاب الادعية المروية كتاب التهذيب
كتاب الموجز كتاب روضة العابدين كتاب حديقة الناظر كتاب البلد
الامين كتاب شرعة التسمية كتاب الفردوس كتاب الجواهر كتاب العروة
كتاب التتمة ومجموع ظاهرا منضبط دو مجلدات كه اين جوابات از
آنها منتخب شده است تفصيل ابوابي آنها ختم شد اين كتاب در
وقت ترجمه بتعجيل التمام داشت ونسخه مصححى در نظر نبود حسب الوقت تصحيح
شده هرگاه در بعض مواضع خللى رفته باشد معذور دارند وباصلاح آن
باوجود تيقن بتغيير نفرمايند والحمد لله اولا وآخرا وصلى الله على محمد و
آله وسلم تسليما وكان الفراغ من ترجمة كتاب العبادات والآداب
والادعية وما يتعلق بها [illegible] شهر محرم الحرام من سنة
مائة واحدى وعشرين بعد الف ١١٢١

